

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله عزَّ وجلَّ:

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}

خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و کاملاً شما را پاک سازد

(سورة الأحزاب: الآية 33)

تعداد بسیار زیادی از احادیث شریف نبوی در منابع شیعه و سنی بر این امر دلالت دارند که این آیه مبارکه در خصوص پنج تن آل عبا بوده، و واژه «اهل بیت» ویژه ایشان است و اینان: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین[^] می باشند. به عنوان مثال رجوع کنید به:

مسند احمد (241 هـ): 1 : 331، 4 : 107، 6 : 292 و 304؛ صحیح مسلم (261 هـ): 7 : 130؛ سنن ترمذی (279 هـ): 5 : 361 و ...؛ السنن الکبری نسائی (303 هـ): 5 : 108 و 113؛ الذریة الطاهرة النبویة دولابی (310 هـ): 108؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نساپوری (405 هـ): 2 : 416، 3 : 133 و 146 و 147؛ البرهان زرکشی (794 هـ): 197؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری ابن حجر عسقلانی (852 هـ): 7 : 104؛ اصول الکافی کلینی (328 هـ): 1 : 287؛ الامامة والتبصرة ابن بابویه (329 هـ): 47، ح 29؛ دعائم الاسلام مغربی (363 هـ): 35 و 37؛ الخصال صدوق (381 هـ): 403 و 550؛ الامالی طوسی (460 هـ): ح 438 و 482 و 783. و نیز به تفسیر آیه در منابع زیر ر.ک: جامع البیان طبری (310 هـ): احکام القرآن جصاص (370 هـ): أسباب النزول واحدی (468 هـ): زاد المسیر ابن جوزی (597 هـ): الجامع لأحكام القرآن قرطبی (671 هـ): تفسیر ابن کثیر (774 هـ): تفسیر ثعالبی (825 هـ): الدر المنثور سیوطی (911 هـ): فتح القدر شوکانی (1250 هـ): تفسیر عیاشی (320 هـ): تفسیر قمی (329 هـ): تفسیر فرات کوفی (352 هـ) ذیل آیهی اولوا الامر: مجمع البیان طبرسی (560 هـ) و بسیاری از منابع دیگر.

نقش اهل بیت ^

در بنیان گذاری جماعت صالحان (8)

(ساختار عبادات)

قال رسول الله ' :

إني تاركٌ فيكم الثقلين: كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً، وإنهما لن يفترقا حتى يردا عليَّ الحوض.

پیامبر اکرم ' می فرمایند:

من دو [چیز] گرانسنگ در میان شما بر جای می گذارم، کتاب خدا و خاندانم، اهل بیتم، تا زمانی که به این دو تمسک جوئید، هرگز گمراه نخواهید شد و به درستی که این دو هیچگاه از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

صحیح مسلم: ج7: 122، سنن الدارمی: ج2: 432 مستند أحمد: ج3: 14، 17، 26 و ج4: 371 و ج5: 182، 189. مستدرک الحاکم: ج3: 109، 148، 533 و جز آن.

نقش اهل بیت [^]
در بنیان گذاری جماعت صالحان - 8
(ساختار عبادات)

آیه الله سید محمد باقر حکیم

مترجم: کاظم حاتمی طبری

مجمع جهانی اهل بیت [^]

1387



• نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان (8)

(ساختار عبادات)

تالیف: آیه الله سید محمد باقر حکیم

ترجمه: کاظم حاتمی طبری

ویراستاری: مصطفی اسکندری

تهیه کننده: معاونت امور فرهنگی، اداره ترجمه

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت [^]

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: 1391 ش / 1433 هـ

تعداد: 3000 نسخه

چاپخانه: اعتماد - قم

شابک: 978-964-529-326-8

شابک دوره‌ای: 978-964-529-318-3

www.ahl-ul-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

حقوق چاپ محفوظ است



پیش درآمد

پیش در آمد

عبادات نیز عبارت از اعمال مخصوصی است که خداوند متعال برای بندگان خود وضع نموده است تا با انجام آن، ارتباط خود را با خالق خویش برقرار نمایند و راهی باشد برای ارتباط با پروردگار و نزدیک شدن به او؛ کارهایی مانند: نماز، روزه، دعا، انفاق، زکات، خمس، و اذکاری چون: حمد، تسبیح و تکبیر که در شکل‌ها و اوقات مشخص وارد شده است.

البته باید دانست که خداوند متعال راه را برای انسان باز گذاشته است تا همه اعمال و رفتار خود را به صورت عبادی و با قصد قربت انجام دهد؛ آنجا که آن اعمال را با نیت پاسخ دادن به خواست الهی و پیروی از راهنمایی‌های ربانی به انجام رساند، اما آنچه در این بحث به عنوان عبادت از آن یاد می‌کنیم همان صیغه‌ها یا فورمول‌های توقیفی⁽¹⁾ مشخص است که در باره نحوه انجام آنها نصّ خاص وارد شده است.

عبادات و نقش آنها⁽²⁾

عبادات در شریعت اسلام یکی از محورهای ثابتی است که با تغییر

1. توقیفی یعنی کاری که بندگان حق دخل و تصرف در آن را ندارند، مانند نماز یا روزه و... - مترجم.
2. در شرح و توضیح بیشتر این موضوع به آنچه حضرت استاد شهید سید محمد باقر صدر در رساله عملیه خود به نام «الفتاوی الواضحة»، فصل آخر «نظرة عامة في العبادات» به رشته تحریر در آورده‌اند، مراجعه کنید.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

شیوه زندگی مردم یا با پیشرفت‌ها و تحولات مدنی تغییر نخواهد کرد؛ و از همین رو می‌تواند بر آورنده نیازهای ثابت زندگی انسانی باشد.

این ثبات و این نیاز به این اعتبار است که عبادت بیانگر رابطه انسان و پروردگار اوست و این رابطه، ثابت، مستمر و فطری است و نیازمندی انسان به این رابطه به دلایل ذیل قابل اثبات است:

اول: اینکه انسان در راه رسیدن به کمال باید به صورت مطلق به خداوند وابسته و متکی باشد تا به مسیر رو به رشد خود ادامه داده، در اثر عدم این وابستگی، به گمراهی و جمود و رکود کشیده نشده و یا در اثر مطلق و قابل اتکا تصور کردن ولایت‌های نسبی و کوچکی که در زندگی وی رخ می‌نماید، در منجلا ب بت پرستی و غلو سقوط کرده و از حرکت رو به رشد خود باز نماند.

عبادت نشانه عملی و هدایت شده‌ای از چنین وابستگی به یک قدرت مطلق است که در پرتو آن، انسان ایمان خود را به خداوند رشد بخشیده، از راه انجام عباداتی که محتوا و معنی این وابستگی را مورد تأکید قرار می‌دهد، به این مهم نایل آمده و در عین حال، وجود قدرت مطلق و خداوندگار دیگری را نفی نماید.

دوم: همان گونه که انسان گاه کارهایی به مصلحت شخصی خود انجام می‌دهد، در زندگی اجتماعی خود نیز نیازمند کارهایی است که به نفع جامعه و به مصلحت عموم مردم باشد و شکی نیست که در نوع اول، فایده شخصی که از کار حاصل می‌شود انگیزه کافی را در او

پیش درآمد

برای انجام کار ایجاد می‌نماید، به خلاف نوع اخیر که گاه ممکن است بهره‌وی از سود جمعی حاصل از کار متناسب با تلاشی که در راه آن به خرج داده نبوده، بلکه شاید لازم باشد که گاه منافع شخصی خود را فدای مصالح عموم نماید.

اینجاست که نقش عبادت آشکار می‌گردد؛ عبادتی که تربیت‌کننده انسان در انجام کار برای خدا و در راه خداست. در نتیجه، عبادت در تربیت انسان بر فعالیت در راه مصالح عمومی و گذشتن از خود و منافع شخصی خود در این راه نقش دارد؛ این نقش از طریق ارتباط با خدا ایجاد می‌شود.

سوم: جامعه انسانی همواره نیازمند به ضمانت‌های اجرایی است که افراد در سایه آن ناچار شوند خود را با نظام حاکم بر جامعه تطبیق کنند؛ چون وجود یک نظام حکومتی - به هر شکل که باشد - یک نیاز ثابت جوامع انسانی است.

این ضمانت اجرایی گاه، کیفرهای مادی و معنوی است که جامعه برای مخالفان نظام در نظر می‌گیرد، و گاه احساس مسئولیت درونی افراد در برابر قانون و نظام حاکم است. شک نیست که ساز و کار کیفر و عقوبت به خلاف احساس مسئولیت درونی، از تأثیر گذاری محدودی برخوردار است، زیرا تعقیب و مراقبت دائم از افراد جامعه همیشه ممکن نیست.

اینجاست که نقش عبادت در رشد احساس مسئولیت در انسان پیش می‌آید؛ زیرا عبادت موجب رشد ارتباط انسان با خدا و احساس

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

مراقبت دائم خداوند از او می‌گردد؛ خداوندی که حتی به میزان ذره‌ای در آسمان و زمین از وی پوشیده و پنهان نیست.

ویژگی‌های عبادت در اسلام

علاوه بر تقش‌هایی که عبادت در زندگی انسان ایفا می‌کند، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها نیز بر می‌خوریم که وجه مشخصه عبادت در اسلام است:

1. **فراگیر بودن:** عبادت در اسلام، همه عرصه‌های زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی انسان را شامل می‌شود، بلکه اسلام از انسان می‌خواهد که همه رفتارهای خود را در زندگی، حتی در خورد و خوراک و لذت و شهوت که مورد محبت و میل او است، رنگ عبادت بدهد. اسلام باب قصد قربت را همواره پیش روی انسان باز گذاشته و بر ارتباط دائم انسان با خدا تأکید کرده است.

2. **ماورایی بودن:** اعمال و فعالیت‌های عبادی عام انسان در اسلام، اگر چه دارای تفسیر مشهود و ملموس نفسی و روحی یا مادی و خارجی یا اجتماعی و عمومی بوده و پیشرفت‌های علمی نیز گواه این مطلب است و هر چه آفاق دانش بیشتر شکافته می‌شود ابعاد جدیدتری از عبادات اسلام آشکار می‌گردد، اما با همه این احوال می‌بینیم، در عباداتی که جنبه شعائری دارند مثل نماز و روزه و... این رفتار عبادی از جنبه ماورایی و غیبی نیز برخوردار می‌باشد که نمی‌توان این پدیده را جز بر اساس هدف تأکید بر ارتباط با غیب و بالا بردن درجه ایمان به آن در انسان تفسیر کرد؛ مثلاً در رابطه با تعداد رکعت‌های نماز یا

بعضی از اعمال حج مانند طواف و سعی نمی‌توان آنها را جز بر اساس تعبد بر فرمان‌های الهی تفسیر کرد.

3. محسوس بودن: علاوه بر ویژگی ماورایی بودن، محسوس بودن را نیز می‌توان در عبادات اسلامی به خوبی مشاهده کرد؛ چرا که انسان از دو جنبه روحی و مادی ترکیب شده و جنبه ماورایی با جنبه حسی وی در آمیخته است.

در اینجا می‌بینیم که اسلام با ملاحظه این دو جنبه، برای ایجاد انسجام در انجام فعالیت‌های عبادی انسان، همان گونه که از یک سو بر خلوص نیت و حضور قلب و یاد خدا در عبادت و تعبد نسبت به اوامر الهی تأکید کرده است، از طرف دیگر بر جنبه‌های حسی فعالیت وی نیز تأکید نموده است؛ چه اینکه این امر را در نماز و حج مشاهده می‌کنیم، مانند رو به قبله کردن، رکوع، سجود، طواف دور خانه کعبه، سعی بین صفا و مروه، رمی جمرات، همچنین سایر واجبات و مستحباتی که در غیر نماز و حج وجود دارد.

بدین گونه است که اسلام، به خلاف دو جهت‌گیری دیگر که یکی همه مظاهر حسی و مادی عبادت را به کلی کنار گذاشته و عبادت را تنها یک حالت روحانی صرف فرض نموده و دیگری که عبادت را تنها عمل حسی خارجی و به دور از محتوا و مضمون روحی دانسته آن را به بت پرستی تبدیل کرده است، دینی میانه بوده در عبادت هر دو جنبه وجود انسان را مراعات نموده است.

4. اجتماعی بودن: علاوه بر همه ویژگی هایی که گذشت، در بسیاری از عبادت‌ها جنبه‌ای اجتماعی را می‌یابیم که هدف از آن، ریشه دار کردن و استحکام روابط میان افراد همان جامعه انسانی است. و با در نظر گرفتن این مطلب که هدف اصلی از عبادات محکم کردن رابطه با خداوند متعال است، می‌توان گفت: این بُعد اجتماعی، هدف ثانوی اما بسیار مهم بعضی از عبادات است، چنان که در حج، نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عید فطر و قربان، و جهاد در راه خدا به خوبی ملاحظه می‌شود، چه رسد به امثال زکات.

همچنان که خود شعائر نیز ذاتاً همین هدف اجتماعی را از راه متحد کردن و تعیین هویت امت، دنبال می‌کنند؛ اموری مانند اتحاد قبله و نمازهای عید و ...

همین نقش‌ها و ویژگی‌ها است که موجب شده اسلام تا این اندازه در نظام کلی خود بر شعائر و عبادات تأکید کند.

با تحلیل و بررسی هر کدام از عبادات نیز می‌توان بسیاری از اهداف، نتایج و آثار را یافت.

در ابتدا خوب است چند نکته مهم را که با موضوع نظام عبادات در ارتباط است به خاطر بسپاریم، اگر چه بعضی از این نکات به مباحث دیگر نیز ارتباط دارند.

اول: اینکه دایره اعمال مستحب خصوصاً در عبادات بسیار وسیع و گسترده است و برخی از این مستحبات و سنن به صورت معتبر به اثبات نرسیده‌اند،

لذا نمی‌توان مشروعیت و استحباب اعمالی از این دست را از جانب شارع مقدس دانست، پس می‌بایست انجام این اعمال را به امید اینکه مطلوب شارع مقدس واقع گردد یا به تعبیر فقها (به قصد رجا) انجام داد.

چندین روایت صحیح‌السند نیز وارد شده است دال بر اینکه: اگر ثواب انجام عملی از قول پیامبر اکرم ' به یک مؤمن برسد و او آن عمل را به امید رسیدن به آن ثواب انجام بدهد، خداوند متعال آن ثواب را در نامه عمل او می‌نویسد اگر چه در متن واقع، این موضوع چنانکه به او رسیده نبوده باشد.

مفادی که از این روایات استفاده می‌شود در فقه، قاعده تسامح در ادله سنن نام دارد، اما علیرغم این مطلب، من در این مبحث تا آنجا که مجال بحث در این زمینه اجازه دهد به مستحبات و سننی که روایات معتبری در اثبات مشروعیت و استحباب آنها وارد شده است اشاره خواهم نمود.

چه اینکه خواهم کوشید تا مصادیقی را نیز انتخاب کنم که اگر چه دلیلی بر استحباب آنها به عنوان خاص وجود ندارد، اما به صورت کلی با مضمون روایت صحیح‌السندی از اهل بیت [^] تطبیق داشته و می‌توان آن را مصداق آن خط کلی دانست.

دوم: در اوقات و مناسبت‌های عبادی تنوع عبادات و جمع بین انواع مختلف آنها دیده می‌شود مثلاً در یک مناسبت چند عمل مانند طهارت (غسل و وضو)، نماز، دعا، ذکر، صدقه، روزه و سایر عبادات با هم وارد شده است. این مسئله حاکی از وجود هدف و شیوه

تقسیم اهل بیت ^۸ در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

خاصی در این مناسبت‌ها است و آن اینکه تکامل انسانی تنها از راه امتزاج این عبادات با یکدیگر میسر گشته و نیازمندی‌های روحی و نفسانی انسان متنوع و متعدد می‌باشند؛ لذا می‌بایست در هر مناسبتی این گونه تنوع در عبادات وجود داشته باشد تا موجب آن گونه تکامل شود و به یک نوع خاص از عبادت اکتفا نگردد.

سوم: فشردگی و بسیاری عبادات و مستحبات در مناسبت‌ها و غیر آنها حتی در برنامه عبادی روزانه ممکن است به غلط، این تصور را در انسان ایجاد نماید که اسلام با دعوت انسان به انجام این مستحبات فراوان و فشرده، قصد دارد او را از انجام وظایف عام اجتماعی خود باز دارد و وی را به کارهایی نظیر نماز و روزه و دعا و سایر عبادات مشغول کند و طبیعتاً این روند، موجب ایجاد نوعی رهبانیت در زندگی انسان می‌گردد.

لذا می‌بایست به این نکته توجه داشت که اسلام بر ابعاد اجتماعی زندگی انسان تأکید داشته و در بحث‌های همین کتاب نیز بر این ابعاد که اسلام پرداختن به آنها را بر انجام اعمال مستحبی ترجیح داده است اشاره داشته‌ایم؛ مثل مباحث مطرح شده در باب نظام اقتصادی مانند اینکه تلاش در راه تحصیل معیشت برترین نوع عبادت است، یا اینکه یک ساعت دانش پژوهی برتر از هفتاد سال عبادت است، یا اینکه اصلاح ذات البین (صلح دادن و حل و فصل کردن اختلافات در بین افراد و گروه‌ها) از عمری نماز و روزه بهتر است و مطالبی از همین دست در مورد کارهایی نظیر برقرار کردن روابط با مؤمنان، رعایت

حقوق اجتماعی برادران دینی و سایر اموری که این بعد زندگی انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

بنابر این، هدف اسلام از تشریح این همه عبادت مستحب با این فشردگی، گشودن عرصه در برابر انسان است که اگر خواست همه اوقات خود را در طاعت و عبادت خداوند بگذراند بتواند. با توجه به این نکته، هم راهی برای رسیدگی به اولویتهای زندگی برای او قرار داده و هم عرصه را برای انجام عبادت‌های متنوع و تکامل معنوی در برابر وی باز گذاشته است و این امر در معادله اجتماعی و زندگی او خللی ایجاد نمی‌نماید.

شیوه‌ای کلی

پیشتر دانستیم که نظام عبادات به دلیل اهمیت و نقش عبادت در زندگی انسان از گستردگی و تنوع خاصی برخوردار است، آنجا که عبادت با همه ابعاد آن، هدف اساسی از زندگی انسان به شمار می‌رود:

{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} (1)

و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند.

با همین رویکرد است که شیوه عبادی اسلام که توسط اهل بیت [^] مورد شرح و توضیح قرار گرفته، از لحاظ شمول زمانی و تعدد انواع عبادات بسیار فراگیر و گسترده است.

این شیوه عبادی به لحاظ شمول زمانی در دو محور اصلی قرار گرفته

تقسیم اهل بیت ^ع در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

است:

یک: عباداتی که محدود به وقت خاصی هستند مانند عبادات روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه که به ساعت، روز یا زمان معینی اختصاص دارند.

دو: عباداتی که مقید به زمان خاصی نیستند.

ما در دو مبحث جداگانه هر کدام از این دو محور را مورد بحث قرار خواهیم داد.

* * *

1

عبادت های

مقید به زمان خاص

عبادات موقت را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

اول: عبادات روزانه که انسان در هر روز آنها را به جا می‌آورد.

دوم: عبادات هفتگی که انسان هر هفته آنها را به انجام می‌رساند.

سوم: عبادات ماهانه که انسان ماهی یک بار آنها را به جا می‌آورد.

چهارم: عبادات موسمی یا سالانه که انسان در مناسبت‌های عبادی خاص یا یک بار در سال به انجام آنها می‌پردازد.

ملاحظه می‌شود که این شیوه اهل بیت ^ع در فراگیر بودن زمانی عبادات و پر کردن همه اوقات انسان با عبادت، ریشه در عبادات واجب و مستحبی دارد که اسلام آنها را در اصل شریعت خود تشریح کرده و دیگر مصادیق، از آنها منشعب گردیده‌اند.

اموری مانند نماز واجب و نافله‌های یومیه، نماز جمعه، روزه و حج سالانه، همچنین روزه مستحب ماهانه برای روزهای سه‌گانه که بر این فراگیری دلالت دارند.

با ملاحظه عناوین اصلی عبادات و تقسیم زمانی آنها آشکار خواهد شد که اسلام به شیوه‌ای عمل کرده که عبادت همه وقت زندگی انسان را در بر بگیرد. این شمول و فراگیری در یک سطح به صورت الزامی و یا شبه الزامی

تقسیم اهل بیت ^۸ در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

است و در سطح دیگری حالت باز کردن عرصه و فرصت دهی به انسان برای عبادت پروردگارش را داشته تا از این طریق طی یک برنامه ریزی حکیمانه در تربیت، تزکیه و تطهیر به تکامل برسد.

به زودی خواهیم دید که این رویه در سایه دیدگاه اهل بیت ^۸ و اهتمام آنان به ایجاد جماعت صالح از راه نظام عبادات، از چه عمق، دقت و تکاملی برخوردار است.

از لحاظ انواع عبادات نیز برنامه اهل بیت ^۸ شامل انواع مختلف عبادات است، مانند نماز، روزه، حج (به معنی عام از جمله حج عمره و زیارت)، جهاد، دعا، ذکر، قرائت قرآن، انفاق، پیوند و احسان، دانش پژوهی، و دیگر عبادت‌های واجب و مستحب.

ما نیز در مرور خود خواهیم کوشید چه از لحاظ زمان و چه از لحاظ نوع عبادت، تنها به بیان عناوین و مصادیق بارز و مهم این روش بپردازیم و تفصیل و توضیح سایر مصادیق را که می‌توان با مراجعه به کتاب‌های تخصصی بدانها دست یافت را به مراجعه به همان منابع واگذار کنیم.

البته باید دانست که در بحث از بعضی ساختارها در مباحث گذشته این کتاب نیز به برخی از مصادیق عبادات اشاره شده است؛ اموری چون: زیارت، انفاق، دانش پژوهی، روابط اجتماعی، شعائر و اماکن مقدس.

و به پاره‌ای دیگر از این مصادیق نیز در ضمن بیان چهار قسمت محور اول و انواع اصلی عبادات محور دوم خواهیم پرداخت.

عبادات روزانه

1. نمازهای روزانه، نوافل و شئون

در شریعت اسلام تعداد هفده رکعت نماز در پنج نوبت در هر روز واجب شده است، دو رکعت صبح، چهار رکعت ظهر، چهار رکعت عصر، سه رکعت مغرب و چهار رکعت عشا؛ این از مسائلی است که تمام مسلمانان اهل قبله بر آن اجماع و اتفاق نظر دارند، نمازهای چهار رکعتی فوق نیز طبق تفصیل خاص و شرایطی که فقهای مذاهب مختلف اسلامی در آنها اختلاف دارند، در زمان مسافرت نمازگزار به صورت شکسته یعنی دو رکعتی خوانده می‌شوند.

نماز با ویژگی‌های خاصی که دارد از ارکان مهمی است که شریعت اسلام بر آن بنا شده و به جهت اتفاق نظری که امت اسلام بر آن دارند سمبل وحدت این امت می‌باشد.

همچنین نماز پس از معرفت و شناخت خداوند متعال، به نحو مطلق برترین عبادت به شمار می‌رود که روایات نیز بر این امر دلالت دارند؛ زیرا نماز نشانه وابستگی و ارتباط انسان با خداوند متعال است؛ رابطه‌ای که هرگز و تحت هیچ شرایطی نباید قطع شود، و شاید سرّ اینکه نماز در هیچ حالی از احوال انسان از گردن وی ساقط نمی‌گردد و انجام آن در

تقسیم اهل بیت ^۸ در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

حالت صحت، بیماری، امنیت و ترس و به هر قدر که برای انسان مقدور باشد و لو به ایماء و اشاره بر وی واجب است، همین باشد.⁽¹⁾

و مستحب است قبل یا بعد از هر نماز واجب، چند رکعت نماز دیگر خوانده شود که این نمازها نوافل یومیه نام دارند.

در روایات اهل بیت ^۸ آمده است که تعداد این نمازهای نافله از نظر تعداد رکعات، دو برابر نمازهای یومیه، یعنی سی و چهار رکعت است؛ دو رکعت قبل از نماز صبح، هشت رکعت پیش از نماز ظهر، هشت رکعت پیش از نماز عصر، چهار رکعت قبل و دو رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشا که یک رکعت محسوب می‌شوند، هشت رکعت نافله شب که از نیمه شب تا طلوع فجر خوانده می‌شوند و بعد از آنها دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر.⁽²⁾

1. از پیامبر اکرم ' به سند معتبر روایت شده است که در هنگام وفات فرمود: ((لیس منی من استخفّ بصلاته و لا یرد علی الحوض؛ کسی که نماز خود را سبک بشمارد از من نیست و بر سر حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد)).
و به طریق معتبر از حضرت امام صادق × نقل شده است که در هنگام وفات فرمود: ((لا تنال شفاعتنا من استخفّ بالصلاة؛ کسی که نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما نمی‌رسد)) حر عاملی، وسائل الشیعه 16/3، ح 7 و 3.

2. این شیوه با این تعداد رکعات از امتیازات مذهب اهل بیت ^۸ نسبت به سایر مذاهب اسلامی است و این شیوه‌ای است که اهل بیت ^۸ آن را از پیامبر اکرم ' به دقت حفظ کرده‌اند، در میان این نوافل نیز نافله صبح و نافله شب از بقیه برتر بوده و در تأکید بر

حنان، نقل کرده است:

من در محضر حضرت امام صادق × نشسته بودم که عمرو بن حریث از آن حضرت پرسید: فدایت شوم مرا از نماز رسول خدا ' آگاه کن.

آن حضرت فرمود:

پیامبر اکرم ' در هنگام زوال ظهر هشت رکعت نماز می‌خواند، سپس چهار رکعت اول (ظهر) و هشت رکعت دیگر بعد از آن، و آنگاه چهار رکعت دوم (عصر)، سپس سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از آن و بعد چهار رکعت نماز عشا، سپس هشت رکعت نماز شب، سه رکعت نماز وتر، دو رکعت نافله صبح و بعد از آن دو رکعت نماز صبح.⁽¹⁾

و از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

شیعیان ما اهل پرهیزگاری، وفا، امانتداری، و اهل عبادت و پارسایی هستند، آنانند که در هر شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می‌خوانند، شب‌ها به عبادت پریا ایستاده و روزها در حال روزه داری هستند، آنان زکات اموال خویش را می‌پردازند، حج خانه خدا را به جا می‌آورند و از هر حرامی پرهیز می‌کنند.⁽²⁾

و در کتاب مصباح شیخ طوسی از محمد بن حسن بن علی عسکری ^ نقل کرده است که: فرمود:

انجام آنها و فضیلت و آثارشان روایات بسیاری وارد شده است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 33، ح 6.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 41، ح 26، به نقل از صفات الشیعه.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين، و زيارة الأربعين و التختم في اليمين، و تعفير الجبين، و الجهر بسم الله الرحمن الرحيم.⁽¹⁾

علامت‌های مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، بر خاک سجده کردن و بسم الله گفتن با صدای بلند.

دیگر ویژگی‌ها: در همین زمینه می‌بینیم که مکتب اهل بیت [^] در رابطه با موضوع نماز با دارا بودن چندین ویژگی، نسبت به سایر مذاهب اسلامی ممتاز گردیده است که خوب است در اینجا اشاره‌ای به این ویژگی‌ها نیز بنماییم:

اول: التزام به قرائت سوره فاتحه الكتاب و یک سوره کامل از قرآن در دو رکعت اول هر نماز.⁽²⁾

همچنین است التزام به قرائت بسم الله در حمد و هر سوره‌ای که در نماز خوانده می‌شود؛ چون بسم الله به نظر فقهای مکتب اهل بیت [^] جزو قرآنی فاتحه و هر سوره دیگری است و بسیاری از نصوص و شواهد دال بر همین امر است که در رأس آنها رسم الخط قرآنی است

-
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 373/10، ح 1، منظور از صلاه الخمسين (پنجاه) در این روایت همان احدی و خمسين (پنجاه و يك) است، چه اینکه از این پنجاه و يك رکعت نماز در بسیاری از روایات به جهت اختصار به صلاه الخمسين تعبیر شده است و شاید هم دلیل این تعبیر این باشد که دو رکعت نماز نشسته بعد از عشر را يك رکعت حساب کرده است.
 2. البته این فتوای مشهور فقهای مذهب اهل بیت [^] است و در میان آنان کسانی هم هستند که به عدم وجوب خواندن يك سوره کامل فتوا داده‌اند.

عبادت های مقید به زمان خاص

که به امانت از زمان رسول خدا ' تا کنون در میان مسلمانان متداول است.

دوم: آشکار کردن (جهر) بسم الله الرحمن الرحيم حتی در نمازهای آخفاتی که حمد و سوره در آنها با صدای آهسته قرائت می شود و این همان است که حدیث سابق نیز به آن اشاره دارد و چنین بر می آید که این موضوع در زمان خلافت معاویه به یک مسئله سیاسی تبدیل شد و نشانه مشخصه شیعیان از امویان گردید؛ آنجا که معاویه طبق آنچه از بعضی متون تاریخی بر می آید، جهر به بسم الله را ممنوع کرد.

سوم: التزام به سجده بر زمین و چیزهایی که از زمین می روید، مشروط بر اینکه مصرف خوراکی و پوشاکی نداشته باشد؛ این امر به استناد روایتی از اهل بیت [^] از قول حضرت امام صادق × است:

لا يجوز السجود إلا على الأرض، أو ما أنبتته إلا ما أكل أو لبس.

سجود جز بر زمین و آنچه از زمین می روید جایز نیست، مگر آنچه خوردنی و پوشیدنی است.

باز هم از طریق اهل بیت [^] نهی از سجود بر پنبه و کتان از قول حضرت امام باقر × چنین وارد شده است:

لا يُسجد على الثوب الكرسف، و لا على الصوف و لا على شيء من الحيوان و لا على طعام و لا على شيء من الثمار و لا على شيء من الرياش⁽¹⁾

1. علامه حلی، تذکره الفقهاء 91/1.

تقاضی اهل بیت ^ع در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

سجود بر لباس پنبه‌ای، پشمی، اجزای حیوانات، غذا، میوه و مطلق لباس جایز نیست.

روایتی هم که بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، دارمی و احمد بن حنبل ذکر نموده‌اند مؤکد همین امر است:

جُعِلت لي الأرض مسجداً و طهوراً.

زمین سجده گاه و تطهیر کننده من قرار داده شده است.

همچنین کلام مبارک آن حضرت که فرموده است:

الأرض لك مسجد.

زمین سجده گاه تو است.

و بخاری، مسلم و نسائی آن را نقل کرده‌اند.⁽¹⁾

همچنین است روایتی که از طریق سنن از پیامبر اکرم ' نقل شده است که فرمود:

لا تتمّ صلوة أحدكم حتّى يتوضّأ كما أمره الله تعالى ثمّ يسجد ممكّنا جبهته من الأرض.

نماز هیچ یک از شما پذیرفته نخواهد گردید مگر اینکه مطابق با فرمان

1. التاج الجامع للأصول 1 / 230 و 234 همچنین المعجم المفهرس لألفاظ الحديث، ماده مسجد 2 / 424 و 428.

خداوند متعال وضو بگیرد و در سجود پیشانی خود را بر زمین بگذارد.⁽¹⁾

و نیز آنچه از خباب روایت شده که گفت: از داغی زمین بر پیشانی و بینی‌های خود در هنگام سجود به رسول خدا شکایت بردیم، اما آن حضرت به شکایت ما ترتیب اثر نداد.⁽²⁾

اما با وجود این نصوص، همه فقهای جمهور (اهل سنت) با آن مخالفت نموده و سجده بر همه چیز را جایز شمرده‌اند.

به همین دلیل است که می‌بینیم پیروان اهل بیت [^] به این حکم مقید بوده و همواره قطعه‌ای از گل خشک شده یا سنگ تمیز را برای استفاده در سجود در مواقع نیافتن زمین مناسب برای این کار، به همراه خود دارند.

البته دشمنان شیعه کوشیده‌اند تا اذهان عمومی را نسبت به آنان مشوش ساخته و شبهات و اتهاماتی را متوجه آنان سازند؛ اتهاماتی از قبیل اینکه شیعیان این قطعه سنگ یا گل خشک را که بر آن سجده می‌کنند، می‌پرستند!! در حالی که شیعیان بر این اشیا سجده می‌کنند، نه - نعوذ بالله - برای آنها.⁽³⁾

-
1. طوسی، کتاب الخلاف 2 / 434 از سنن ابی داود 1 / 227 ح 858.
 2. طوسی، الخلاف 2 / 434، در پاورقی این منبع آمده است که این روایت را مسلم در صحیح 1 / 433 ح 619 * ابن ماجه در سنن 1 / 222 ح 675 * نسائی در سنن 1 / 247 * احمد در مسند 5 / 108 - 110 * و بیهقی در سنن 2 / 105 نیز نقل کرده‌اند.
 3. دیده می‌شود که شیعیان همواره قطعه‌ای از گل خشک شده را که از خاک کربلا تهیه شده

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

چهارم: التزام به گفتن جمله: «حی علی خیر العمل» در اذان و اقامه دو مرتبه بعد از «حی علی الفلاح» زیرا که در روایات اهل بیت [^] به انجام این عمل دستور داده شده است.

در میان مذاهب اسلامی تنها زیدیه⁽¹⁾ به انجام این عمل پای بند هستند، به گونه‌ای که این موضوع از ویژگی‌های شیعیان اهل بیت [^] در برابر سایر مذاهب اسلامی در آمده است.

اما در رابطه با شهادت سوم در اذان و اقامه که متضمن شهادت بر ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین \times است، در میان فقهای مذهب

است، برای استفاده در هنگام سجود همراه خود دارند، مرحوم علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطا در رساله‌ای به نام «التریه الحسینیة» به شرح و تفسیر این عمل پرداخته است. اما در عین حال شایسته است که شیعیان در مساجدی که کف آنها از سنگ پوشیده شده است خصوصاً مسجد الحرام یا در آنها حصیر پهن می‌کنند و یا سایر زیر اندازهایی که شرایط لازم جهت سجده در آنها هست، به سجده کردن بر آنها اکتفا نموده و از تکه‌های سنگ برای این کار استفاده نکنند؛ آنان با این کار از برانگیخته شدن شبهات و آثار این جنگ تبلیغاتی ظالمانه‌ای که دشمنان اسلام و مسلمانان نادان بر ضد ایشان به راه انداخته‌اند اجتناب خواهند کرد. خداوند به همه صبر و توفیق و نصرت عنایت کند.

1. زیدیه گروهی هستند که به امامت زید، فرزند حضرت امام سجاد؛ علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب [^]، پس از پدرش معتقد می‌باشند. از اعتقادات ایشان این است که از شرایط امام، قیام به شمشیر در برابر سرکشان و ستمگران است، آنان برای خود مکتبی فقهی دارند که بیشتر متأثر از مکتب فقهی اهل سنت می‌باشد، آنان امروزه بیشتر در شمال یمن به سر می‌برند، اگر چه در بعضی از مناطق ایران نیز دارای سابقه تاریخی می‌باشند.

عبادت های مقید به زمان خاص

امامیه شکی نیست که این شهادت از اجزای اذان یا اقامه نیست و گفتن این جمله به قصد اینکه جزء اذان یا اقامه است، صحیح نبوده و داخل عنوان بدعت در دین بوده و حرام می‌باشد.

با این حال، پیروان اهل بیت ^۸ به گفتن آن در اذان و اقامه (نه به قصد جزئیت) عادت کرده‌اند، به گونه‌ای که این جمله به صورت شعاری برای آنان در آمده که در میان مسلمانان به آن شناخته شده‌اند، علت این مسئله هم به دو عامل اساسی باز می‌گردد:

1- بیان این جمله، نشانه ولایتمداری آنان نسبت به حضرت علی \times و تأکید بر این امر است؛ چرا که آن حضرت همواره از سوی دشمنان خود، از جمله، امویان و ناصبیان مورد ظلم و آزار و اهانت قرار داشته است؛ آنان که دشنام دادن و لعنت کردن آن حضرت را در منبرهای مسلمانان و خطبه‌های نماز جمعه سنت قرار دادند، شیعیان نیز قصد دارند حال که فرصت مناسب برایشان فراهم شده است، این ستم تاریخی را با اظهار ولایت خود نسبت به آن حضرت جبران کنند.

2- شیعیان اهل بیت ^۸ نیز در ادوار مختلف تاریخ به دلیل وجود تهمت‌ها و افتراهای ظالمانه مورد ستم و فشار و تعقیب قرار داشته‌اند که از جمله آنها اتهام غلو در باره حضرت علی \times و فرزندانش بوده است، آنان خود را به سر دادن این شعار در اذان و اقامه پای بند کردند تا تأکیدی بر این مطلب باشد که اعتقاد آنان به حضرت امیرالمؤمنین \times تنها در محدوده اعتقاد به امامت، ولایت و مرجعیت

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

دینی آن حضرت بوده، او حجت خدا بر بندگان است؛ تازه این اعتقاد نیز برآمده از سنت رسول خدا ' است که در روز غدیر فرمود:

من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

هر کس من مولا و سرپرست او هستم این علی نیز مولا و سرپرست او است، خداوندا، هر که او را مولای خود بداند دوست بدار و هر کس او را دشمن می‌دارد دشمن بدار.

و نیز تأکیدی است بر اعتقاد شیعیان به اینکه آن حضرت یکی از اولیاء الله است و مسئله، فراتر از این نیست.

پنجم: جمع بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا، بدون عذر یا نیاز به جمع بین آنها، به استناد سخنی که در کتاب‌های جمهور مسلمانان از پیامبر اکرم ' و اهل بیت [^] وارد شده، و همگی به صحت آن اعتقاد دارند.

روایت این است:

از ابن عباس وارد شده است که پیامبر اکرم ' در مدینه هفت رکعت باهم و هشت رکعت باهم نماز خوانده است: ظهر و عصر و مغرب و عشا. این روایت را مشایخ پنج گانه اهل سنت نقل کرده‌اند و متن عبارت به نقل مسلم چنین است:

جمع رسول الله ' بين الظهر و العصر و المغرب و العشا بالمدينة من غير خوف ولا مطر.

رسول خدا ' در مدینه، بدون وجود ترس یا آمدن باران، میان نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا جمع کرد.

به این عباس گفته شد: پیامبر چه منظوری از این کار داشت؟

این عباس پاسخ داد: می‌خواست تا امتش در رحمت قرار نگیرند.⁽¹⁾

شیخ صدوق نیز در علل الاحکام با سند معتبر از حضرت امام صادق \times نقل کرده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' نماز ظهر و عصر را در یک مکان و بدون هیچ علت و سببی با هم اقامه فرمود: در این هنگام عمر - که در چنین مواردی جرأتش در سخن گفتن با پیامبر از دیگران بیشتر بود - به آن حضرت عرض کرد: آیا در نماز حکم جدیدی آمده است؟ آن حضرت فرمودند: نه، اما خواستم گشایشی برای امت خود داده باشم.⁽²⁾

لکن ملاحظه می‌شود که شیعیان ملتزم به جمع میان دو نماز هستند و به رخصت نبوی در این زمینه استناد کرده‌اند، در حالی که خود پیامبر و ائمه \wedge عموماً نمازهای خود را به صورت جدا از هم می‌خواندند که روایات هم به این موضوع اشاره دارد.⁽³⁾ و جمع بین

1. التاج الجامع للأصول 1 / 148، مشایخ پنج گانه هم عبارت هستند از بخاری، مسلم، ترمذی، ابن داود، و نسائی.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 161، ح 2.

3. این موضوع نیازمند تحقیق بیشتری است، از يك طرف در صدور رخصت جمع بین دو نماز از پیامبر اکرم ' شکی نیست و از طرف دیگر سیره کلی پیامبر و ائمه که صلوات خداوند بر

تقسیم اهل بیت ^۸ در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

دو نماز تنها به عنوان رخصت بوده است.

ششم: تقید به مسح سر و پاها در وضو می باشد که این امر بر خلاف التزام فقهی عامه مسلمانان است که در وضو مقید به شستن کامل پاها در حالت عادی بوده و در بعضی از حالت های خاص نیز مسح از روی کفش را بنا

آنها باد در مقام عمل، این بود که نمازها را به تفریق (جدا از هم) به جا می آورده اند، پس این التزام به جمع از کجا آمده است؟ شك نیست که اقامه نمازها به صورت جمع آسان تر است، خصوصاً اگر شرایط اجتماعی عصر ائمه ^۸ و طبیعت امور و کیفیت ترکیب شهرها و جوامع، با دقت مورد ارزیابی قرار گیرد، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا اهل بیت ^۸ با توجه به آینده بشریت، شیعیان را ملزم به اتخاذ این شیوه آسان نموده اند؟ یا التزام به چنین امری نشان از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر تاریخ زندگی ائمه ^۸ دارد که آنان و شیعیانشان را مجبور می کرد تا نمازهای خود را به سرعت و در کوتاه ترین زمان به انجام برسانند؟

به علاوه که روایات معتبری نیز وجود دارد دال بر اینکه دلیل جمع بین دو نماز به جا آوردن هر دو نماز در وقت فضیلت یکی از آنها است البته به شرط اینکه در میان این دو نماز، نماز نافله و مستحب به جا آورده نشود، اما اگر در میان دو نماز نافله خوانده شود، نمی توان آن را با نماز بعدی جمع کرد: ((الجمع بین الصلاتین إذا لم یکن بینهما تطوع، فإذا کان بینهما تطوع فلا جمع؛ جمع بین دو نماز در هنگامی است که در میان آن دو نماز مستحبی خوانده نشود، اما اگر در میان آنها نماز مستحب خوانده شد، دیگر نمی توان دو نماز را با هم جمع کرد)) حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 163 ح 3.

بدین ترتیب، باید رویه عموم شیعیان که مقید به فقه و رعایت احکام شرعی هستند خواندن نماز به تفریق باشد؛ چرا که آنان عادتاً در میان دو نماز، خصوصاً نماز مغرب و عشا نماز مستحبی به جا می آورند.

در هر حال بهتر است افراد جماعت صالح به این سنت مستحب نبوی و ادب رسالی مطلوب (به جا آوردن نمازها در پنج وقت) توجه بیشتری نشان دهند.

به نظر بعضی از مذاهب اسلامی جایز می‌شمارند.

اهل بیت [^] و پیروان آنها در این باب به آیه کریمه:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ }⁽¹⁾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهاى خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید

استدلال می‌کنند که به دلیل عطف کلمه «أَرْجُلَكُمْ» به کلمه «رُءُوسِكُمْ»، ظهور آن در امر به مسح پاها می‌باشد. اما جمهور مسلمانان بر خلاف ظهور آیه و قواعد دستور زبان عربی و تنها به استناد برخی روایات⁽²⁾، کلمه «أَرْجُلَكُمْ» را بر «وَجُوهَكُمْ وَايْدِيَكُمْ» عطف کرده‌اند.

2. تعقیبات نماز

از دیگر عبادات روزانه، تعقیبات بعد از نماز است که عبارت از اذکار و دعاهایی است که پس از به جا آوردن نمازها خوانده می‌شوند. تأکید بر انجام این عمل در احادیث رسول خدا [^] و اهل بیت [^] وارد شده و سنت مؤکدی است که همه مسلمانان مقید به انجام آن

1. مائده/6.

2. مرحوم علامه شرف الدین در کتاب «مسائل خلافت» ای خود به مسائلی همچون مسح و جمع بین نمازها و بسم الله و مسائلی از این دست پرداخته و در آنجا اثبات کرده است که بدون هیچ شك و شبهه‌ای در تمام این مسائل حق به جانب اهل بیت [^] است.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

هستند.

اما آنچه در این میان، مکتب اهل بیت [^] را از سایر مکاتب اسلامی ممتاز می‌نماید گستردگی و فراگیری اذکار و دعاهایی است که در این زمینه در روایات اهل بیت [^] وارد شده و هر یک از نمازهای واجب و حتی مستحب روزانه، علاوه بر تعقیبات مشترکی که در همه نمازها وارد است، دارای تعقیبات مخصوص به خود نیز می‌باشد. و از پر فضیلت‌ترین مصادیق تعقیب نماز، گفتن سه مرتبه **الله اکبر** و سه مرتبه صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت، همچنین خواندن دعای زیر می‌باشد:

لا إله إلا الله إلهما واحداً و نحن له مسلمون، لا إله إلا الله و لا نعبد إلا إياه
مخلصين له الدين و لو كره المشركون، لا إله إلا الله وحده وحده أنجز وعده
و نصر عبده و أعزّ جنده و هزم الأحزاب وحده، فله الملك و له الحمد يحيي و
يميت و يميت و يحيي، و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير

خداوندی جز الله نیست، تنها خدایی که ما در برابرش تسلیم هستیم،
خداوندی جز الله نیست و ما از سر اخلاص در دین کسی را جز او
نمی‌پرستیم اگر چه کافران را ناخوش آید، خداوندی جز الله نیست
پروردگار ما و پروردگار نیاکان ما، خداوندی جز الله نیست که تنها است
تنها است تنها است و به تنهایی وعده خویش را محقق نموده، بنده خود
را یاری کرده، سپاهیان‌ش را عزت بخشیده، و سپاه احزاب را در هم
شکست، پس پادشاهی و ستایش او را سزا است که زنده می‌کند و
می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند، در حالی که خود زنده‌ای است که
هرگز مرگ وی را فرا نگیرد و بر هر کاری توانا است.

عبادت های مقید به زمان خاص

همین گونه است ذکر تسبیحی که در میان شیعه به تسبیح فاطمه زهرا ÷ معروف بوده، عبارت از: سی و چهار بار **الله اکبر**، سی و سه بار **الحمد لله** و سی و سه بار **سبحان الله** می باشد.⁽¹⁾

علاوه بر اینها قرائت آیه الکرسی، معوذتین⁽²⁾، قل هو الله احد و به جا آوردن سجده شکر و امور دیگری نیز در تعقیب نماز وارد است که در کتابهای دعا ذکر شده است.⁽³⁾

3. قرائت قرآن

از دیگر عبادات روزانه، قرائت قرآن کریم است، در این رابطه از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

قرآن عهد و پیمان خدا با بندگان است، پس سزاوار است که انسان مؤمن هر روز به پیمان نامه خود بنگرد و پنجاه آیه از آن را بخواند.

و در روایت معتبر دیگری از حضرت رضا × است که:

سزاوار است که مؤمن در هنگام صبح پس از تعقیب نماز، پنجاه آیه از قرآن را تلاوت کند.

1. این تسبیح در روایات عامّه نیز با کیفیت دیگری ذکر شده است: ابتدا سبحان الله سپس

الحمد لله و در انتها الله اکبر، هرکدام سی و سه بار. البته تنها در يك روایت، تعداد ذکر الله اکبر سی و چهار بار بیان شده است.

2. سوره های مبارکه فلق و ناس.

3. رك: محدث قمی، مفاتیح الجنان / 12 - 22 که در آن تعقیبات مشترك و تعقیبات مخصوص به هر يك از نمازهای پنج گانه را آورده است.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

همچنین در روایت دیگری از پیامبر اکرم ' نقل شده است که فرمود:

هر کس در روز یکصد آیه از قرآن را با ترتیل و آرامش و خضوع تلاوت نماید خداوند به میزان ثواب و پاداش آنچه اهل زمین انجام می‌دهند به وی عطا خواهد فرمود و هر کس در روز دویست آیه از قرآن را تلاوت نماید خداوند به میزان ثواب و پاداش آنچه اهل زمین و اهل آسمان انجام می‌دهند به وی عطا خواهد فرمود.⁽¹⁾

و از تأمل در روایات فراوان این باب چنین بر می‌آید که خوب است تلاوت قرآن کریم، با تأمل و تدبر و درنگ و تفکر در هنگام تلاوت آیاتی که در آنها از بهشت یا جهنم یاد شده و یا موارد عبرت‌انگیزی که در آیات بیان گردیده، همراه باشد، همچنین بهتر است که تلاوت قرآن همراه با حزن و خشوع و حالت گریه به خود گرفتن بوده از عجله و سرعت در قرائت که در روایات به تعبیر «هَدْر» از آن یاد شده پرهیز شود، به گونه‌ای که در هر روز بیش از یک جزء تلاوت و در هر ماه بیش از یک ختم قرآن انجام نگردهد.⁽²⁾

4. اوقات فضیلت در روز

از برخی روایات و متون دینی چنین بر می‌آید که برترین وقت عبادت در شبانه روز، یکی وقت سحر است که یک سوم پایانی شب می‌باشد،⁽³⁾ و

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 48 ح 1 و 2 و 3.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 51 باب 13 از ابواب فضائل القرآن.

3. لازم به ذکر است که به لحاظ شرعی شب از غروب خورشید آغاز می‌شود و با طلوع

عبادت های مقید به زمان خاص

دیگری بین الطلوعین، که بین طلوع فجر و طلوع خورشید می باشد. این دو فاصله زمانی مختص ذکر و مناجات و نماز و دعا هستند.

چنان که پیشتر هم اشاره کردیم تأکید بسیاری بر موضوع بیدار بودن و عبادت در وقت سحر، همچنین نهی فراوانی از خوابیدن در هنگام بین الطلوعین، و باز تأکید ویژه‌ای بر احیای این زمان با عبادت و ذکر و قرائت قرآن و شروع به فعالیت روزانه در طلب روزی از این ساعت، شده است.

دیگر از جمله زمان هایی که در قرآن کریم بر آن تأکید شده، هنگام طلوع و غروب خورشید است که ذکر خداوند در این دو زمان مستحب است:

{وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً}

و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن.

به همین جهت است که ادعیه و اذکار متعددی برای هنگام صبح و عصر وارد شده که مرحوم علامه، حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان به پاره‌ای از آنها اشاره کرده است⁽¹⁾، و از مهم ترین این دعاها دعای عشرات و دعای حضرت امام زین العابدین × در هنگام صبح و عصر است.

فجر (اذان صبح) خاتمه می یابد.

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 22 - 23، همچنین ر.ک: بروجردی، جامع احادیث الشیعه 457 - 444 / 15.

5. نمازهای مستحب⁽¹⁾ و نماز ساعت غفلت (غفيله)

در روایات اهل بیت [^] تأکید فراوانی بر به جا آوردن نمازهای مستحبی شده است که علاوه بر نافله‌های مستحب روزانه به جا آورده می‌شوند و این امر در شب از تأکید بیشتری برخوردار شده است. مصادیق ذیل از موارد این نمازهای مستحب هستند:

1. ده رکعت نماز مستحب بعد از نماز مغرب.
2. دوازده رکعت نماز مستحب در هر روز.
3. چهار رکعت نماز مستحب بعد از نماز عشا.
4. چهار رکعت نماز مخصوص، قبل یا مقارن اذان ظهر.
5. دو رکعت نماز مستحب بین نماز مغرب و عشا که در بعضی از روایات نماز وصیت نامیده شده و در بعضی دیگر نماز ساعت غفلت یا غفيله نام گرفته است و در میان اقشار مختلف شیعه مشهور و معروف است؛ این نماز دستور خاصی دارد به این ترتیب که در رکعت اول پس از قرائت سوره حمد آیه شریفه: {وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ} ⁽²⁾ قرائت

1. از بعضی روایات بر می‌آید که برخی از این نمازهای مستحب با برخی از نوافل روزانه تداخل دارند - والله اعلم.

2. و ذو النون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که: معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که

عبادت های مقید به زمان خاص

گردیده و در رکعت دوم پس از قرائت حمد آیه: {وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْتَعْطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ} ⁽¹⁾ قرائت می شود و سپس در قنوت گفته می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. ⁽²⁾

و در اینجا نمازگزار حاجت خود را (در امر دنیا و آخرت) به زبان آورده و سپس می گوید:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيَّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلْبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي. ⁽³⁾

و حاجت خود را از خدا می طلبد که در حدیث وارد است: خداوند

من از ستمکاران بودم * پس [دعای] او را برآورده کردم و او را از اندوه رهانیدیم، و

مؤمنان را [نیز] چنین نجات می دهیم. *سورة انبیا / 87 - 88.*

1. و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او [کسی] آن را نمی داند، و آنچه در خشکی و دریاست

می داند، و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکهای زمین،

و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. *سورة انعام / 59.*

2. خداوند، تو را به کلیدهای خزانه غیبیت که کسی جز تو از آنها آگاهی دارد می خوانم

که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

3. نمازهای مستحبی مذکور در متن، در کتاب وسائل الشیعه: جلد پنجم، به ترتیب در

بارها، تو ولی نعمت من هستی، و توانایی برآوردن حاجت مرا داری، حاجت مرا نیز

می دانی، پس به حق محمد و آل محمد از تو درخواست می نمایم که حاجتم را برآوری

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

متعال حاجتش را برآورده خواهد نمود.⁽¹⁾

6. هزار رکعت نماز مستحبی در شبانه روز که از جمله اعمالی است که اهل بیت [^] خود به آن عمل می کرده اند.⁽²⁾

1. نمازهای مستحبی مذکور در متن، در کتاب وسائل الشیعه، جلد پنجم، به ترتیب در صفحات: 247، 246، 250، 286، 247 و 249 آمده است.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 71 باب استحباب صلاة الف رکعة فی کل یوم و لیلة.

عبادات هفتگی

1. روز و شب جمعه

در مبحث روزهای مبارک به مجموعه‌ای از عبادات هفتگی که در روز و شب جمعه به انجام می‌رسد اشاره کردیم و نیازی به تکرار مجدد آنها در اینجا نیست، اما خوب است که در اینجا به یک نکته توجه کنیم و آن اینکه روز و شب جمعه به منزله قلّه و نقطه اوج اعمال عبادی هفته است و اعمال عبادی این شب و روز نیز علاوه بر جنبه عبادی روزانه خود اوج عبادات هفته نیز به حساب می‌آیند.

شیوه اسلام در عبادت نیز به همین منوال بوده است که اعمال عبادی را رفته رفته به حالت اوج می‌رساند؛ در هر شبانه روز حالت اوج عبادت در هنگام سحر تا نماز صبح و طلوع فجر است.

در هر هفته اوج عبادت در شب و روز جمعه است.

در هر ماه حالت اوج عبادت معمولاً در نیمه ماه و شب‌های تشریق⁽¹⁾ است.

1. روزها و شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم هر ماه را ایام و لیالی تشریق می‌نامند - مترجم.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و در هر سال نیز اوج اعمال عبادی در ماه مبارک رمضان است که آماده شدن برای اعمال عبادی آن از ماه رجب آغاز می‌گردد.

و اوج اعمال عبادی ماه مبارک رمضان نیز در دهه آخر، به ویژه شب‌های قدر است که به شب عید سعید فطر ختم می‌شود و نیازی نیست که در اینجا بار دیگر در این رابطه به بحث بپردازیم.

2. دعای روزهای هفته

هر یک از روزهای هفته دعایی مخصوص به خود دارد که از حضرت امام زین العابدین × روایت شده است و در متن هر کدام از این دعاها نام روزی که اختصاص به آن دارد ذکر شده است؛ این دعاها به بعضی از نسخه‌های صحیفه سجادیه ملحق شده است و محدث قمی در *مفاتیح الجنان*⁽¹⁾ آنها را آورده است.

3. نماز هر یک از روزهای هفته

شیخ طوسی در کتاب *مصباح المتهدد* به ارسال⁽²⁾ از پیامبر اکرم ' یا از انس بن مالک نمازهایی مخصوص هر یک از روزهای هفته و شب‌های آن، به استثنای شب جمعه نقل نموده است؛ و سید بن طاووس در کتاب *جمال الأسبوع* با سند متصل از حضرت امام حسن

1. محدث قمی، *مفاتیح الجنان* / 23 - 28.

2. روایتی که تمامی سلسله سند یا قسمتی از آن تا معصومی که روایت از او نقل شده، ذکر نشود یا به معصوم مستند نباشد مرسله و نقل چنین روایتی ارسال نامیده می‌شود - مترجم.

عبادت های مقید به زمان خاص

عسکری × نماز مخصوص به هر کدام از روزهای هفته را نقل کرده و نیز مرحوم کفعمی بیشتر این نمازها و تعدادی از نمازهایی را که قبلاً ذکر نمودیم در کتاب خود (مصباح) آورده است.⁽¹⁾

علاوه بر اینها شیخ طوسی در مصباح المتعبد مرسلأً از ائمه هدی [^] نمازهایی را نقل کرده است که به پیامبر اکرم ' و سایر معصومین هدیه می شود و هر روز از روزهای هفته برای این کار به یکی از معصومان اختصاص یافته، به گونه ای که تعداد معصومان که چهارده نفر هستند در دو هفته تقسیم می گردد.⁽²⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 289 - 294

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 284

عبادات ماهانه

از بررسی برنامه عبادی ماهانه چنین بر می آید که اعمال عبادی که در هر ماه تکرار می شوند، محدود هستند و شاید سبب این امر از یک جهت اعتماد بر برنامه های روزانه و هفتگی، و از جهت دیگر تکیه بر برنامه های سالانه و روزها و شب های خاص و مناسبت های موجود در ماه های مختلف باشد: اما در عین حال باز هم عبادت هایی برای دوره ماهانه وارد شده است.

1. نماز اول ماه

از جمله این عبادات نماز اول ماه است که اعمال خاصی دارد و بعضی از فقها مقید به انجام آن بوده و به آن اهتمام خاص می ورزند⁽¹⁾، به ویژه اینکه این عمل - چنان که شیخ طوسی در *مصباح المتجهد* آن را ذکر کرده - با سندی معتبر از حضرت امام جواد \times نقل شده است که بسیاری از علما همچون وحید بهبهانی آن را صحیح دانسته اند؛ آن حضرت فرموده اند:

چون ماه نو داخل شد، در اولین روز دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول یک مرتبه سوره حمد و به تعداد روزهای ماه قل هو الله احد⁽²⁾، و

1. مرحوم حضرت آیت الله العظمی حکیم+ نیز همواره بر به جا آوردن این نماز مواظبت می نمود.
2. چون معمولاً روزهای ماه قمری سی روز است و بیست و نه روز بودن ماه نیز در

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

در رکعت دوم یک مرتبه سوره حمد و به تعداد روزهای ماه انا انزلناه فی ليله القدر و آنگاه به میزانی که برایش آسان باشد صدقه بدهد که سلامت آن ماه را با این صدقه خریداری می‌نماید.⁽¹⁾

و ابن طاووس نماز دیگری را هم به صورت مرسله از حضرت امام صادق × روایت کرده است که دو رکعت بوده و در آن، پس از حمد سوره انعام خوانده شده و هنگام به جا آوردن آن نیز اول ماه است.

2. روزه سه روز از ماه

از دیگر عبادت‌های ماهانه، روزه سه روز در ماه است که از اعمال مستحب مؤکدی است که پیامبر اکرم ' تا پایان عمر شریف خود بر انجام آن مواظبت می‌کردند و روایات متعددی بر این امر دلالت دارند.

مرحوم شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه با سند معتبر از حضرت امام صادق × نقل نموده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' آنقدر به صورت مداوم روزه گرفت که گفته شد دیگر روزی را بدون روزه نخواهد بود، سپس به اندازه‌ای گرفتن روزه مستحبی را ترک کرد که گفته شد دیگر روزه مستحب نخواهد گرفت، سپس مدتی روزه داود × را که یک روز در میان است انجام داد و در نهایت، سنت

ابتدای ماه معلوم نیست قاعدتاً باید تعداد سوره در این نماز سی مرتبه باشد، چه اینکه در روایت دیگری که سید بن طاووس در الدرر المعانی / 43 نقل کرده است به عدد سی تصریح نیز شده است - مترجم.

گرفتن روزه در سه روز از ماه را در پیش گرفت و تا پایان عمر شریف خود این کار را ادامه داد و فرمود که انجام این عمل معادل روزه داری در تمام عمر است و وسواس دل را می‌زداید.

حماد گوید: پرسیدم: این روزها کدام است؟

فرمود: اولین و آخرین پنجشنبه هر ماه و اولین چهارشنبه از دهه دوم آن ماه.⁽¹⁾

و در روایت معتبر دیگری حضرت امام صادق × در توضیح این مطلب افزوده‌اند:

پدرم × می‌فرمود: هیچ کس در نزد خداوند متعال منفورتر از کسی نیست که به او گفته شود پیامبر اکرم ' چنین و چنان عبادت می‌کرد و او از پیش خود بگوید: اگر من بیشتر از این مقدار نماز بخوانم و روزه بگیرم و خود را به زحمت بیندازم خداوند مرا عذاب نخواهد کرد!! گویا او معتقد است پیامبر اکرم ' عملی را که دارای فضیلت بوده، از روی ناتوانی ترک کرده است.⁽²⁾

شیخ مفید نیز در کتاب مُقَنَعَه از پیامبر اکرم ' نقل می‌نماید که فرمود:

اعمال اتم بر من عرضه شد و در بیشتر آن اعمال خلل و کمبود مشاهده نمودم، به همین جهت در کنار هر نماز واجب دو برابر آن نماز مستحب

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 303، ح 1

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 305، ح 5، این روایت از آن دسته متونی است که می‌توان از آنها نظریه موازنه و رعایت حدّ وسط در انجام عبادات و عدم صحت افراط در انجام عبادات و سختی دادن به خود در این راه را از آن استنباط کرد.

قرار دادم تا هر کس آنها را به جا آورد وظیفه واجب خود را حتماً انجام داده باشد چون خداوند متعال شرم دارد که بنده‌اش عملی انجام دهد و او حتی یک سوم آن را هم نپذیرد. بنا بر این نمازی که خداوند بر بندگان واجب کرده در هر شبانه روز هفده رکعت است بدین ترتیب پیامبر اکرم ' سی و چهار رکعت نماز را سنت قرار داد، روزه ای هم که خداوند بر بندگان خود در هر سال واجب گردانیده، همان روزه ماه مبارک رمضان است و پیامبر اکرم ' گرفتن شصت روز روزه را در سال سنت قرار داده است تا مکمل فریضه روزه باشد و برای این جهت در هر ماه سه روز را قرار داده است: اولین پنجشنبه دهه اول، نزدیک ترین چهارشنبه به نیمه ماه که ممکن است خود نیمه ماه باشد، و آخرین پنجشنبه ماه.⁽¹⁾

روایات دیگری نیز هست مؤکد این نکته که اگر تقید به روزهای یاد شده ممکن نشد یا سخت بود، تقید به آنها لازم نبوده، و مهم این است که سه روز از هر ماه روزه گرفته شود و نیز اجازه به تأخیر انداختن این روزه‌ها به فصل زمستان، یا عقب و جلو انداختن‌های دیگر داده شده است، چه اینکه روایاتی نیز در جواز به جا آوردن قضای این روزه‌ها و یا جا به جایی آنها با صدقه دادن یک مُدّ طعام به ازای هر روز، و روایاتی در تشویق مؤکد بر گرفتن روزه روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هرماه که به ایام البیض معروف است وارد شده است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 311 / ح 27 با این حساب تعداد این روزه‌ها در یازده ماه غیر از رمضان سی و سه روز می‌شود؛ با اضافه شدن روزه ماه شعبان که در بعضی از روایات دیگر به استحباب آن اشاره شده است به این تعداد، عدد شصت تکمیل می‌گردد.

عبادت های سالانه

عبادت های سالانه بخش گسترده ای از نظام عبادات را شامل می شود و می توان در سه برنامه اصلی تقسیم بندی می شود:

برنامه اول: همان برنامه روزها و شب های متبرک که قبلا از آنها بحث کردیم؛ این شب ها و روزها از یک جنبه از عبادت های سالانه محسوب می شوند، چون همان گونه که در قسمت شعائر دانستیم محتوای شعائری این روزها و شب ها سراسر عبادت است و در این چارچوب گرد هم آمده تا در کل نشانه ای از این شعار باشد.

برنامه دوم: برنامه سه ماهه ماه های مبارک رجب، شعبان و رمضان، که اوج قله این برنامه و دوره زمانی، ماه مبارک رمضان بوده، و عبادت روزه در این ماه، رکن اساسی این دوره به شمار می آید؛ آنجا که در این دوره، گرفتن روزه ماه رجب مستحب بوده، در ماه شعبان این استحباب از تأکید بیشتری برخوردار می گردد؛ زیرا پیامبر اکرم ' به روزه داری در تمام روزهای این ماه مقید بودند، البته با شرایطی که فقها در کتاب های فقهی آورده اند و در رأس آنها عدم پیری، یا بیماری مانع از روزه است.

برنامه سوم: برنامه عبادی حج و موسم دهه اول ذی الحجه است؛ عبادتی

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

منحصر به فرد و ممتاز که تقریباً تمام عبادات اسلامی را در خود دارد، (نماز، زکات، روزه و جهاد)، مضافاً به ابعاد روحی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار بزرگی که در این عبادت نهفته است.

ما ابتدا شرح مختصری در باره برنامه اول خواهیم داد و سپس به صورت مفصل به دو برنامه اخیر خواهیم پرداخت.

[1] برنامه ماه های سه گانه

ماه رجب

1. فضیلت ماه رجب: روایات فراوانی از اهل بیت [^] در تأکید بر فضیلت ماه رجب وارد شده است؛ مرحوم شیخ صدوق در کتاب های مجالس و ثواب الاعمال با سند متصل از ابوسعید خدری، از پیامبر اکرم ' روایت کرده است که فرمود:

آگاه باشید که رجب ماه ناشنوای خدا و ماهی بس بزرگ است، و بدین جهت ناشنوا نامیده شده که هیچ ماهی در حرمت و فضیلت به نزدیکی آن نمی رسد، مردمان زمان جاهلیت نیز این ماه را بزرگ می داشتند و چون اسلام آمد جز فضیلت و بزرگداشت چیزی بر آن نیفزود، بدانید که رجب ماه خدا، شعبان ماه من و رمضان ماه بندگان خدا است. آگاه باشید، هر کس از روی ایمان و در طلب ثواب الهی یک روز از ماه رجب را روزه بدارد مستوجب بزرگ ترین رضایت خداوند خواهد گردید.

سپس آن حضرت برای روزه گرفتن روزهای متعدد در این ماه پاداش ها، و آثار و فوایدی ذکر فرمودند.⁽¹⁾

و حضرت موسی بن جعفر ' فرمود:

رجب نام نهری در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است و هر

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 352 / ح 9 در روایات دیگری وارد است که ماه مبارک رمضان ماه خدا است و همین نیز در میان مسلمانان معروف و مشهور است، لذا ممکن است از این لحاظ اشتباهی در ضبط این روایت روی داده باشد.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

کس روزی از ماه رجب را روزه بدارد خداوند از آن نهر به وی خواهد نوشاند.

و همچنین از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

رجب ماه بزرگی است که خداوند اعمال نیک بندگان را در آن دو برابر محاسبه فرموده و گناهان ایشان را از نامه عملشان محو می‌کند، پس هر کس یک روز از این ماه را روزه بگیرد آتش جهنم به اندازه مسافت یک سال از او دور می‌شود، و هر کس سه روز از این ماه را روزه بگیرد بهشت بر وی واجب می‌گردد.⁽¹⁾

و امام صادق × که فرمود:

حضرت نوح در روز اول ماه رجب بر کشتی سوار شد و همراهان خود را امر نمود که آن روز را روزه بدارند و فرمود: هر کس این روز را روزه بدارد آتش جهنم به اندازه مسافت یک سال از او دور می‌شود، و هر کس هفت روز از این ماه را روزه بگیرد هفت در جهنم بر رویش بسته شده و هر کس هشت روز روزه بگیرد هشت در بهشت بر رویش باز خواهد شد و هر کس پانزده روز از این ماه را روزه بدارد به حاجت خود خواهد رسید و هر کس بیشتر روزه بگیرد خداوند عزّ و جلّ نیز بیشتر به وی عطا خواهد نمود.⁽²⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 350 / ح 3 و 4

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 348 / ح 1 و 2 روایات فراوان دیگری نیز در بیان فضیلت ماه رجب و فضیلت استغفار و عبادت در آن وارد شده است که شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه: و علامه قمی در مفاتیح الجنان آنها را از من لا یحضره الفقیه، مُقْنِع، مُقْنِعَه، مصباح المتهدجد ثواب الاعمال، خصال، تهذیب و... نقل کرده‌اند.

2. اعمال ماه رجب: علامه قمی در مفاتیح الجنان اعمال ماه رجب

را به دو قسمت تقسیم کرده است:

قسمت اول: اعمال عام که در همه روزهای این ماه انجام شده و اختصاص به

روز خاصی از این ماه ندارد و شرح این اعمال بدین قرار است:

اول: دعا، ایشان چندین دعای مختلف که مخصوص این ماه است و از مضامین بسیار بلندی نیز برخوردار است ذکر نموده که از حضرت امام زین العابدین ×، حضرت امام صادق × و حضرت امام زمان - عجل الله فرجه الشریف - نقل شده است.⁽¹⁾

دوم: زیارت مخصوصی که در همه مشاهد مشرفه ائمه [^] خوانده می شود و به زیارت رجبیه معروف است.⁽²⁾

سوم: ذکر، مانند استغفار با صیغه های مختلف که از جمله آنها این استغفار است: یکصد مرتبه بگوید:

أستغفر الله الذي لا إله إلا هو لا شريك له و أتوب إليه⁽³⁾

از خدایی که پروردگاری جز او نیست و همتایی ندارد آمرزش می طلبم.

و بعد از آن صدقه بدهد. یا هزار مرتبه تهلیل (لا إله إلا الله گفتن)، یا

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 132 - 137.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 136.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 359/7 ح/3.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

صد مرتبه تسبیح خداوند به این تسبیح که:

سبحان الإله الجلیل، سبحان من لا ینبغی التسبیح إلاّ له، سبحان الأعزّ الأکرم، سبحان من لبس العزّ و هو له اهل⁽¹⁾

منزه است خدای بلند مرتبه، منزه است خدایی که تسبیح و تنزیه جز او را نسزد، منزه است خدایی که عزیزترین و بزرگواریترین است، منزه است خدایی که ردای عزت به تن کرد و شایسته آن بود

و وارد است که این تسبیح، برای کسانی است که از گرفتن روزه ناتوان هستند جایگزین روزه خواهد بود.

چهارم: قرائت قرآن، از جمله، ده هزار مرتبه خواندن سوره توحید⁽²⁾، همچنین مستحب است در هر شبانه روز از ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره حمد، آیه الکرسی، سوره کافرون و معوذتین (سوره‌های فلق و ناس) قرائت شده و به دنبال آن سه مرتبه گفته شود:

سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلاّ الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة إلاّ بالله العلیّ العظیم

منزه است خداوند و سپاس تنها او را سزا است و خداوند بزرگتر از آن است که به وصف درآید و هیچ توش و توانی جز با مدد خداوند بزرگ بلند مرتبه نیست.

و سه مرتبه: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد؛ خداوندا، بر محمد و آل

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7/258/ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7/361/ح 6.

عبادت های مقید به زمان خاص

محمد درود فرست.

و سه مرتبه: اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات ؛ خداوندا، مردان و زنان مؤمن را ببخش و بیامرز.

و چهارصد مرتبه: استغفر الله و أتوب إليه ؛ از خداوند طلب بخشایش می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم.

و وارد است که انجام این عمل موجب بخشش گناهان می‌شود هر قدر زیاد باشد.

و با انجام این عمل، سه عمل قرائت قرآن، ذکر و دعا با هم انجام خواهد شد.

پنجم: نماز، با دستورات متعدد، مانند دو رکعت نماز در هر شب از ماه رجب که در آن، پس از قرائت حمد صد مرتبه سوره توحید قرائت می‌شود، یا ده رکعت که در آن، پس از حمد یک بار سوره کافرون و سه بار توحید خوانده می‌شود، همچنین شصت رکعت نماز به این ترتیب که در هر شب دو رکعت و در هر رکعت پس از حمد سه بار سوره کافرون و یک بار توحید خوانده می‌شود، پس از سلام دست‌ها را به سمت آسمان بلند می‌کند و می‌گوید:

لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيي و يميت و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير و إليه المصير و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم. اللهم صل على محمد النبي الأمي و آله.

و دست بر صورت می‌کشد؛ در روایات برای این نمازها ثواب بسیار

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

عظیمی وارد شده است.⁽¹⁾

قسمت دوم: اعمال مخصوص به شب‌ها و روزهای خاصی از ماه رجب است و مشتمل بر اعمال ذیل می‌باشد:

اول: اعمال شب و روز اول ماه رجب که عبارت است از روزه، خواندن دعا در هنگام رؤیت هلال ماه در شب اول، همچنین غسل و زیارت حضرت امام حسین \times در شب و روز اول که در بخش زیارات گذشت، همچنین بیست رکعت نماز بعد از نماز مغرب این شب که در آنها سوره حمد و توحید خوانده می‌شود.

شب اول ماه رجب یکی از چهار شبی است که باید آنها را با عبادت احیا نمود، در این شب نیز نمازی وارد است در سی رکعت با فاتحه و یک بار سوره کافرون و سه بار سوره توحید، همچنین نماز دیگری در دو رکعت که یک حمد و سه بار سوره انشراح در آن قرائت می‌شود.

دعای خاصی نیز برای این شب از حضرت امام جواد \times نقل شده و

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 138، خداوندی جز الله نیست؛ هو که تنها و بی همتا است، زنده می‌کند و می‌میراند و خود زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، همه خوبی‌ها به دست او، بر هر چیز توانا و سرانجام همگان به سوی او است، و هیچ توش و توانی جز با مدد خداوند بزرگ بلند مرتبه نیست. خداوندا، بر محمد، پیامبر درس ناخوانده و آل وی درود فرست.

اعمال دیگر.⁽¹⁾

اعمال روز اول نیز علاوه بر روزه با نماز سلمان فارسی آغاز می شود که سی رکعت است و ده رکعت آن در این روز، ده رکعت در روز نیمه ماه و ده رکعت در روز آخر ماه خوانده می شود؛ این نماز بسیار با فضیلت بوده بعد از آن دعایی با جزئیات خاص وارد شده است.⁽²⁾

دوم: نماز رغائب، این نماز در اولین شب جمعه ماه رجب که پنجشنبه آن را هم روزه گرفته باشند خوانده می شود؛ این نماز که دوازده رکعت است بین نماز مغرب و عشا به جا آورده می شود و نمازگزار پس از نماز هفتاد بار صلوات بر پیامبر و آتش فرستاده و به سجده رفته و در سجده هفتاد بار می گوید:

سُبْحَ قَدَّوسَ رَبِّ الملائِکَهِ وَ الرُّوحِ.⁽³⁾ سپس سر از سجده برداشته و می گوید: رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوِزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّکَ أَنْتَ العَلیُّ العَظِیمُ.⁽⁴⁾ سپس دو باره به سجده رفته و همان ذکر سجده اول را تکرار کرده و حاجت خود را از خداوند می خواهد که ان شاء الله برآورده می شود، و از رسول خدا ' در باره این نماز روایت شده است که فرمود:

سوگند به آنکه جانم در کف قدرت او است، مرد یا زنی از بندگان خدا این

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 140 - 141.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 142.

3. بسیار منزه و مقدس است پروردگار فرشتگان و روح.

4. پروردگارا، ببخش و رحمت آور، و از آنچه می دانی درگذر که تو بلند مرتبه و بزرگی.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

نماز را به جا نمی‌آورد مگر اینکه همه گناهایش آمرزیده می‌شود حتی اگر به اندازه کف روی دریاها باشد، و او در روز قیامت از هفتصد نفر از خاندان خود که مستوجب آتش جهنم باشند شفاعت خواهد نمود.⁽¹⁾

سوم: نماز شب‌های بیض (سیزده، چهارده و پانزدهم) ماه‌های رجب و شعبان که در باره آن وارد است هر که این نماز را به جا آورد کلّ فضیلت این سه ماه را درک نموده و خداوند به جز شرک، همه گناهایش را می‌آمرزد.

دستور این نماز دو رکعت در شب سیزدهم، چهار رکعت در شب چهاردهم و شش رکعت در شب پانزدهم است که در هر رکعت بعد از حمد سوره یاسین، ملک و توحید هر کدام یک مرتبه قرائت می‌شود و بعد از هر دو رکعت تسبیح انجام می‌شود.

و در همین سه شبانه روز عمل اُمّ داود نیز وارد شده است که پس از روزه روزهای سیزدهم تا پانزدهم در ظهر روز پانزدهم برای برآورده شدن حاجات و رفع ناراحتی‌ها و دفع شر ستمگران به جا آورده می‌شود و علاوه بر روزه، مشتمل بر قرائت قرآن و دعا است که تفصیل آن در مفاتیح آمده است.⁽²⁾

و چنین است روزه ایام البیض که روزهای سیزده، چهارده و پانزدهم آن است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 233* و محدث قمی، مفاتیح الجنان / 139.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 144 - 148.

عبادت های مقید به زمان خاص

چهارم: اعمال شب نیمه رجب که در آن، غسل، زیارت حضرت امام حسین × و احیای این شب به عبادت در نظر گرفته شده است؛ از نماز گرفته که چند نماز خاص برای آن وارد شده است تا اذکار متعدد. نمازی نیز وارد شده که در این شب و شب بیست و هفتم همین ماه مشترک است.

و چنین است اعمال روز نیمه رجب که مشتمل بر غسل، زیارت حضرت امام حسین × و ادامه نماز سلمان فارسی و نماز و دعای خاصی است.

پنجم: اعمال شب و روز بیست و هفتم رجب که مبعث شریف نبوی در این روز بوده و بحث از اعمال این شب و روز در مبحث روزها و شب‌های متبرک گذشت.

در رابطه با ثواب عمل این شب از حضرت امام جواد × روایت شده است که فرمود:

هر کس از شیعیان ما که این عمل را به جا آورد پاداش عبادت شصت سال را خواهد داشت.

به آن حضرت عرض شد: خدا خیرت دهد، عمل این شب چگونه است؟

فرمود: چون نماز عشای این شب را به جا آوردی قدری بخواب و قبل از نیمه شب بیدار شو و دوازده رکعت نماز بخوان و در هر رکعت از آن بعد از حمد یکی از سوره‌های کوتاه از مفصل را می‌خوانی و مفصل از سوره محمد تا آخر قرآن را شامل می‌شود و در هر دو رکعت سلام می‌دهی و چون از نماز فارغ شدی پس از سلام می‌نشینی و هفت بار

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

حمد، هفت بار معوذتین، قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون، و هفت بار انا انزلناه و آیه الکرسی می خوانی و بعد از همه اینها می گویی: سپاس خداوندی را که هرگز فرزند نگیرد و در پادشاهی انباز نپذیرد، و یآوری که بر عزتش افزایش نخواهد داشت، و او را بی اندازه به بزرگی و بزرگواری یاد کن. خداوندا، به حقیقت عزتت که بر پایه های عرش تو است و به منتهای رحمت از کتاب و لوح محفوظت و به بزرگترین بزرگترین بزرگترین نامت و بلندترین بلندترین بلندترین ذکر و به کلمات تام و تمامت سوگند می دهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و با من آنچه کنی که خود سزاوار و شایسته آنی. و سپس آنچه خواستی دعا کن.⁽¹⁾

در این شب غسل و زیارت حضرت امیرالمؤمنین × و نمازی که در نیمه رجب ذکرش گذشت مستحب است.⁽²⁾

در روز آخر ماه نیز بقیه نماز سلمان فارسی وارد است، و غسل و روزه این روز نیز وارد است که گفته شده موجب آمرزش گناهان گذشته و آینده انسان می گردد.⁽³⁾

ماه شعبان

1. فضیلت ماه شعبان

روایات متعددی در رابطه با فضیلت ماه شعبان و عبادت در آن وارد

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 148.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 149.

3. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 154.

عبادت های مقید به زمان خاص

شده است؛ این ماه مبارک منسوب به رسول خدا ' است و آن حضرت مقید به گرفتن روزه در همه این ماه بوده و مردم را نیز به انجام این سنت و متصل نمودن روزه این ماه به روزه ماه مبارک رمضان تشویق و ترغیب می نمودند. علامه قمی در مفاتیح خلاصه‌ای از این روایات شریف را ذکر کرده است:

از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

چون ماه شعبان داخل می‌شد حضرت سجاد، علی بن الحسین ' اصحاب و یاران خود را جمع کرده و خطاب به آنها می‌فرمود.

ای یاران من، آیا می‌دانید که این ماه چیست؟ این ماه شعبان است، ماهی که پیامبر می‌فرمود: شعبان ماه من است، پس برای محبت به پیامبر خود و نزدیک شدن به خدای خود این ماه را روزه بدارید.

به کسی که جانم در دست او است سوگند، از پدرم حسین × شنیدم که می‌فرمود: از حضرت امیرالمؤمنین × شنیدم که فرمود: هر کس ماه شعبان را برای محبت رسول خدا ' و با هدف تقرب به خدا روزه بگیرد، خداوند متعال وی را دوست داشته و در روز قیامت وی را به کرامت خود نزدیک نموده و بهشت را بر وی واجب می‌نماید.⁽¹⁾

و در روایت دیگری حضرت امام صادق × به صفوان جمال فرمودند:

اطرافیان خود را به روزه ماه شعبان تشویق کن.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

عرض کردم: قربانت گردم، آیا در روزه این ماه چیزی می‌بینید؟

فرمود: آری، چون پیامبر اکرم ' هلال ماه شعبان را رؤیت می‌نمود کسی را فرمان می‌داد تا در میان شهر مدینه ندا کند: ای اهل یترب، من فرستاده رسول خدا به سوی شما هستم، بدانید که شعبان ماه من است، پس خدا رحمت کند بنده‌ای را که مرا در ماهم یاری کند

سپس آن حضرت ادامه دادند: حضرت امیرالمؤمنین × همواره می‌فرمود: از زمانی که ندای منادی رسول خدا ' را در باره ماه شعبان شنیدم روزه ماه شعبان از من فوت نشده و ان شاء الله تا پایان عمرم نیز ترک نخواهد شد، آن حضرت همواره می‌فرمودند: خداوند روزه دو ماه پشت سر هم را نشانه توبه قرار داده است. (1) (2)

و اسماعیل بن عبد الخالق روایت کرده است: در نزد حضرت امام صادق × بودم که سخن از روزه ماه شعبان به میان آمد، آن حضرت فرمودند:

فضیلت ماه شعبان چنین و چنان است، تا بدان پایه که ممکن است کسی که خون حرامی بر گردن دارد از فضیلت این ماه آمرزیده شود. (3)

شیخ کلینی نیز با سند معتبر از حلبی نقل کرده که گفت:

از حضرت امام صادق × پرسیدم: آیا هیچ کدام از پدران بزرگوار

1. اشاره به آیه نود و دوم سوره نساء و آیه چهارم سوره مجادله است که در آنها خداوند روزه

دو ماه پیاپی را به جای آزاد کردن بنده در کفاره قتل غیر عمد کافی دانسته است - مترجم.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 378، ح 33، به نقل از مصباح.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 372، ح 11، به نقل از ثواب الاعمال.

عبادت های مقید به زمان خاص

شما ماه شعبان را روزه می گرفتند؟

فرمود:

بهترین پدرانم رسول خدا ' این ماه را روزه می داشت.

و باز در روایت معتبر دیگری کلینی از حضرت امام صادق × نقل کرده آمده است که فرمود:

زنان پیامبر ' اگر روزه قضایی بر گردن داشتند، گرفتن آن را به ماه شعبان موکول می کردند تا در سایر ایام سال برای برآوردن نیاز آن حضرت مهیا باشند، اما چون ماه شعبان فرا می رسید روزه می گرفتند و پیامبر نیز به همراه آنان روزه می گرفت و همواره می فرمود: شعبان ماه من است.⁽¹⁾

و از حضرت امام باقر × نقل کرده اند که:

هر کس ماه شعبان را روزه بدارد از خواری و وصمه و باده پاک خواهد شد.

ابوحمزہ گوید: به آن حضرت عرض کردم وصمه چیست؟

فرمود: سوگند خوردن در معصیت یا نذر بر معصیت، و نذر در معصیت محقق نمی گردد.

عرض کردم: باده چیست؟

فرمودند: سوگند خوردن در حال خشم که پشیمانی از این کار توبه آن

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 360 / 7، ح 1 و 2، به نقل از فروع کافی و غیره.

است.⁽¹⁾

همچنین شیخ صدوق در **ثواب الاعمال** با سند معتبر از اسماعیل بن زیاد از حضرت امام صادق × نقل کرده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است: شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا و بهار فقیران است، عید قربان نیز برای سیر شدن فقرا و مساکین شما از گوشت است، پس آنها را اطعام کنید.⁽²⁾

ورایت شده که روزه این ماه موجب شفاعت رسول خدا در روز قیامت بوده⁽³⁾، زیاد روزه گرفتن در آن باعث بهتر شدن وضع معیشت، حفاظت از شر دشمنان و وارد شدن در بهشت می‌گردد.⁽⁴⁾

2. اعمال ماه شعبان

علامه قمی طبق عادت خود اعمال ماه شعبان را نیز به دو قسمت تقسیم کرده است:

قسمت اول اعمال مشترکی که در همه روزهای ماه می‌توان آنها را انجام داد، و قسمت دوم اعمال خاصی که مختص به روزها و شب های خاصی در این ماه هستند.

-
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 362، ح 7، به نقل از من لا یحضره الفقیه، مصباح المتهدج، معانی الاخبار، ثواب الاعمال و تهذیب.
 2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 372، ح 12، به نقل از ثواب الاعمال.
 3. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 373، ح 16.
 4. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 375، ح 24.

اعمال قسمت اول را می‌توان در چند عمل خلاصه کرد:

اول: روزه که مهم‌ترین و مؤکدترین عبادت این ماه بوده و چنان که از روایات صحیح متظافر فوق دانسته شد تقریباً ویژگی خاص این ماه به شمار می‌رود.

دوم: ذکر خدا و به خصوص استغفار، در روایات چندی به هفتاد بار استغفار در هر روز از این ماه ترغیب شده است؛ چرا که این عمل دارای ثواب عظیمی بوده و موجب می‌شود انجام دهنده آن در روز قیامت در زمره رسول خدا محشور شده، مستوجب کرامت الهی گردد، همچنین برائت از آتش جهنم و جواز عبور از صراط، ورود به بهشت و سکونت در دارالقرار برایش نوشته شده، خداوند گناهانش را می‌آمرزد اگرچه به تعداد ستارگان آسمان باشد. و وارد است که هفتاد بار استغفار در این ماه برابر با هفتاد هزار بار استغفار در ماه‌های دیگر است، صیغه استغفار در این ماه چنین است:

استغفر الله الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم و أتوب إليه.

از ذات مقدس الله که هیچ خداوندی جز او نیست و بخشنده و مهربان و زنده و برپا دارنده ممکنات است طلب بخشایش می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم.⁽¹⁾

از دیگر اذکاری که به صورت مرسله از پیامبر اکرم ' نقل شده، این ذکر است:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 378 - 380، ح 1 و 2 و 4 و 5 و 6.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

لا إله إلا الله و لا نعبد إلا إياه مخلصين له الدين و لو كره المشركون.

خداوندی جز الله نیست و ما از سر اخلاص در دین کسی را جز او نمی‌پرستیم اگر چه کافران را ناخوش آید.⁽¹⁾

سوم: دادن صدقه به فقیران و نیازمندان، چنان که در روایات گذشته هم داشتیم که شعبان بهار فقیران است و در تعدادی از روایات نیز بر این عمل تأکید شده است مانند این روایت که:

من تصدق بصدقة في شعبان ربّاه الله جلّ و عزّ له كما يرّبّي أحدكم فضيله، حتى يوافي يوم القيامة و قد صارت مثل أحد⁽²⁾

کسی که در ماه شعبان صدقه بدهد، خداوند صدقه او را پرورش می‌دهد همان گونه که یکی از شما بچه شتر خود را می‌پروراند، تا اینکه در روز قیامت صدقه خود را به بزرگی کوه أحد می‌یابد.

یا اینکه صدقه دادن حتی یک نصفه خرما در این ماه موجب می‌شود تا بدن صدقه دهنده بر آتش جهنم حرام شود.⁽³⁾

چهارم: بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر و آل آن حضرت.

احمد بن عیسی در کتاب خود نوادر با سند معتبر از حضرت امام صادق × روایت کرده است که فرمود:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 380، ح 8.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 379، ح 3 و 380 / ح 7.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 378، ح 1.

پیامبر اکرم ' فرموده‌اند: رجب ماه استغفار امت من است پس در رجب بسیار استغفار کنید که خداوند آمرزنده مهربان است.

تا آنجا که فرمود: و در ماه شعبان بسیار بر پیامبر خود درود فرستید، سپس فرمود: شعبان از این جهت ماه شفاعت نام گرفته است که پیامبر شما از هر کس در این ماه بر او درود بفرستد شفاعت خواهد نمود.⁽¹⁾

در برخی روایات نیز کلمات زیبایی برای صلوات بر رسول خدا ' و اهل بیت آن حضرت به همراه دعای زیبایی در توسل به آن حضرت در ماه شعبان وارد شده است.⁽²⁾

پنجم: دعا و مناجات با خداوند متعال که البته به جز مناجات شعبانیه که ابن خالویه آن را روایت نموده و گفته است این مناجات حضرت امیرالمؤمنین × و ائمه از فرزندان آن حضرت بوده و مناجاتی بدیع با مضامین عرفانی بالا است، مناجات دیگری برای این ماه ذکر نشده است.⁽³⁾

قسمت دوم: اعمال مخصوص به روزها و شب‌های خاص در این ماه است و از کتاب‌های زیارت و اعمال، و نیز از برخی متون روایی چنین بر می‌آید که در این رابطه بر پنج وقت خاص در این ماه تأکید شده است:

اول: روز و شب اول ماه که بر روزه آنها تأکید شده و سید بن

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 381، ح 10

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 365، ح 18* و محدث قمی، مفاتیح الجنان / 156

3. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 156 - 159.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

طاووس در اقبال، نمازی برای شب اول و بلکه سه شب اول آن ذکر کرده است.

دوم: روز پنجشنبه این ماه که دو رکعت نماز در آن وارد است که در هر رکعت از آن بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید قرائت می‌گردد، و پس از نماز یکصد مرتبه صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت فرستاده می‌شود و موجب برآورده شدن حاجات دینی و دنیوی است.

سوم: روز سوم شعبان که روز میلاد مسعود حضرت امام حسین \times نیز هست، در این روز چنان که شیخ طوسی در مصباح از حضرت امام حسن عسکری نقل کرده است روزه گرفتن، و خواندن دعای خاصی که در آن در نزد خداوند متعال به حضرت امام حسین \times و فرزندان آن حضرت دست توسل زده شده و دارای مضامین بلند و نشانگر ولایتمداری و رهروی راه آن حضرت و فرزندانش می‌باشد، مستحب است.

همچنین از حضرت امام صادق \times وارد است که در این روز همان دعایی خوانده شود که حضرت امام حسین \times در روز عاشورا وقتی زیادی لشکر دشمن را دید، آن دعا را خواند.⁽¹⁾

چهارم: روزهای آخر ماه شعبان به ویژه شب آخر ماه؛ که از حضرت رضا \times وارد است:

هر کس سه روز آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و آن را به ماه رمضان متصل نماید، خداوند متعال پاداش روزه دو ماه متوالی را در نامه عملش

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 164 - 165.

خواهد نوشت.

و از اباضت هروی نقل است که گفت:

در آخرین جمعه از ماه شعبان بر حضرت رضا \times وارد شدم، آن حضرت به من فرمودند:

ای اباضت، ماه شعبان رو به اتمام است و این آخرین جمعه این ماه می‌باشد، پس در صدد باش تا کوتاهی خود در ایام رفته از آن را در این چند روزه باقی مانده جبران کنی، و بر تو باد که به آنچه برایت سودمند است روی بیاوری، پس بسیار دعا و استغفار کن و به تلاوت قرآن پرداز و از گناهان خود به درگاه خداوند متعال توبه کن؛ در این صورت ماه رمضان با روی خوش بر تو روی خواهد آورد.

امانتی در گردن خود وا مگذار مگر آنکه ادایش کنی، کینه‌ای از برادری دینی در دل خود وا مگذار مگر آنکه قلب خود را از آن پاک گردانی و گناهی که مرتکب گردیده‌ای از خود به جا مگذار مگر اینکه با توبه از دل خود برکنده باشی، در امور پیدا و پنهان زندگی خود تقوای الهی را پیشه خود ساز و بدان که هر کس بر خدا توکل کند خداوند او را کفایت می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است، در روزهای باقی مانده از این ماه بسیار بگو: خداوند، اگر در روزهای رفته از ماه شعبان ما را مورد آمرزش قرار نداده‌ای، در این واپسین روزهای این ماه از ما درگذر، که خداوند متعال

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

در این ماه و به حرمت آن بسیار کسان را از آتش جهنم آزاد می‌کند.⁽¹⁾

همچنین دعایی از حضرت امام صادق × برای شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان وارد شده است.⁽²⁾

ماه رمضان

1. فضیلت ماه رمضان

ماه رمضان به صورت مطلق بهترین ماه سال است و روایات متعددی بر این نکته تأکید دارند.

دلیل این برتری در قرآن کریم نزول قرآن در این ماه دانسته شده است:

{شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ
الْقُرْآنَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ
وَ الْقُرْآنَ }

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن برای هدایت مردم و

نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل فرو فرستاده شده است

همچنین وجود شب قدر در این ماه؛ شب مبارکی که در آن، همه امور به استواری فیصله می‌یابد.

ظاهر امر این است که خداوند، وجوب روزه ماه رمضان را نیز به دلیل همین ویژگی‌ها در آن، قرار داده است؛ چون این ماه بسیار با

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 171.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 171.

عبادت های مقید به زمان خاص

عظمت بوده و در نزد خداوند از اهمیت بالایی برخوردار است؛ این ماه، ماه روزه، صبر و به دلیل وجود نوافل بسیار، ماه اقامه نماز است، ماه اعتکاف در مسجد، ماه فراگیری قرآن کریم و علوم اسلام و شریعت، ماه دعا و مناجات، ماه ذکر، ماه صدقه و انفاق، ماه مبارزه با نفس و جهاد با دشمنان، ماه توبه، ماه آمرزش و رحمت الهی، ماه آزادی از آتش جهنم و رسیدن به بهشت.

شاید بتوان گفت که از بدیع‌ترین متون دینی که به ماه رمضان و فضیلت آن پرداخته، خطبه‌ای است که پیامبر اکرم ' آن را در آخرین جمعه ماه شعبان ایراد فرموده تا ماه رمضان و فضیلت آن را به مردم بشناساند این خطبه را مرحوم شیخ صدوق در دو کتاب خود امالی و عیون با سند معتبر از حضرت امام رضا × در سلسله سندی طولانی و درخشان از پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر، از پدرش حضرت امام صادق، از پدرش حضرت امام باقر، از پدرش حضرت علی بن الحسین، از پدرش حضرت امام حسین از پدرش حضرت امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم که درود خدا بر او و بر همه ائمه طاهرین باد و خداوند بر آنها بسیار سلام فرستد، نقل فرموده است که حضرت امیرالمؤمنین × فرمود:

إن رسول الله ' خطبنا ذات يوم فقال: أيها الناس، إنه قد أُقبل إليكم شهر الله بالبركة و الرحمة و المغفرة، شهر هو عند الله أفضل الشهور، و أيامه أفضل الأيام، و لياليه أفضل الليالي، و ساعاته أفضل الساعات، هو شهر دعيتم فيه إلى ضيافة الله، و جعلتم فيه من أهل كرامة الله. أنفاسكم فيه تسبيح، و نومكم فيه

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

عبادة، و عملکم فیہ مقبول، و دعاؤکم فیہ مستجاب، فاسألوا الله ربکم بنیات صادقة، و قلوب طاهرة، أن یوفقکم لصیامه و تلاوة کتابه، فإن الشقی من حرم غفران الله فی هذا الشهر العظیم.

رسول خدا ' روزی برای ما خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: ای مردم، همانا ماه خدا با برکت و رحمت و آموزش به شما روی آورده است، ماهی که در نزد خداوند متعال بهترین ماه، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعات است؛ ماهی که در آن، به میهمانی خدا دعوت شده و از اهل کرامت حق تعالی قرار گرفته‌اید، نفس‌های شما در آن تسبیح، خواب شما در آن عبادت، اعمال شما در آن مقبول و دعایتان در آن مستجاب است؛ پس با نیت‌های راستین و دل‌های پاک از خدا بخواهید که شما را در گرفتن روزه این ماه و تلاوت قرآن در آن، موفق گرداند که بدبخت کسی است که در این ماه عظیم از آموزش الهی محروم بماند.

اذکروا بجموعکم و عطشکم فیہ جوع یوم القیامة و عطشه، و تصدقوا علی فقراتکم و مساکینکم، و وقروا کبارکم، و ارحموا صغارکم، و صلوا أرحامکم، و احفظوا ألسنتکم؛ و غضوا عما لا یحلّ النظر إلیه أبصارکم، و عما لا یحلّ الأستماع إلیه أسماعکم، و تحتنوا علی أیتام الناس یُتحتن علی أیتامکم، و توبوا إلی الله من ذنوبکم، و ارفعوا إلیه أبیدیکم بالدعاء فی أوقات صلاتکم، فإنها أفضل الساعات، ینظر الله عزّ و جلّ فیها بالرحمة إلی عباده، یحبیبهم إذا ناجوه، و یتیبهم إذا نادوه، و یعطیهم إذا سألوه، و یتستجیب لهم إذا دعوه.

با تحمل تشنگی و گرسنگی در این ماه تشنگی و گرسنگی روز قیامت را به یاد آورید؛ به فقرا و مساکین خود صدقه دهید، بزرگان خود را احترام نموده، کودکان

خود را مورد مهربانی و ترحم قرار دهید، با خویشان خود پیوند کرده، زبان‌های خود را نگاه داشته، چشمان خود را از آنچه دیدنش بر شما حرام است بسته و گوش‌های خویش را از آنچه شنیدنش بر شما حرام است مسدود نمایید. با یتیمان مردم مهرورزی نمایید تا با یتیمان شما مهرورزی شود و از گناهان خود به درگاه خداوند توبه کنید و در هنگام نماز دستان خود را به دعا به آسمان بردارید که این ساعت بهترین وقت برای این کار بوده و در آن، خداوند عزّ و جلّ به بندگان خود نظر رحمت می‌افکند، چون او را بخوانند پاسخشان را داده، چون وی را ندا کنند ندایشان را لیبیک گفته، چون از وی چیزی بخواهند به آنان عطا کرده و چون به درگاهش دعا کنند دعایشان را مستجاب می‌نماید.

أيها الناس، إن أنفُسكم مرهونة بأعمالكم ففكّوها باستغفاركم، و ظهوركم
تقيلة من أوزاركم فحففّوها عنها بطول سجودكم، و اعلموا أن الله أقسم
بعزّته ألاّ يعذب المصلّين و الساجدين، و ألاّ يروّعهم بالنار يوم يقوم الناس
لربّ العالمين

ای مردم، جان‌های شما در گرو اعمال شما است، با استغفار آن را آزاد کنید. و پشت‌های شما از بار گناهاتان سنگین شده، با سجده‌های طولانی بار پشت خود را سبک نمایید و بدانید که خداوند به عزت خود سوگند یاد کرده است نمازگزاران سجده کننده را عذاب نکرده و در روزی که همه مردم در پیشگاه خداوند به پا می‌خیزند آنان را با آتش دوزخ هراسان ننماید.

أيها الناس، من فطرّ منكم صائماً مؤمناً في هذا الشهر كان له بذلك عند الله
عتق نسمة و مغفرة لما مضى من ذنوبه. قيل: يا رسول الله، فلبس كلنا نقدر
على ذلك. فقال: 'اتقوا النار و لو بشقّ تمرّة، اتقوا النار و لو بشرية من ماء.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

ای مردم، هر کس از شما روزه داری را در این ماه افطار دهد عملش در نزد خداوند به اندازه آزاد کردن یک برده پاداش دارد و علاوه بر آن، گناهان گذشته‌اش نیز آمرزیده می‌شود، به آن حضرت عرض شد: ای رسول خدا، همه ما توان این کار را نداریم. آن حضرت در پاسخ فرمودند: حتی با یک نصفه خرما یا یک جرعه آب که به روزه داری بدهید خود را از آتش نگاه دارید.

أيها الناس، من حسن منكم في هذا الشهر خلقه كان له جوازاً على الصراط يوم تزلّ فيه الأقدام، و من خفف في هذا الشهر عمّا ملكت يمينه خفف الله عليه حسابه، و من كفّ فيه شرّه كفّ الله عنه غضبه يوم يلقاه؛ و من أكرم فيه يتيماً أكرمه الله يوم يلقاه، و من وصل فيه رحمه و صلّه الله برحمته يوم يلقاه، و من قطع فيه رحمه قطع الله عنه رحمته يوم يلقاه، و من تطوّع فيه بصلاة كتب الله له براءة من النار، و من أدى فيه فرضاً كان له ثواب من أدّى سبعين فريضة فيما سواه من الشهور، و من أكثر فيه من الصلاة عليّ تقلّ الله ميزانه يوم تخفّ الموازين، و من تلا فيه آية من القرآن كان له مثل أجر من ختم القرآن في غيره من الشهور.

ای مردم، هر کس در این ماه اخلاق خود را خوش کند، در روزی که قدم‌ها بر صراط می‌لغزد، این عمل وی موجب عبورش از پل صراط خواهد گردید، هر کس در این ماه بر زیر دستان خود آسان بگیرد خداوند نیز در محاسبه وی آسان خواهد گرفت، هر کس در این ماه شرّ خود را از مردم باز دارد، خداوند نیز در روز قیامت خشم خود را از وی باز خواهد داشت، کسی که در این ماه یتیمی را اکرام نماید خداوند نیز در روزی که او را

ملاقات خواهد کرد وی را اکرام خواهد نمود، هر کس که در این ماه صله رحم نماید خداوند نیز در روز ملاقات با خود وی را به رحمت خود متصل خواهد کرد، هر کس در این ماه قطع رحم کند خداوند در روز قیامت رحمت خود را از وی قطع خواهد کرد، هر کس در این ماه نماز مستحبی به جا آورد خداوند برای او پرائت از آتش جهنم را خواهد نوشت، هر کس نماز واجبی را در این ماه به جا آورد پاداش کسی را خواهد داشت که هفتاد نماز واجب را در غیر این ماه به جا آورد، هر کس در این ماه زیاد نماز بخواند خداوند در روزی که ترازوهای اعمال سبک می‌باشد ترازوی عمل او را سنگین می‌کند و هر کس در این ماه یک آیه از قرآن را بخواند پاداش کسی را دارد که در سایر ماه‌ها یک دور قرآن را ختم نماید.

أيها الناس، إن أبواب الجنان في هذا الشهر مفتحة، فاسألوا ربكم ألا يغلقها عنكم، و أبواب النيران مغلقة فاسألوا ربكم أن لا يفتحها عليكم، و الشياطين مغلولة فاسألوا ربكم ألا يسلطها عليكم.

ای مردم در این ماه درهای بهشت بر روی شما گشوده است پس از خداوند بخواهید که آنها را هرگز بر روی شما نبندد و درهای دوزخ بر روی شما بسته است پس از پروردگار خویش بخواهید تا هرگز آنها را بر روی شما نگشاید، در این ماه شیاطین از دسترسی به شما بسته و در غل و زنجیر به سر می‌برند، از خدای خود بخواهید تا دیگر آنها را بر شما مسلط نکند.

قال أمير المؤمنين ×: فقلت: يا رسول الله، ما أفضل الأعمال في هذا الشهر؟ فقال: يا أبا الحسن، أفضل الأعمال في هذا الشهر الورع عن محارم الله
حضرت امیرالمؤمنین × گوید: در این هنگام برخاستم و از پیامبر اکرم

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

پرسیدم: ای رسول خدا، برترین عمل در این ماه چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: ای ابوالحسن، بهترین عمل در این ماه بازداشتن خود از ارتکاب گناه و معصیت خداوند عزّ و جلّ می‌باشد.⁽¹⁾

سخن در باره فضیلت ماه مبارک رمضان به جهت اهمیت خاصی که از آن برخوردار بوده و روایات بسیاری که در باره آن وارد گردیده، بسیار گسترده است، اما آنچه در این رابطه از اهمیت بیشتری برخوردار است و پیامبر اکرم ' در این خطبه و ائمه اطهار [^] در روایات خود بر آن تأکید نموده‌اند در نکات ذیل خلاصه می‌شود:

اول: استفاده بردن از این ماه با شرافت و اوقات استثنایی که همه وقت‌ها و کارها در آن متحول شده و تبدیل به اوقات و اعمالی می‌گردند که چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی از مضمون و معنای گسترده تری برخوردار بوده، کارهای خوب و بد در آن مضاعف بوده، فرصت مناسبی برای انسان است تا همه کارهای خود را به عمل صالح متحول نموده و خود را به بالاترین درجات شایستگی و صلاح برساند.

دوم: روزه در ماه رمضان تنها به معنی خودداری از خوردن و آشامیدن نیست، بلکه عبارت است از خودداری از همه محرّمات و گناهان و دوری از همه زشتی‌ها و نواقص.

سوم: عبادت در این ماه از تنوع خاصی برخوردار بوده و فعالیت‌های عبادی مختلفی برای تقرب انسان به خداوند متعال وجود دارد که

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 226، ح 20.

عبادت های مقید به زمان خاص

بدون استثنا شامل همه انواع عبادات می‌گردد، و در هنگام مرور و بیان عبادات این ماه این حقیقت را بهتر خواهیم یافت.

چهارم: وضع برنامه عملی مفصل و فراگیر برای به اوج رساندن فعالیت‌های عبادی انسان در این ماه، به گونه‌ای که هیچ زمانی در طول مدت این ماه خالی از عبادت نیست.

پنجم: همان نکته‌ای که در مبحث شب قدر به آن اشاره کردیم؛ یعنی اتخاذ تصمیمات سرنوشت ساز برای انسان از جانب خداوند متعال در این ماه و به ویژه در شب قدر که با هدف نزول رحمت الهی بر وی انجام می‌شود.

ششم: بسیج و آماده سازی روحی، معنوی و اخلاقی، به گونه‌ای که انسان در عید سعید فطر به آن درجه از خلوص و پاکی رسیده باشد که بتواند زندگی جدیدی را آغاز نموده و اعمال خود را از نو شروع نماید.

نکته قابل ملاحظه این است که اهتمام و توجه به این ماه مبارک از اموری است که مورد اجماع و اتفاق همه مسلمین است، به گونه‌ای که اعمال و شعائر این ماه در کل، به شعاری بدل شده است که چه به لحاظ شکل و چه به لحاظ مضمون منحصر به فردی که هیچ امت و جماعتی مانند آن را ندارد، موجب امتیاز و تفاوت مسلمانان از غیر مسلمانان شده است.

اما با همه این تفصیلات، برنامه‌ای که اهل بیت ^۸ برای این ماه مبارک وضع نموده‌اند، به لحاظ ویژگی‌ها و جزئیات، از تمام آنچه مسلمانان در

تقسیم اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

باره این مراسم می‌دانند و می‌شناسند متمایز و متفاوت است.

2. اعمال ماه رمضان

اعمال ماه رمضان به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود و ما تلاش خواهیم کرد ضمن اشاره اجمالی به مضمون آنها تنها به بیان عناوین اکتفا کرده و جزئیات را به جهت زیادی آنها، ترک نموده و اطلاع از آنها را به مراجعه به کتاب‌های دعا و اعمال، از جمله **مفاتیح الجنان** واگذار می‌کنیم.

قسمت اول: اعمال مشترک.

قسمت دوم: اعمال مخصوص به وقت یا شب و روزی خاص.

قسمت اول: اعمال مشترک

اعمال مشترک نیز به چند قسم تقسیم می‌شود:

اول: اعمالی که در همه اوقات شبانه روز ماه مبارک رمضان مشترک است.

دوم: اعمالی که در اول شب‌های ماه رمضان مشترک است.

سوم: اعمالی که در وقت سحر شب‌های ماه رمضان مشترک است.

چهارم: اعمالی که در روزهای ماه مبارک رمضان مشترک است.

(1) اعمال مشترك شبانه روز

صاحبان کتب ادعیه و اعمال در بیان این قسم از اعمال مشترک چند

عمل را ذکر کرده‌اند، از جمله:

اول: دعای بعد از نماز و دعاهایی که در همه وقت خوانده می‌شود، علامه قمی در **مفاتیح الجنان** چهار متن دعایی برای دعای بعد از نماز ذکر کرده است که چهارمین دعا که به دعای حج معروف است را می‌توان در همه وقت خواند⁽¹⁾؛ این دعاها دارای مضامین بلند در طلب توفیق حج، درک لیلہ القدر، آزادی از آتش جهنم، ورود به بهشت، توسعه رزق و اهتمام به حل مشکلات مسلمانان و تحقق مصالح آنان می‌باشد.⁽²⁾

و نیز مرحوم کلینی و مرحوم صدوق با سند معتبر دعای مفصل دیگری در همین رابطه نقل کرده‌اند.⁽³⁾

دوم: بسیار تلاوت کردن قرآن و تدبیر و تعمق در آن، در این رابطه در بعضی از روایات وارد شده است که در غیر ماه رمضان خوب است انسان مسلمان در هر ماه یک بار قرآن را ختم نماید، اما در ماه رمضان خوب است که هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم کند.⁽⁴⁾ همچنین در کافی با سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم × نقل شده که مستحب است قرآن را در هر شبانه روز یک یا چند مرتبه ختم کنند و ثواب بسیاری برای اهدای ثواب این ختم قرآن به رسول خدا و ائمه بعد از آن حضرت ذکر نموده است که همان محشور شدن

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 74 به نقل از کافی و مصباح کفعمی.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 176 - 177.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 71، ح 163.

4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 13، ح 26 به نقل از اصول کافی.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

با آن بزرگواران در روز قیامت است.⁽¹⁾

سوم: ذکر خدا، مانند استغفار، تسییح، تهلیل و تکبیر، در این زمینه روایت شده است که حضرت امام زین العابدین × چون ماه رمضان داخل می‌شد جز برای دعا، تسییح، استغفار و تکبیر دهان به سخن نمی‌گشود.⁽²⁾

چهارم: نماز، آنجا که در این ماه برنامه خاصی برای نمازهای مستحبی در روزها و شبها وضع شده است که شایسته است انسان تا جایی که می‌تواند به آنها عمل کند.

(2) اعمال مشترك شبهای ماه رمضان

قسم دوم اعمالی است که در بخش ابتدایی شبهای ماه رمضان مشترك است و صاحبان کتب ادعیه و اعمال در بیان این قسم از اعمال مشترك چند عمل را ذکر کرده‌اند:

اول: افطار یا خوردن آب و غذا در پایان روز و مستحب است که این عمل به بعد از نماز عشا موکول شود؛ افطار دارای مستحباتی نیز هست از جمله: افطار با خرما، رطب یا شیرینی، چه اینکه مستحب

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 178.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 178، البته شکی نیست که منظور از چنین روایاتی اشاره به حالت کلی و عمومی آن حضرت در این ماه بوده است، تا جایی که با کار دیگری که افضل از آن بوده یا موجب قضای حاجات ضروری و عادی انسان می‌شود تراحم نداشته باشد.

عبادت های مقید به زمان خاص

است در هنگام افطار دعا خوانده شود، مانند این دعا که: اللهم لك صمت و علی رزقك أفطرت و عليك توكلت. خداوندا، برای تو روزه گرفتم و با نعمت و روزی تو افطار کردم، و بر تو توکل نمودم و یا سایر ادعیه. و نیز اینکه در هنگام تناول اولین لقمه بگویند:

بسم الله الرحمن الرحيم يا واسع المغفرة اغفر لي.

به نام خداوند بخشایشگر مهربان، ای آنکه آمرزشت گسترده و فراگیر است، مرا ببخش و بیامرز.

که کارهایی از این دست ثواب فراوانی همچون مغفرت و رضوان الهی، یا اجر و پاداش روزه همان روز را دارد.

و چنین است قرائت سوره قدر در هنگام افطار.⁽¹⁾

دوم: دادن صدقه در وقت افطار، خصوصاً که از نوع خوراکی بوده و به صورت افطار دادن به روزه داران درآید، حتی با چند دانه خرما یا جرعه آبی، به هر میزان که برای انسان میسور و مقدور باشد؛ انجام این عمل در بر دارنده اجر و پاداش بسیار بزرگی است؛ پاداشی به میزان ثواب روزه آن روزه داری که افطارش داده‌اند، بدون اینکه از پاداش عمل او چیزی کم شود و به اندازه ثواب هر کار خیری که با نیروی حاصل از خوردن آن غذا انجام دهد، یا اجر آزاد کردن سی

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

بنده و داشتن یک دعای مستجاب.⁽¹⁾

سوم: قرائت سوره معینی از قرآن، مانند استحباب قرائت هزار مرتبه سوره قدر، یا صد مرتبه سوره دخان در صورت توان.⁽²⁾

چهارم: دعا که مهم‌ترین و معروف‌ترین دعایی که برای این وقت از شب‌های ماه رمضان وارد شده، دعای افتتاح باشد که دارای مضامین بلند و مشتمل بر صلوات بر پیامبر و اهل بیت آن حضرت [^] و دعای مخصوص برای حضرت امام حجت، مهدی منتظر بوده و موجب آمادگی روحی و جهادی بالایی می‌گردد.

علامه قمی سه روایت دیگر را نیز نقل نموده که مشتمل بر دعای هرشب ماه رمضان است.⁽³⁾

پنجم: نماز، آنجا که خواندن هزار رکعت نماز مستحب در کل ماه مبارک رمضان وارد است، که در شب‌های این ماه تقسیم شده و به نوافل ماه رمضان معروف است، البته در کیفیت این تقسیم بندی چند دستور متفاوت وجود دارد که علامه قمی همان دستوری را برگزیده است که قبل از وی شیخ مفید + نیز به آن معتقد شده و آن را به مشهور نسبت داده است؛ در این شیوه، در هر شب از شب‌های دهه

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 178.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 179، و شاید قرائت سوره قدر برابر با همه ذکرهای ماه رمضان بوده و یا برای کسانی که توان قرائت قرآن مطلوب در ماه رمضان را ندارند به جای آن باشد. و
الله العالم.

3. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 179 - 183.

عبادت های مقید به زمان خاص

اول و دوم بیست رکعت، هر دو رکعت به یک سلام، هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بقیه بعد از نماز عشا به جا آورده می‌شود، اما در هر شب از شب‌های دهه سوم سی رکعت نماز به همان ترتیب سابق اقامه می‌گردد که مجموع سه دهه به هفتصد رکعت بالغ می‌گردد، در هر یک از شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم نیز یکصد رکعت علاوه بر تعداد هر شبه خوانده می‌شود که در مجموع هزار رکعت می‌شود.

و باز مستحب است که در هر شب دو رکعت نماز خوانده شود و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه سوره توحید خوانده شده و پس از سلام گفته شود:

سبحان من هو حفیظ لا یغفل، سبحان من هو رحیم لا یعجل، سبحان من هو قائم لا یسهو، سبحان من هو دائم لا یلهو.⁽¹⁾

سیس هفت مرتبه تسییحات اربعه گفته شده و پس از آن بگویند:

سبحانک سبحانک سبحانک. یا عظیم اغفر لی الذنب العظیم؛⁽²⁾

سیس ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده می‌شود.

مرحوم شیخ کفعمی در حاشیه کتاب خود بلد الامین آورده است که هر

-
1. منزّه است خدایی که همواره حفظ کننده است و غفلت در او راه ندارد، منزّه است خدایی که مهربان است و شتابزدگی در کار او نیست، منزّه است خدایی که قائم به نفس خود است و اشتباه نکند، منزّه است خدایی که همیشگی است و به کار باطل سرگرم نشود.
 2. منزّهی تو، منزّهی تو، منزّهی تو. ای بزرگ، گناه بزرگ مرا ببخش.

کس این نماز را بخواند خداوند هفتاد هزار گناه از وی می‌آمرزد.⁽¹⁾

(3) اعمال مخصوص سحرهای ماه رمضان

سومین بخش از اعمال مشترک، اعمالی است که انجام آنها در سحرهای ماه رمضان مشترک است، شیخ طوسی و دیگر صاحبان کتاب‌های ادعیه و اعمال برای این بخش چند عمل ذکر نموده‌اند:

اول: خوردن سحری هر چند به چند لقمه غذا و جرعه‌ای آب باشد، و بهترین نوع طعام برای سحر سویق⁽²⁾ و خرما بوده و دارای آدابی است که از جمله آنها خواندن سوره قدر در هنگام خوردن سحری می‌باشد.

دوم: دعا و مناجات با خداوند متعال که از مهم‌ترین اعمال این وقت از شب‌های ماه رمضان می‌باشند؛ در این رابطه دعاهای مهمی وارد شده است که در صدر همه آنها دعای پهاء (دعای معروف سحر) می‌باشد که مشتمل بر تمجید خداوند متعال و توسل جستن به صفات باری تعالی می‌باشد و این دعا از حضرت امام رضا × نقل شده است آنجا که فرمود: این دعای جدش حضرت امام باقر × بوده و در شأن این دعا آمده است که در برآمدن حاجات همواره مستجاب است.

همچنین دعای ناب و بسیار بزرگ و منحصر به فردی که ابوحمزه

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 183 - 184.

2. سویق آرد جو می‌باشد. البته به آرد بوداده جو، همچنین حلیمی که از پختن آن با آب و شکر یا خرما درست می‌کنند - مترجم.

عبادت های مقید به زمان خاص

ثمالی آن را روایت نموده و به نام خود وی معروف شده است؛ وی در نقل این دعا گفته است: حضرت امام زین العابدین \times در ماه مبارک رمضان تمام شب را به نماز می ایستاد و چون وقت سحر می شد این دعا را می خواند:

الهي لا تؤدبني بعقوبتك و لا تمكر بي في حيلتك.

تا آخر دعا، که از دعاهای طولانی و به لحاظ بیان و انشا بسیار قوی و متین و از نظر مضمون و محتوا بسیار بلند و والا، از حیث شیوه‌های بیانی متنوع و مشتمل بر فصول متعدد بوده، نقش بزرگی در تربیت و سازندگی روحی و تقویت رابطه انسان با خداوند متعال و آموزش شیوه مناجات با خدا و حمد و ثنا و تمجید الهی به بندگان خدا دارد.

این دعا و امثال آن از ویژگی‌ها و امتیازات مکتب اهل بیت [^] بوده و نشانه دانش، امامت و نقش آن بزرگواران در حیات اسلام هستند؛ چنین متونی شیوه اهل بیت [^] را در ایجاد جامعه‌ای شیعی و اهداف بلندی را که از این کار داشتند برای همگان آشکار می‌کند؛ اهدافی همچون: ایجاد جامعه‌ای که به لحاظ روحی و معنوی در حد بالای تکامل باشد.

علاوه بر این دعای شریف، دعا‌های دیگری نیز در این راستا وارد شده است که با مراجعه به کتاب **مفاتیح الجنان** می‌توان از آنها اطلاع حاصل کرد.⁽¹⁾

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 184 - 202، یکی از وظایف واجب مکلفین در شب‌ها یا سحرهای ماه رمضان این است که برای روزه فردا نیت کنند.

(4) اعمال مشترك روزها

چهارمین بخش اعمال مشتركه‌ای است که روزهای ماه رمضان به انجام می‌رسد، صاحبان کتاب‌های ادعیه و اعمال برای این بخش چند عمل ذکر نموده‌اند:

اول: دعا، آنجا که مجموعه‌ای از دعاها برای روزهای ماه رمضان وارد شده است که مهم‌ترین آنها دعایی است که شیخ طوسی در مصباح و سید ابن طاووس آن را نقل کرده‌اند و این گونه آغاز می‌شود:

اللهم هذا شهر رمضان الذي أنزلت فيه القرآن.⁽¹⁾

همچنین دعای دیگری هم برای روزهای ماه رمضان ذکر شده است که ابتدای آن شبیه به دعای بهاء (دعای سحر) است و پس از آن مشتمل بر درود بر پیامبر و اهل بیت آن حضرت و سایر پیامبران و فرشتگان بوده و بعد از آن، دعا برای پیامبر اکرم ' و ستایش آن بزرگوار است.⁽²⁾

دوم: ذکر خداوند متعال و تمجید آن ذات مقدس و بر شمردن نام‌های او، چه اینکه دعای خاصی هم با همین مضمون و برای روزهای ماه مبارک رمضان وارد شده است که مشتمل بر ده فقره و در هر فقره ده تسبیح از ذات مقدس خداوند است که به شرح کیفیت دیدن و شنیدن و خلقت و دانش و پادشاهی و سایر شئون خداوند متعال می‌پردازد.⁽³⁾

سوم: سلام و صلوات بر پیامبر و آل او که شیخ طوسی و سید ابن

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 202.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 213 - 214.

3. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 207.

عبادت های مقید به زمان خاص

طاووس هر کدام متن بدیع و زیبایی در مدح و ستایش و درود بر رسول خدا ' و خاندان معصوم او نقل کرده‌اند که با این آیه شریف آغاز می‌شود:

{إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} (1) لبیک یا رب العالمین. (2)

قسمت دوم: اعمال مختص

قسمت دوم از اعمال ماه مبارک رمضان اعمالی است که به شب یا روز معینی اختصاص یافته و این قسمت نیز به چند بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول: اعمال مخصوص استقبال از ماه مبارک رمضان.

بخش دوم: اعمال مخصوص به شب‌های بیض ماه مبارک رمضان.

بخش سوم: اعمال مخصوص به شب‌های قدر.

بخش چهارم: اعمال شب‌های دهه آخر ماه رمضان.

بخش پنجم: اعمال روزهای خاص.

(I) اعمال شب و روز اول ماه مبارک رمضان

اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت ^۸ عنایت خاصی به شب اول و همچنین روز اول ماه رمضان داشته‌اند و این امر در چند مصداق نمود

1. خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 210.

پیدا می کند:

اول: استهلال (اقدام برای رؤیت اولین هلال ماه) و استقبال از ماه رمضان، آنجا که روایات متظافری را می بینیم در این معنی که پیامبر اکرم ' و اهل بیت آن حضرت اهمیت خاصی به این کار می داده اند، تا جایی که این عمل از مستحبات مؤکد گردید،⁽¹⁾ دعاهایی هم با متن های مختلف برای این کار از پیامبر اکرم ' و سایر ائمه معصومین از اهل بیت پاک آن حضرت در این رابطه وارد شده است⁽²⁾ که شاید بهترین آنها دعای چهل و سوم صحیفه سجادیه باشد.

دوم: غسل و شستشوی خود، خصوصاً در آب جاری و ریختن سی مشت آب بر سر.

سوم: زیارت حضرت امام حسین ×.

چهارم: نماز، زیرا علاوه بر نوافل ماه مبارک رمضان که از این شب آغاز می شود دو رکعت نماز نیز در این شب وارد است که در آن، بعد از حمد یک مرتبه سوره انعام قرائت می شود و پس از نماز از خدا درخواست می شود هر بیماری و ترسی را از نمازگزار زایل نماید.

پنجم: دعا، که چندین دعای مختلف برای این شب مبارک وارد شده است، از آن جمله دعای حضرت امام جواد × که سید ابن طاووس نقل کرده است و چنین آغاز می شود: «اللهم یا من علیک التدبیر و هو علی

1. علامه قمی آورده است که بعضی از علما حکم به وجوب این کار نیز داده اند.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 215.

عبادت های مقید به زمان خاص

کلّ شيءٍ قدیر))، همچنین دعای شب آخر ماه شعبان.

در بعضی از نقل‌ها دعای جوشن کبیر و دعای حج نیز از دعاهاى این شب دانسته شده است.

روز اول ماه نیز به استثنای استهلال و زیارت حضرت امام حسین × به صورت کلی در سایر اعمال با شب اول اشتراک دارد اگر چه کیفیت نماز و متن دعای آنها مختلف است.

شیخ کلینی و شیخ طوسی و دیگران - طبق نقل علامه مجلسی - با سند صحیح از حضرت امام کاظم × دعای خاصی را برای روز اول ماه رمضان نقل کرده‌اند که این گونه شروع می‌شود:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ. (1)

(2) اعمال مخصوص به شب‌های بیض

شب‌های بیض و خصوصاً شب پانزدهم در سه ماه رجب و شعبان و رمضان در استحباب نماز خاصی مشترک هستند که در ضمن بیان اعمال ماه رجب آن را بیان داشتیم.

لکن علاوه بر آن، غسل و نمازهای دیگری نیز برای شب‌های بیض

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 217 - 221، در متن روایت دعای حضرت امام کاظم × از قول آن حضرت چنین آمده است که ((دع بهذا الدعاء في شهر رمضان في أول السنة؛ در ماه رمضان در ابتدای سال این دعا را بخوان)) و علماً از این عبارت روز یا شب اول ماه را برداشت کرده‌اند.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

ماه رمضان وارد شده و شب پانزدهم ماه دارای اعمال خاصی بدین شرح است:

الف - زیارت حضرت امام حسین × .

ب - نماز با دو دستور مختلف، یکی اینکه ده رکعت نماز در کنار قبر حضرت امام حسین × بعد از نماز عشا (غیر از نافله‌های ماه رمضان) که در هر رکعت بعد از حمد ده بار سوره توحید قرائت می‌شود. و دیگر صد رکعت نماز که در هر رکعت بعد از حمد ده بار سوره توحید قرائت می‌شود.⁽¹⁾

(3) اعمال شب قدر

ما در مبحث شب‌ها و روزهای متبرک در بخش ساختار شعائر به تفصیل از اعمال مشترک همه شب‌های سه گانه که احتمال شب قدر در آنها زیاد است و اعمال مختص به هر کدام از آنها بحث کرده‌ایم.

(4) اعمال دهه آخر ماه رمضان

چنان که پیشتر اشاره کردیم دهه آخر ماه مبارک رمضان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ آنجا که پیامبر اکرم ' در این دهه رختخواب خود را کناری می‌نهاد و کمر را برای عبادت محکم می‌بست. اعمال این دهه از ماه رمضان در واقع اوج گرفتن حرکت عبادی ماه مبارک رمضان است، به ویژه اگر به دقت ملاحظه شود که به احتمال قوی ممکن است، شب قدر در این دهه باشد.

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان/ 223.

عبادت های مقید به زمان خاص

در این شبها پاره‌ای از ادعیه و اعمال خاص وارد شده است.
از جمله اینکه برای هر یک از این شبها دعای خاصی وارد شده است، چه
اینکه دعاهایی هم وارد است که در هر ده شب خوانده می‌شود مانند دعای:

اللهم إنا نكثرت في كتابك المنزل شهر رمضان.

همچنین غسل در شب بیست و هفتم و دعایی مروی از حضرت امام
سجاد × که از اول شب تا آخر آن خوانده می‌شود:

اللهم ارزقني التجاني عن دار الغرور، و الإنابة إلى دار الخلود، و الإستعداد
للموت قبل حلول الفوت.⁽¹⁾

در شب و روز آخر ماه نیز مجموعه خاصی از اعمال وارد است که
در مقام وداع و خدا حافظی با این ماه شریف می‌باشد، از جمله:

الف - غسل شب آخر.

ب - زیارت حضرت امام حسین ×.

ج - قرائت سوره‌های انعام، کهف و یاسین.

د - صد مرتبه استغفار.

ه - خواندن متون دعایی که برای این شب وارد است و شاید بهترین
آنها دعای چهل و پنجم از صحیفه سجادیه باشد، و خوب است این
سخن حضرت امام صادق × را بگویند که:

1. خداوندا مرا توفیق دل‌کندن از خانه فریبنده دنیا و دل‌بستن به خانه شادمانی آخرت
و آمادگی برای مرگ پیش از رسیدن اجل روزی فرما.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

اللهم لا تجعله آخر العهد من صيامي لشهر رمضان، و أعوذ بك أن يطلع فجر هذه الليلة إلاّ و قد غفرت لي.⁽¹⁾

که آمرزیده خواهد شد.

(5) اعمال روزها و شب‌های خاص

علامه قمی از علامه مجلسی در زاد المعاد نمازهای خاصی را برای هر یک از شب‌های ماه رمضان، همچنین دعا‌های خاصی را برای هر یک از روزهای ماه مبارک رمضان ذکر نموده است که برای اطلاع از تفصیل آنها می‌توان به **مفاتیح الجنان** مراجعه کرد.⁽²⁾

ملاحظه: از این مرور اجمالی در اعمال ماه مبارک رمضان، آنچه در ابتدای این مبحث گفتیم کاملاً واضح و آشکار می‌شود که این ماه در میان سایر ماه‌ها از امتیاز ویژه‌ای که همین برنامه عبادی گسترده باشد برخوردار است؛ برنامه‌ای که هدف از آن، تکامل روحی و معنوی انسان صالح و تحقق هدف وجودی جامعه شیعه است که همان حاکمیت عبادت خدا بر زمین بوده و آنان را شایسته و آماده تعیین تصمیمات سرنوشت ساز در شب قدر و شب عید فطر می‌نماید؛ شبی که بر اساس روایات، شب گرفتن اجر و پاداش نام گرفته است.

1. خداوندا، این ماه را آخرین روزه من در ماه رمضان قرار نده، و به تو پناه می‌برم از اینکه سپیده این شب بدمد مگر اینکه مرا آمرزیده باشی.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 238 - 242، به توضیح علامه قمی در صفحه 242 دقت شود.

[2] برنامه عبادی حج و دهه اول ذی حجّه

حج از مهم‌ترین عبادات اسلام است و در پاره‌ای از روایات آمده است که این عبادت پس از نماز در درجه دوم اهمیت و فضیلت قرار داشته و یکی از دو جهاد است.

شیخ کلینی با سند معتبر از عبدالله بن یحیی کاهلی نقل می‌کند که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که چون از حج سخن به میان آمد فرمودند:

پیامبر اکرم ' فرموده است: حج یکی از دو جهاد است، حج جهاد ضعفا است و ضعفا ما هستیم. بدانید که جز نماز چیزی بالاتر از حج نیست، در میان مناسک حج نماز وجود دارد اما در نماز حج نیست.⁽¹⁾

حج ستون خیمه دین و قوام وجود آن می‌باشد؛ در حدیث وارد است که:

لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة.⁽²⁾

تا کعبه در میان مسلمانان برپا است دین نیز برپا است.

این عبادت دارای ریشه‌ای تاریخی است که به قبل از خلقت آدم باز می‌گردد، اگر چه دعوت مردم به حج و اصولاً وجوب آن بر مردم از زمان حضرت ابراهیم × آغاز شده است.

در همین رابطه شیخ کلینی با سند معتبر از حضرت امام صادق ×

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 77، ح 2 به نقل از فروع کافی.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 14، ح 5 به نقل از فروع کافی، سند حدیث نیز معتبر است.

نقل کرده است که فرمود:

چون آدم از منی به راه افتاد گروهی از فرشتگان با وی دیدار کرده و به وی گفتند: ای آدم، حجت قبول باد، بدان که ما دو هزار سال قبل از اینکه تو حج بگذاری، به حج این خانه نایل شده‌ایم.⁽¹⁾

و باز با سند صحیح از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

چون ابراهیم و اسماعیل ' به ساختن خانه کعبه فرمان یافته و کار ساخت آن به پایان رسید، ابراهیم در رکن نشست و ندا در داد که: به حج بشتاب، و اگر این جمله را به صورت جمع به کار می‌برد جز انسان‌هایی که در آن زمان خلقت شده و زنده بودند کس دیگری حج به جا نمی‌آورد، اما او گفت: به سوی حج بشتاب⁽²⁾ بنا بر این حتی مردمی که در پشت پدران بودند نیز ندای او را چنین پاسخ دادند که: لیبیک‌ای فرا خواننده به سوی خداوند عزّ و جلّ؛ کسانی که ده بار لیبیک گفتند در عمر خود ده بار موفق به حج گشته، آنان که پنج مرتبه لیبیک گفتند پنج مرتبه توفیق این سفر را می‌یابند و هر کس که بیشتر لیبیک گفته باشد به تعداد لیبیک‌های خود، کسی که یک بار لیبیک گفته باشد یک بار و کسی

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 5، ح 6 به نقل از فروع کافی.

2. فرق میان مفرد و جمع در این دو جمله این است که در مفرد، اسم جنس مورد خطاب قرار گرفته و اسم جنس شامل معدومین نیز می‌شود - مترجم.

که لیبیک نگفته باشد موفق به حج خانه خدا نخواهد گردد.⁽¹⁾

یک بار رفتن به حج در طول مدت عمر برای هر انسان بالغ مستطیع که توان مالی رفتن به این سفر را داشته و این کار موجب به هم خوردن اوضاع معیشتی زندگی او یا سختی و تنگنا در زندگی شخصی وی نگردد، واجب است. در عین حال تکرار این عمل از استحباب بسیار مؤکدی برخوردار بوده و از بسیاری از عبادات بافضیلت تر است.⁽²⁾

تعطیل کردن کعبه و حج جایز نبوده و بر ولی امر مسلمین است که مردم را برای به جا آوردن این واجب الهی وادار نموده و در صورت عدم امکان این امر به صورت عادی و طبیعی، برای انجام این امر هزینه کند.

در این زمینه تفاسیل و جزئیات بسیاری هست که فقها در کتاب الحج از دوره های فقهی خود، همچنین در رساله های عملیه ای که مختص به اعمال حج بوده و مناسک حج نام دارد، به آنها پرداخته اند.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 5، ح 9.

2. در اخبار وارد شده است که حج از آزاد کردن بنده و دادن صدقه و جهاد - چنان که بعد هم به آن اشاره خواهیم نمود- با فضیلت تر بوده و مستحب است که حج را بر سایر نیازهای دنیوی مقدم دارند و دیگر تفاسیلی که نشان از قدر و قیمت بالا و امتیاز ویژه این عمل مقدس در دیدگاه اهل بیت ^ع دارد، را: بروجردی، جامع احادیث الشیعه 149 / 10 - 216 ابواب فضائل حج.

1. اقسام حج

تقریباً همه مسلمانان بر اینکه حج سه نوع می‌باشد همچنین بر اعمال اصلی این سه نوع حج اتفاق نظر دارند که این امر از برکات الهی بر امت اسلام و نشانه وحدت این امت می‌باشد. این سه عبارتند از:

1. حج تمتع، که از برترین و مهم‌ترین انواع حج بوده و بر افرادی که در مناطقی دورتر از محدوده تقریباً نود کیلومتری مکه زندگی می‌کنند واجب است: اینها همان کسانی هستند که خداوند در قرآن کریم از آنان بدین سان یاد نموده است:

{ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ}

این احج تمتع [برای کسی است که اهل مسجد الحرام (مکه)] نباشد

و در اصطلاح فقها به چنین افرادی (اهل آفاق) گفته می‌شود.

2. حج افراد، به این ترتیب که حاجی از خانه خود یا از میقات احرام بسته و پس از آن، یک عمره مفرده به جا می‌آورد، این نوع از حج مخصوص کسانی است که در محدوده حرم و نزدیک به مکه زندگی می‌کنند و تفاوت آن با حج تمتع علاوه بر مسئله احرام، این است که در این نوع حج قربانی وجود ندارد.

3. حج قرآن، این حج تقریباً مانند حج افراد است با این تفاوت که حاجی از ابتدای احرام قربانی با خود همراه می‌کند و علامتی بر آن می‌گذارد و تا روز عید که آن را قربانی کند آن را همراه خود نگاه می‌دارد.

2. اعمال حج تمتع

خلاصه اعمال حج تمتع این است که حاجی از یکی از پنج میقات که پیامبر اکرم ' برای اهل آفاق معین فرموده است مُحرم می‌شود؛ این پنج میقات از این قرار هستند: ذوالحلیفه برای اهل مدینه و کسانی که از راه مدینه به مکه می‌آیند، جُحفه برای اهل شام و کسانی که از راه شام به مکه می‌آیند، یَلَمَم برای اهل یمن و کسانی که از راه یمن به مکه می‌آیند، قَرْنُ الْمَنَازِل برای اهل نجد و کسانی که از این راه به مکه می‌آیند و عَقِيق برای اهل عراق و کسانی که از راه عراق به مکه می‌آیند.

احرام نیز این است که انسان از لباس‌های معمولی خود خارج شده و لباس احرام بپوشد؛ این لباس عبارت است از دو پارچه دوخته نشده که به صورت لنگ و رودوشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، حاجی پس از پوشیدن احرام لبیک عمره را بر زبان جاری می‌کند:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، اِنَّ الْحَجَّ وَالْعَمْرَةَ لَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛⁽¹⁾

پس از این مرحله، باید که از برخی کارهای حلال و حرام همچون همبستر شدن با زنان، استفاده از بوی خوش، پوشیدن لباس، پوشاندن سر، گناه، جدال، شکار و... خودداری کند.

سپس به مکه آمده و هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف می‌کند؛ وی باید طواف را از رکن حجر الأسود آغاز و به همان مکان ختم نماید،

1. لبیک ای خدای من لبیک، لبیک که تو شریکی نداری لبیک، همانا که حج و عمره از آن تو است و تو انبازی نداری.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

سپس در کنار مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف به جا آورد.

سپس به کوه صفا رفته و از آنجا به سوی کوه مروه و بالعکس هفت مرتبه سعی (پیاده روی) کند؛ صفا و مروه دو کوه کوچک هستند که سعی میان آنها چهار مرتبه از صفا به سوی مروه و سه مرتبه از مروه به سوی صفا انجام شده و به مروه ختم می‌گردد.

بعد از این عمل، حاجی تقصیر می‌کند؛ یعنی مقداری از مو، یا ناخن خود را می‌چیند.

بعد از تقصیر از حالت احرام خارج شده و به حالت عادی خود برمی‌گردد و منتظر وقت حج می‌شود؛ روز هشتم ذی الحجه، زمانی است که دوباره رفتن به حالت احرام بر او واجب شده، از مکه مکرمه مَحْرَم گردیده و به قصد عرفات خارج می‌شود و از ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب آفتاب همان روز در آن سرزمین توقف می‌نماید که این عمل وقوف در عرفات نام دارد.

پس از غروب آفتاب از عرفات حرکت کرده شب را تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام توقف می‌نماید.

در روز دهم به منی رفته و با هفت سنگریزه که در مشعر الحرام جمع نموده جَمَره عقبه را می‌زند، سپس قربانی خود را که گوسفند، گاو یا شتر است ذبح نموده، موی سر خود را تراشیده یا تقصیر کرده و به جز در مورد زنان و استفاده از عطر، از حالت احرام خارج می‌شود.

آنگاه به مکه بازگشته و هفت دور طواف کرده، در مقام ابراهیم دو

عبادت های مقید به زمان خاص

رکعت نماز خوانده، هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی می‌کند و در اینجا استفاده از بوی خوش بر وی حلال می‌گردد.

در پایان طواف دیگری بر عهده او باقی می‌ماند که با انجام این طواف زنان بر وی حلال می‌گردند و این طواف در مصطلحات فقه اهل بیت [^] طواف نساء و در فقه عامه طواف وداع نامیده می‌شود.

چه اینکه بر حاجی است در شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه از سر شب تا نیمه آن و یا حداقل از نیمه تا آخر شب را در منی بیتوته کند، و مستحب است که شب سیزدهم را نیز در منی بماند که در بعضی حالات این کار واجب نیز می‌شود.

همچنین بر وی واجب است که در روزهای یازدهم و دوازدهم و برای کسی که شب سیزدهم را در منی مانده است در روز سیزدهم، جمرات اولی (کوچک)، وسطی و عقبه - که در روز عید هم آن را رمی کرده - را هر کدام با هفت سنگریزه، رمی نماید.

این تصویر مجمل و خلاصه‌ای بود از حج تمتع و تکالیف واجب آن از دیدگاه فقه اهل بیت [^] و جزئیات بسیار و مستحبات و واجبات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که اینجا مجال ذکر آنها نیست.

این تصویر به غیر از برخی جزئیات اندک یا امور اختیاری، یا عقب و جلو شدن برنامه‌ها در آثار و تبعات یا شروع در اعمال، تقریباً با آنچه سایر مذاهب اسلامی بدان معتقد هستند مطابق می‌باشد.

3. ویژگی‌های حج

در اینجا می‌توانیم به برخی ویژگی‌های حج اشاره کنیم که این عبادت را از سایر عبادات ممتاز نموده و به بیان سه ویژگی اکتفا می‌کنیم:

اول: این عبادت در بر دارنده چندین عبادت است، مانند نماز، روزه، جهاد و زکات، طواف خانه خدا، که گذشته از نماز طواف، خود طواف نیز نوعی نماز به شمار می‌آید، احرام بستن و تقید به محرّمات آن، همچون خودداری از شهوات و طیبّیات نیز خود نوعی روزه و امساک است، همچنین خرج کردن پول برای سفر و خرید قربانی هم به نوعی زکات بوده و تحمل مشقات سفر و اعمال خسته کننده نیز نوعی جهاد به حساب می‌آید، علاوه بر عبادات دیگری نظیر وقوف، رمی، تراشیدن سر و... که همگی دارای طبیعت ویژه‌ای بوده و در سایر عبادات نظیر آنها را نمی‌توان دید.

دوم: فعالیت اجتماعی گسترده در این عبادت؛ آنجا که حاجیان مسلمان از همه طبقات امت اسلام از راه‌های دور و نزدیک در روزهای خاصی به صورت دسته جمعی برای انجام یک وظیفه واجب به یک مکان خاص روی آورده و به ندای الهی که ابراهیم × آن را سر داد لبیک می‌گویند؛ آنان همه به یک شکل و شیوه حرکت می‌کنند که نشانه مساوات حقیقی میان همه افراد بشر بوده و به صورت عملی وحدت امت را محقق می‌نماید.

سوم: تنوع اهداف مورد نظر از این عبادت، در عرصه فردی یا اجتماعی،

عبادت های مقید به زمان خاص

مادی یا معنوی و یا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، تربیتی و اخلاقی.

توضیح این مطلب اگر چه نیازمند بحث گسترده‌ای است اما خوب است که ما در این زمینه به برخی روایات اهل بیت [^] که بعضی از ابعاد روحی، معنوی و مادی، همچنین اهداف مقدسی که برای این عبادت شریف در نظر گرفته شده پرداخته‌اند، اشاره‌ای داشته باشیم:

از حضرت امیرالمؤمنین × روایت شده است که فرمود:

و حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد؛ همان خانه‌ای که آن را قبله گاه انسان‌ها قرار داده که چون تشنگان به سوی آن روی آورده و همچون کبوتران به آن پناه برند. خداوند سبحان کعبه را مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد و شنوندگانی را در میان انسان‌ها برگزید که دعوتش را برای حج خانه‌اش اجابت کنند و سخنش را تصدیق نمایند و پا جای پای پیامبران الهی گذارند و مانند فرشتگانی شوند که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند؛ آنان از این تجارتخانه عبادت سوده‌های فراوان برده و به سوی وعده گاه آمرزش می‌شتابند. خداوند سبحان کعبه را نشانه اسلام و خانه امن و امان پناه جویان قرار داده، حقش را لازم و حجتش را واجب شمرده و بر همه شما لازم گردانیده است که به سوی آن بشتابید و فرمود: (و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد.⁽¹⁾

1. نهج البلاغه / خطبة اول.

امام رضا × فرمود:

اگر کسی گفت: چرا خداوند حج خانه خود را بر بندگانش واجب کرده است؟ باید به او گفت: برای کوچ کردن بندگان به سوی پروردگار خود و بیشتر خواستن از او و بیرون رفتن از گناهایی که انجام داده و توبه از آنچه در گذشته انجام داده و آغاز کردن زندگی جدیدی در آینده. به اضافه مسائل دیگری که در این عمل عبادی وجود دارد، مانند هزینه کردن اموال، خستگی بدنی، دوری از اهل و عیال، بازداشتن نفس از لذت‌ها، پوشیدن یک لباس ثابت و حرکت کردن با آن در سرما و گرما، احساس خضوع و نیازمندی و ذلت، به همراه منافعی که برای عموم مردم در این عمل نهفته است چرا که این کار ترس مردم از خدا و امید آنان به وی را باهم افزایش داده، مردم در هنگام انجام این عمل قساوت قلب، زیان کاری نفس و فراموشی ذکر را به کناری نهاده، امید از غیر خدا برداشته، حقوق واجب خود را بار دیگر رسیدگی نموده، خود را از هر گونه فسادی که ممکن است از ناحیه آنان به دیگر مردمان برسد نگاه می‌دارند.

این عمل همچنین دارای منافع مادی برای مردم است از حاجیان باشند یا نباشند؛ آنان که در دریا یا خشکی زندگی می‌کنند، از تاجر و کاسب و فروشنده و مشتری گرفته تا نیازمند و چاروادار و فقیر، و نیز موجب رفع نیاز مردم گوشه و کنار جهان می‌گردد که جز در چنین اجتماعی امکان گرد هم آمدن را ندارند، به علاوه که امکان فراگیری دانش دینی و نشر و تعلیم دانش و اخبار ائمه [^] به نقاط مختلف، چنان که خداوند متعال فرموده است: {پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی

پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند - باشد که آنان [از کيفر الهی] بترسند؟ * تا شاهد منافع خویش باشند}.

اما اگر گفته شود که: پس چرا حج ایا این عظمت [تنها یک بار در تمام عمر بر هر مسلمان واجب شده است؟ باید گفت: که خداوند عزّ و جلّ حج را با در نظر گرفتن افراد ناتوان از بندگان خود یک مرتبه قرار داده است چنان که در باره قربانی فرموده است (آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید]) و این یعنی یک گوسفند که قوی و ضعیف توان انجام آن را دارند، سایر واجبات نیز به همین صورت است و با در نظر گرفتن ضعیف ترین فرد وضع شده، حج نیز به همین دلیل تنها یک بار بر هر فرد مسلمان واجب شده است، سپس خداوند متعال کسانی را که توان بیشتری دارند تشویق نموده است که به اندازه وسع خود، بیشتر به این عمل بپردازند.⁽¹⁾

حضرت امام رضا × در نامه‌ای که در پاسخ به سؤالات وی برایش مرقوم فرمودند، در باره علت حج چنین آورده‌اند:

کوچ کردن بنده خدا به سوی پروردگار خود و بیشتر خواستن از او و بیرون رفتن از گناهایی که انجام داده و توبه از آنچه در گذشته انجام داده و آغاز کردن زندگی جدیدی در آینده. به اضافه مسائل دیگری که در این عمل عبادی وجود دارد، مانند هزینه کردن اموال، خستگی بدنی، بازداشتن نفس از شهوت‌ها و لذت‌ها، سفر کردن در سرما و گرما و در

حال امنیت و ترس و همواره به این حال بودن، به همراه منافعی که برای عموم مردم در این عمل نهفته است چرا که این کار ترس مردم از خداوند عزّ و جلّ و امید آنان به وی را باهم افزایش داده، و در اثر انجام آن، قساوت قلب، زیان کاری نفس و فراموشی ذکر به کناری نهاده می‌شود، امید از غیر خدا برداشته شده، مردم حقوق واجب خود را بار دیگر رسیدگی نموده، خود را از هر گونه فسادى که ممکن است از ناحیه آنان به دیگر مردمان برسد نگاه می‌دارند. این عمل همچنین دارای منافع مادی برای مردم است از حاجیان باشند یا نباشند؛ آنان که در دریا یا خشکی زندگی می‌کنند، از تاجر و فروشنده و مشتری گرفته تا نویسنده و نیازمند، و نیز موجب رفع نیاز مردم گوشه و کنار جهان می‌گردد که جز در چنین اجتماعی امکان گرد هم آمدن را ندارند. و نیز موجب می‌شود تا مردم منافع خود را باز شناسند. و علت اینکه حج تنها یک بار در تمام عمر بر هر مسلمان واجب شده، این است که خداوند عزّ و جلّ فرایض را با در نظر گرفتن افراد ناتوان از بندگان خود وضع نموده و از جمله این واجبات حج است، سپس خداوند متعال کسانی را که توان بیشتری دارند تشویق نموده است که به اندازه وسع خود، بیشتر به این عمل بپردازند.⁽¹⁾

4. ویژگی‌های دیدگاه اهل بیت [^] در باره حج

حال پس از مرور مختصری که نسبت به اعمال و ویژگی‌های حج داشتیم خوب است به صورت مختصر به ویژگی‌های دیدگاه و نظریه اهل بیت [^] در باره حج و آنچه دیدگاه آنان را از سایر دیدگاه‌ها و نظریاتی که در این باره ابراز شده متمایز می‌نماید، همچنین درکی که آن بزرگواران از نقش این عبادت در زندگی امت اسلام و به خصوص طایفه امامیه داشتند نیز اشاره‌ای بنماییم.

البته نباید این نکته را که قبلاً نیز بر آن تأکید کرده‌ایم از نظر دور داشت که این عبادت در نزد همه مسلمانان جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از شعائر و عباداتی به شمار می‌رود که همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر داشته و از موارد اتحاد کلمه و نشانه وحدت و انسجام کیان امت اسلام است و ویژگی‌هایی که حال می‌خواهیم به آن اشاره کنیم، ویژگی‌هایی اضافی است که به فهم کلی مسلمانان از این عمل اضافه می‌شود.

(1) گستردگی دایره اهمیت: در سخنان اهل بیت [^] در رابطه با حج گستردگی و فراگیری قابل ملاحظه‌ای وجود دارد به گونه‌ای که همه شئون و جزئیات حج را در بر می‌گیرد؛ از ارائه تصویر کلی از حج گرفته تا تاریخچه حج، فضیلت حج، ارزش حج و نقش و اهداف آن، و همچنین بیان احکام فقهی اعمال حج و اقسام آن، و مسائل جدیدی که ممکن است مسلمانان دچار آنها شده و ارائه راه حل برای آنها.

با مقایسه ساده و سریعی میان روایاتی که در این زمینه از اهل

تقسیم اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

بیت [^] وارد شده و یا آن بزرگواران آنها را مستقیم یا غیر مستقیم از پیامبر اکرم ['] نقل نموده‌اند، با روایاتی که از طریق عامه و غیر اهل بیت [^] در همین باره وارد شده است می‌توان این مطلب را به روشنی دریافت؛ آنجا که روایات اهل بیت [^] در این زمینه از لحاظ کمی⁽¹⁾ و کیفی چند برابر آثار وارده از طریق عامه است.

شاید این دو نمونه روایت اشاره آشکاری بر این حقیقت باشد:

اول: روایتی که کتاب‌های حدیث شناخته شده در نزد عامه از حضرت امام باقر \times از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که در آن به بیان تفصیلی حج رسول خدا ['] پرداخته و به جزئیاتی اشاره کرده است که در هیچ یک از روایات نقل شده در کتاب‌های حدیثی مانند آن را نمی‌توان دید و می‌تواند در موضوع حج مبنای فقهی همه مکاتب فقه اسلامی قرار گیرد.⁽²⁾

دوم: روایتی که شیخ صدوق با سند معتبر از زراره بن اعین نقل کرده است که گفت:

به حضرت امام صادق \times عرض کردم: خداوند مرا قربانت گرداند، چهل سال است که در باره حج از شما مسئله می‌پرسم و شما به من پاسخ می‌دهید.

1. صاحب کتاب جامع احادیث الشیعه در رابطه با روایاتی که به موضوع تاریخچه و فضیلت و شئون کلی حج پرداخته است - به عنوان مثال - سی روایت را نقل کرده است.
2. التاج الجامع للأصول 2 / 153، به نقل از صحیح مسلم و سنن ابو داود.

فرمود:

ای زراره، توقع داری مسائل مربوط به خانه‌ای که دو هزار سال قبل از خلقت آدم محل حج بوده را در مدت چهل سال به اتمام برسانی.⁽¹⁾

این روایت به صورت زیبا و آشکار پرده از گستردگی دایره اهتمام عملی اهل بیت [^] به مسائل حج و تفسیر آن با جنبه تاریخی این عبادت شریف، برمی دارد.

(2) گستردگی محتوای عبادی: در کنار اهتمام گسترده اهل بیت [^] به حج می‌بینیم که ایشان به غنی سازی محتوی و مضمون عبادی همه اعمال و مناسک آن نیز اهتمام خاص ورزیده‌اند، تا جایی که کمتر عملی از اعمال حج را می‌توان یافت که حاجی به آن بپردازد و در کنار آن نماز و دعایی قبل، بعد و یا همراه آن از اهل بیت [^] وارد نشده باشد، بلکه دستورات سازنده اهل بیت [^] از آن هنگام که حاجی تصمیم به انجام این عمل عبادی می‌گیرد، تا وقتی که از این سفر روحانی باز می‌گردد، همواره همراه او است و در این باره صدها روایت از آن بزرگواران وارد گردیده است.⁽²⁾

ان شاء الله در بخش آینده بعضی از موارد و جزئیات این محتوای گسترده را بیان خواهیم نمود.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 7 / 8، ح 12 به نقل از من لا یحضره الفقیه.

2. رك: حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 248 - 338، ابواب آداب السفر الی الحج که در مجموع شصت و هشت باب را شامل می‌گردد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

(3) زیارت پیامبر '، ائمه [^] و مساجد: سومین ویژگی دیدگاه اهل بیت [^] در باره حج این است که به اعتقاد آن بزرگواران، زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ' و مسجد شریف نبوی موجب تکمیل شدن حج بوده و این همان کاری است که همه مسلمانان نیز امروزه به صورت کلی به انجام آن مبادرت میورزند⁽¹⁾، اما اهل بیت که سلام خداوند بر آنها باد به این موضوع اهمیت کمی و کیفی خاصی بخشیده‌اند.

به لحاظ کمی می‌توان گفت که اهل بیت [^] نسبت به زیارت ائمه هدی از اهل بیت رسول خدا ' که در قبرستان بقیع مدفون هستند، تشویق و ترغیب خاصی انجام داده‌اند؛ این امامان عبارتند از حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب، حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین، فرزندش حضرت امام محمد باقر و فرزند ایشان حضرت امام جعفر صادق [^].

همچنین زیارت مادر گرامی آن بزرگواران، حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا ÷ که در خانه خود در شهر مدینه و در کنار مسجد

1. البته به استثنای نظریه وهابیان که بار سفر بستن برای زیارت قبر پیامبر اکرم ' را تحریم نموده و خروج از خانه به قصد زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم ' را تنها برای کسانی که در مدینه سکونت دارند جایز می‌شمارند، بلی اگر خروج از خانه و بار سفر بستن به قصد و نیت زیارت مسجد شریف نبوی باشد و زیارت پیامبر اکرم ' به صورت امری حاشیه‌ای در کنار آن انجام شود به نظر آنها جایز است.

عبادت های مقید به زمان خاص

مقدس نبوی مدفون گردیده⁽¹⁾ است، و چنین است زیارت همسران پیامبر، فاطمه بنت اسد مادر گرامی حضرت امیرالمؤمنین ×، بقیه اصحاب صالح پیامبر، شهدای جنگ احد که در رأس آنها حضرت حمزه بن عبدالمطلب عموی گرامی پیامبر اکرم ' می باشد.

علاوه بر همه اینها می بینیم که در روایات اهل بیت ^ به مساجد رسول خدا و مکان هایی که آن حضرت در آنها نمازی خوانده، دعایی کرده یا توقفی داشته و یا مکان هایی که حوادث تاریخی در آنها روی داده یا کرامات خداوندی در آنها به ظهور رسیده است نیز اهمیت ویژه ای داده شده است.

در صدر همه این مکانها به ترتیب مسجد قبا، مسجد فتح، مسجد قبلتین، مسجد احد، مسجد علی × مسجد سلمان فارسی، مسجد فاطمه زهرا ÷ مسجد غمامه، مشربه ام ابراهیم و دیگر مساجد و مکانهای متبرک شهر مدینه قرار دارد.

همچنین در شهر مکه زیارت منطقه آبطح که قبر حضرت ام المؤمنین

1. در مورد محل دفن حضرت زهرا ÷ چند احتمال وجود دارد و احتمال قوی تر آن است که آن حضرت در خانه خود به خاک سپرده شده باشد، احتمال هم می رود که قبر مطهر آن حضرت در قبرستان بقیع باشد، این امر نیز به شرایط سیاسی زمان شهادت آن بانوی بزرگوار بازگشت می کند که آن حضرت به همسر خود حضرت امیرالمؤمنین × وصیت نمود که محل دفنش را مخفی نگاه دارد و به شیخین اجازه شرکت در تشییع جنازه او را ندهد؛ چرا که آن حضرت تا پایان عمر از آنها در خشم بوده و این امر در روایاتی که همه فرق و مذاهب مسلمان آنها را روایت نموده اند مورد تصریح قرار گرفته است.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

خدیجه و حضرت ابوطالب و صالحان دیگری در آن واقع است، یا دیدار از شعب ابی طالب، غار حرا، خانه زید بن ارقم، دار الندوه، و سایر اماکن مهم تاریخی و مقدس که یادآور عزت و شرف و فداکاری مسلمانان صدر اسلام و سختیها و مشقاتی است که رسالت اسلام با آن رو به رو بوده و مسلمانان عصر حاضر را با این تاریخ سترگ پیوند داده و روح همت و به پا خاستن را در آنان برانگیخته، ایشان را به پیروزی و استقلال و کرامت گذشته باز می گرداند.⁽¹⁾

اما از لحاظ کیفی نیز باید گفت که اهل بیت [^] زیارت پیامبر اکرم ' و امامان از خاندان او را موجب کامل شدن و اتمام حج دانسته اند، چه اینکه روایاتی در این رابطه از آنان نقل شده که قبلا در مبحث زیارت پیامبر اکرم ' به برخی از آنها اشاره کرده ایم.

حضرت امام رضا × فرمود:

همانا برای هر امامی بر گردن اولیا و پیروانش عهدی است و از نشانه های وفای کامل به آن عهد و پیمان، زیارت قبر آن پیشوایان است، بنا بر این هر کس با شوق به زیارت قبر آنان رفته و در دل آنچه مورد رضایت و نظر آن پیشوایان بوده را تصدیق نماید، آن پیشوایان شفیعان او

1. اما با کمال تأسف آنچه امروزه مشاهده می شود این است که تمام تلاش ها در راستای محو این آثار و پوشیده نگاه داشتن آنها به کار گرفته می شود به گونه ای که در ایام حج نه تنها اهمیتی به این امور داده نمی شود بلکه طی برنامه سازماندهی شده ای سعی می شود تا حاجیان از این نمادها دور نگه داشته شوند.

عبادت های مقید به زمان خاص

در روز قیامت خواهند بود.⁽¹⁾

همچنین از اسماعیل بن مهران، از حضرت امام صادق × نقل شده که فرمود:

إذا حجَّ أحدكم فليختم حجَّه بزيارتنا، لأنَّ ذلك من تمام الحج.⁽²⁾

هر گاه یکی از شما حج به جای آورد، باید حج خود را با زیارت ما خاتمه دهد که این باعث کامل شدن حج او می شود.⁽³⁾

و از حضرت امیرالمؤمنین × نیز (در حدیث اربعمائه) نقل شده است که فرمود:

حج خود را با زیارت رسول خدا ' به پایان برسانید که ترک این عمل جفا است، همچنین با زیارت قبرهایی که خداوند عزّ و جلّ شما را به زیارت و ادای حق آنها الزام کرده است و در کنار آن قبور از خدا روزی بخواهید.⁽⁴⁾

شیخ کلینی نیز در کافی از حضرت امام باقر × روایت کرده است که فرمود:

-
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 253، ح 5.
 2. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 254، ح 7.
 3. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 254، ح 7.
 4. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 254، ح 10.

تقسیم اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

تمام الحج لقاء الإمام. (1)

تکمیل حج به دیدار امام است.

(4) مشخص بودن مواضع عام سیاسی: چهارمین ویژگی دیدگاه اهل بیت [^] به حج این است که آن بزرگواران تلاش می‌کردند تا حج اجتماع سالانه‌ای باشد که مسلمانان در آن، مواضع عام سیاسی و موارد مهمی را که برای همه مسلمانان از اهمیت برخوردار است بشناسند.

آنان این عقیده را از پیامبر اکرم ' و قرآن مجید گرفته‌اند.

در این زمینه باید به این مسئله اشاره کرد که در اولین سالی که مسلمانان بعد از فتح به سفر حج رفتند سوره براءت نازل شد تا قرآن مجید و پیامبر اکرم ' موضع مهم سیاسی خود را که همانا براءت از مشرکان بود بدین وسیله آشکار نمایند.

و در حجة الوداع نیز می‌بینیم که خطبه پیامبر در منی نیز متضمن مفاهیم سیاسی و اجتماعی بوده است.

همچنین در پایان این سفر بود که آن حضرت ولایت حضرت علی ^x را در غدیر خم آشکار کرد و این مطلب از اموری است که همه دانشمندان مسلمانان آن را روایت کرده‌اند؛ آنجا که فرمود:

من كنت مولاة فهذا عليّ مولاة. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه (1)

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 254/10، ح 12.

عبادت های مقید به زمان خاص

هر کس من مولا و سرپرست او هستم این علی نیز مولا و سرپرست او است، خداوندا، هر که او را مولای خود بداند دوست بدار و هر کس او را دشمن می‌دارد دشمن بدار.

روایات گذشته نیز که در رابطه با اهداف حج آنها را بیان داشتیم، به همین هدف و راهکار عملی این عبادت اشاره دارند.

و این از اموری است که داخل در طبیعت و ذات این عبادت شریف و این اجتماع بزرگ سالانه است که نخبگان امت اسلام و نیز افراد صاحب قدرت و استطاعت در آن گرد هم می‌آیند.

(5) دیدار امام و رهبری اسلامی: پنجمین ویژگی دیدگاه اهل بیت[^] در حج، اهتمام ورزیدن به دیدار امام و ملاقات با او در هنگام حیات وی و استفاده از نصایح و ارشادات ایشان و کسب مواضع تفصیلی در برابر قضایای مختلف از او، همچنین ارائه گزارش از عملکرد و فعالیت‌های مؤمنان و طرح مسائل و مشکلات عام و خاص خود با او و دیگر مسائلی است که مقتضای چنین رابطه مستقیمی می‌باشد؛ رابطه امام و مأموم که در جامعه اسلامی و ایجاد جامعه شیعی بسیار مهم است.

امام محمد باقر × فرمود:

إنما أمر الناس أن يأتوا هذا الأحجار فيطوفوا بها ثم يأتوا فيخبرونا بولايتهم
و يعرضوا علينا نصرتهم⁽²⁾

1. هاشم معروف الحسنى، اصول التشيع / 39 حديث غدیر، چاپ بيروت.

2. حر عاملی، وسائل الشيعه 10 / 252، ح.1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

مردم تنها به این جهت فرمان یافته‌اند تا به زیارت این سنگ‌ها بیایند و به دور آنها طواف کنند که پس از آن، نزد ما بیایند و ما را از ولایت خود با خبر کرده، یاری خود را به ما عرضه بدارند.

در تعدادی از روایات دیگر نیز به همین مطلب اشاره شده است؛ این امر، تأکیدی است بر اهمیت این خط مشی و گرایش سازمانی طایفه امامیه از طریق موسم شریف حج، که خود از جمله عبادات انسان مؤمن محسوب شده است.

این گرایش تشکیلاتی، خود یک اصل اسلامی است که اهل بیت [^] - همان گونه که پیشتر نیز اشاره کردیم⁽¹⁾ - آن را با ایجاد نظام جامعه شیعه پیاده کرده‌اند؛ آنجا که ارتباط میان بدنه امت با رهبری اسلامی و تعهد و پای بندی به میثاق و پیمانی که با رهبر می‌بندند، تا اوامر و راهنمایی هایش را به جان و دل پذیرفته و همواره از یاریش دریغ ندارند، اصلی از اصول اسلام است که قرآن کریم مسلمانان را به آن، فرا خوانده است:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ }⁽²⁾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید، و بدانید که خدا

1. این موضوع در باب سوم که ساختار کلی جامعه شیعه بود، در بخش روابط مطرح شده است.

میان آدمی و دلش حایل می‌گردد، و هم در نزد او محشور خواهید شد.

(6) حج، جهاد ناتوانان: در برخی از روایات از پیامبر اکرم ' نقل شده است که فرمود: «حج به منزله جهاد است، البته این فرمایش ایشان در باره بانوان بود که اسلام فریضه واجب جهاد ابتدایی را از ایشان برداشته است. بخاری از عایشه نقل می‌کند که به پیامبر اکرم ' عرض کرد:

ای پیامبر خدا ما جهاد را برترین عبادات می‌دانیم، آیا ما (زنان) را جهادی نیست؟

فرمود: نه، اما برترین جهاد یک حج قبول شده است⁽¹⁾

نسایی نیز این حدیث را با عبارت:

أحسن الجهاد و أجمله حجّ البيت.⁽²⁾

بهترین و زیباترین جهاد حج خانه خدا است. آورده است.

و نسایی این حکم را به افراد مسن، خردسالان، ناتوانان و بانوان تعمیم داده است.⁽³⁾

در این راستا می‌یابیم که اهل بیت [^] به این جنبه از حج نیز ابعاد گسترده تری بخشیده‌اند، به گونه‌ای که همه شیعیان را که در شرایط

1. التاج الجامع للأصول 2 / 106 - 107

2. التاج الجامع للأصول 2 / 106 - 107

3. التاج الجامع للأصول 2 / 107 در پاورقی.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

استثنایی به دلایل مختلف شرعی و اخلاقی توان جهاد را ندارند نیز شامل می‌گردد؛ اهل بیت [^] با هدف حفظ روحیه جهاد و روح عبادی آن، همچنین ضرورت پرداختن به جهاد در همه حالات و با الهام از موضع رسول خدا در باره جهاد و درک آن حضرت از محتوای این عبادت، به اتخاذ این خط مشی مبادرت نموده‌اند.

شیعیان اهل بیت [^] همواره با شرایط استثنایی سیاسی مواجه بوده‌اند؛ حاکمان ستمگر در چنین شرایطی همواره در صدد به راه انداختن جنگ بودند؛ جنگ‌هایی که از هیچ توجیه شرعی برخوردار نبوده، هیچ یک از اهداف اسلامی را تعقیب ننموده و بلکه صرفاً با هدف افزایش حوزه حکومت و سلطه و کسب درآمد و مالیات افزون‌تر (کشور گشایی) به وقوع می‌پیوسته است؛ در همین راستا کار برخی از حاکمان اموی به جایی رسید که از پذیرش اسلام فرزندان مسیحی امتناع می‌ورزیدند؛ چون آنان با مسلمان شدن از پرداخت جزیه معاف می‌شدند، به همین دلیل مسلمان شدن آنها را نپذیرفته آنان را به حال مسیحیت باقی می‌گذاشتند تا از ایشان جزیه بگیرند.⁽¹⁾

موضع شرعی پیشوایان اهل بیت [^] در برابر این جنگ‌ها این بود که به پیروان خود اجازه شرکت در آنها را نمی‌دادند. اما از طرف دیگر چون در ظاهر به این جنگ‌ها عنوان جهاد در راه خدا داده می‌شد، این عدم اجازه تأثیر منفی در روحیه شیعیان به جا می‌گذاشت؛ چرا که آنان را از بهره‌مندی از برکات و آثار معنوی شرکت در عبادت

1. این از موضوعات تاریخی است که در مجال دیگری بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

عبادت های مقید به زمان خاص

جهاد در راه خدا محروم می نمود.

اهل بیت [^] با الهام گرفتن از شیوه و سنت رسول خدا '، برای حل این مسئله شیعیان را به انجام هرچه بیشتر عبادت حج به عنوان جایگزین روحی، تربیتی و اخلاقی عبادت جهاد دعوت می نمودند؛ جهادی که شرایط موجود سیاسی جامعه، آنان را از پرداختن به آن محروم نموده بود.

قبلا در ابتدای مبحث حج به این روایت از حضرت امام صادق \times که سخن پیامبر اکرم ' را روایت نموده است اشاره کردیم که:

هو أحد الجهادین، هو جهاد الضعفاء ونحن الضعفاء.⁽¹⁾

حج یکی از دو جهاد است، حج جهاد ضعفا است و ضعفا ما هستیم.

و در روایت دیگری آمده است:

ونحن و شیعتنا الضعفاء.

و ما و شیعیان ما مصداق ضعفا (ناتوانان) هستیم.

و شاید این دو روایت بتواند کمی موضع اهل بیت [^] و درک آنان از این مسئله را روشن کند.

ملاحظه این چند روایت نیز می تواند رابطه میان دو عبادت حج و جهاد را آشکارتر نماید:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 77/8، ح.2.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

1- حضرت امام باقر × در حدیثی فرمود:

الجهاد أفضل الأشياء بعد الفرائض في وقت الجهاد، ولا جهاد إلا مع الإمام⁽¹⁾

جهاد در وقت خود، بعد از واجبات یومیه برترین کار است، و بدون امام جهادی نیست.

2- امام صادق × فرمود:

عباد بصری در راه مکه با حضرت امام سجاد × ملاقات نموده و به آن حضرت عرض کرد: جنگ و سختی آن را و انهدای و آسانی سفر حج را برگزیدی، خداوند عزّ و جلّ فرماید: (در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند)، امام سجاد × در جواب او فرمودند: آیه را تمام کن⁽²⁾ و عباد خوانند: (آن مؤمنان، همان توبه کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقرّرات خدایند. و مؤمنان را بشارت ده) سپس فرمود: هرگاه آنان را - یعنی چنان مؤمنانی که اوصاف آنها در این آیه آمده است - دیدیم، جهاد به همراه آنان از هر چیزی برتر خواهد بود⁽³⁾.

و در روایت دیگر از همین ماجرا آمده است که آن حضرت به او

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8/ 83، ح 17.

2. البته مراد آن حضرت از تمام کردن آیه به لحاظ معنی و محتوی بوده است و آنچه عباد در مرتبه دوم تلاوت نمود آیه بعدی بوده است - مترجم.

3- حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 32، ح 3.

فرمودند:

هرگاه آنان - یعنی چنان مؤمنانی که اوصاف آنها در این آیه آمده است - پیدا شدند هرگز چیزی را بر جهاد ترجیح نخواهیم داد⁽¹⁾.

در بحث جهاد نیز اشاره‌ای به همین موضوع داشتیم از جمله روایت معتبری که حضرت امام صادق × از پدرانش نقل کرده است که:

حضرت امیرالمؤمنین × فرموده است: هیچ مسلمانی نباید در رکاب حاکمی بی ایمان که فرمان خداوند عزّ و جلّ را در غنایم جنگی و بیت المال اجرا نمی‌کند به جهاد برود؛ چرا که اگر در رکاب چنین حاکمی کشته شود در ندادن حق ما و تحریک دشمنان به ریختن خون ما، یار و یاور آنان محسوب شده و مرگ وی مرگ جاهلیت است.⁽²⁾

5. برنامه اعمال موسم حج

اعمال موسم حج را می‌توان به چهار دسته ذیل تقسیم کرد:

اول: اعمالی که همزمان با اعمال حج انجام می‌شود.

دوم: اعمالی که مخصوص روز عرفه است.

سوم: اعمالی که مخصوص دهه اول ذی الحجّه است.

چهارم: اعمالی که مخصوص ایام تشریق است.

1- حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 34، ح 6.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 34 / ح 8.

اول: اعمال همراه با اعمال حج

فقها در رساله‌های عملیه خود آداب و مستحباتی برای اعمال حج ذکر کرده‌اند که شامل: غسل، نماز، دعا، ذکر شستشو و آرایش و زیبایی بدن می‌گردد و دارای جزئیات و تفصیل گسترده‌ای است که اگر چه این کتاب گنجایش ذکر همه آنها را ندارد اما به بعضی از عناوین آنها اشاره می‌کنیم.

1- در احرام مستحب است که قبل از اقدام به محرم شدن، بدن حاجی از چرک و کثافات ظاهری پاک و شسته شده، ناخن‌ها کوتاه، موهای زاید بدن سترده، شارب اصلاح شده، و کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة موهای سر و ریش خود را کوتاه نکرده و بلند بگذارد.

همچنین غسل در هنگام احرام و خواندن دعای خاصی در هنگام غسل و همچنین پوشیدن دو قطعه لباس احرام.

خواندن نماز قبل از احرام، یا نماز واجب و یا شش رکعت یا حد اقل دو رکعت نافله و خواندن دعای مخصوصی قبل از احرام.

اضافه کردن چند تلبیه دیگر به تلبیه واجب احرام که متضمن حمد و ثنای الهی و توسل به ذات مقدس خداوندی است، همچنین تکرار تلبیه در مکان‌ها و حالات مختلف تا آن زمان که خانه‌های شهر مکه از دور پیدا شود.

2- در وارد شدن به حرم که دایره‌ای وسیع در گرداگرد شهر مکه و محیط بر آن می‌باشد، مستحب است که پیاده وارد آن شده با غسل و پای برهنه بوده و دعای خاصی خوانده شود.

عبادت های مقید به زمان خاص

3- در وقت ورود به مکه و مسجد الحرام نیز غسل مستحب است، همچنین مستحب است در کنار در مسجد بر پیامبر اکرم ' و حضرت ابراهیم × سلام فرستاده شده و نام خداوند متعال برده شود و متن خاصی با دستوری خاص در ثنای الهی قرائت گردیده و نیز مستحب است حاجیان با خواندن دعای خاصی به کعبه رو کنند.

4- در هنگام رو به رو شدن با حجر الاسود مستحب است ذکر و دعا خوانده شده، سپس مستحب است به همراه خواندن دعا و ذکر و صلوات بر پیامبر دعای خاصی خوانده و در آن هنگام به حجر الاسود دست بکشند.

5- در طواف مستحب است که در طول طواف دعاهاى خاصی خوانده شود همچنین در بخش هایی از طواف، مانند رسیدن به در خانه کعبه، رکن یمانی حجر الاسود، پشت کعبه، مستجار و حجر اسماعیل نیز دعاهاىی وارد است.

6- در نماز طواف نیز مستحب است که در سجده بعد از نماز حمد و ثنای الهی و صلوات بر رسول خدا ' به جا آمده و دعا کنند.

7- آشامیدن از آب زمزم و ریختن مقداری از آن بر سر و شکم و پشت نیز مستحب است.

8- در هنگام سعی نیز ذکرهای متعدد، صلوات بر رسول خدا '، دعاهاى خاص و قرائت سوره‌های خاصی از قرآن در میان سعی و همچنین بر روی کوه صفا و مروه مستحب است.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

9- در احرام حج نیز همان مستحبات احرام عمره وجود دارد اما بعد از احرام

حج، در وقت رفتن به منی، در راه عرفات و در منی دعاهای خاصی وارد است، همچنین شب ماندن کردن در منی و احیا نمودن شب به عبادت خصوصاً در مسجد خیف و خواندن دعای خاصی در وقت عازم شدن به عرفات نیز مستحب است.

10- مستحبات عرفات را به خواست خدا در قسمت دوم این مبحث مطرح خواهیم نمود؛ زیرا دارای تفصیل بسیار و مشتمل بر اعمالی است که هم برای حاضران در عرفات و هم برای کسانی که روز عرفه را در سفر حج و سرزمین عرفات حضور ندارند مشترک است.

11- در مشعر الحرام نیز دعایی برای هنگام رسیدن به تپه سرخ که در سمت راست مسیر واقع شده، وارد است، همچنین آرام گام برداشتن در این راه نیز از مستحبات این مکان شریف می باشد.

احیای شب عید به عبادت و دعا در این مکان نیز مورد تأکید واقع شده است در حدیث است که:

اگر توانستی این شب را احیا کنی، این کار را انجام بده، که به ما این گونه رسیده است که درهای آسمان در این شب بر صداهای مؤمنان بسته نخواهد بود؛ مؤمنانی که صدای ترنم ذکر و دعایشان از دور همچون صدایی که از کندوی زنبور عسل می آید در هم می آمیزد. در اینجا است که خداوند - که تنایش بزرگ باد - آنان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

عبادت های مقید به زمان خاص

من پروردگار شما و شما بندگان من هستید، حقم را ادا کردید پس بر من است که دعایتان را مستجاب کنم. خداوند در این شب گناه هر که را بخواهد از نامه عملش محو نموده و گناه هر کس را که بخواهد می‌آمرزد.

علاوه بر همه اینها، مستحب است دعاهایی که در خصوص این شب وارد است را نیز بخوانند. همچنین مستحب است بعد از نماز صبح هر قدر که می‌تواند حمد و سپاس خداوند را بر نعمت‌هایی که به بشر ارزانی داشته به جا آورده و بر پیمبر و آلش درود فرستد و دعایی را که در خصوص این وقت وارد است بخواند.

مستحب است به میزان صد قدم در وادی محسّر قدم بزند و دعایی را که مخصوص این کار است در حین قدم زدن بخواند

12- در رمی جمره عقبه و بقیه جمرات نیز مستحب است که با طهارت باشد، در

هنگام جمع کردن سنگریزه دعای خاصی خوانده و در هنگام پرتاب آن تکبیر گفته و دعای مخصوص این کار را بخواند، در هنگام بازگشت به منی نیز دعای خاصی وارد است.

13- در هنگام قربانی کردن نیز مستحب است دعای مخصوص این کار را بخواند و خود شخصاً کار سر بریدن را انجام بدهد و اگر نمی‌تواند دست خود را روی دست ذابح قرار دهد.

14- در هنگام تراشیدن سر نیز دعای خاصی وارد است.

15- در طواف حج نیز همان مستحباتی که در طواف عمره وجود

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

داشت موجود است، به علاوه دعای خاصی که در هنگام وارد شدن از در مسجد برای طواف، خواندن آن مستحب است.

16- علاوه بر همه اینها مستحباتی نیز وجود دارد که مخصوص مدت اقامت حاجی در مکه مکرمه است:

الف - بسیار ذکر خدا کردن.

ب - بسیار تلاوت کردن قرآن و ختم آن در مکه.

ج - نوشیدن از آب زمزم و دعای خاصی در وقت نوشیدن.

د - بسیار نگاه کردن به کعبه که دارای فضیلت و ثواب بسیار است.

هـ - طواف هفتگانه به دور خانه کعبه، هر روز ده مرتبه؛ سه بار در اول شب، سه بار در آخر شب، دو بار در هنگام طلوع فجر و دو بار در وقت ظهر.

و - مستحب است حاجی در طول مدت اقامت خود در مکه شصت و سه بار خانه کعبه را طواف کند، اگر نتوانست پنجاه و سه بار و اگر نتوانست به هر میزان که می تواند.

ز - داخل شدن به کعبه و غسل کردن برای این کار، همچنین دعا و نماز خواندن در وقت دخول و دو رکعت نماز مخصوص، همچنین نماز خواندن در چهار گوشه کعبه و دعای مخصوصی بعد از نماز، تکبیر گفتن در هنگام خروج به همراه دعایی خاص.

ح - انجام طواف وداع و استلام حجر الاسود و به جا آوردن حمد و

عبادت های مقید به زمان خاص

سپاس خدا و صلوات بر پیامبر خدا در هنگام خروج از مکه و خواندن دعایی مخصوص همین کار.

برای اطلاع بیشتر از این مستحبات می توان به کتاب های مناسک حج و کتاب های مفصل فقهی در بخش حج مراجعه کرد.

چنین برنامه ای به صورت آشکار بر گستردگی محتوایی عبادت حج در دیدگاه اهل بیت [^] که ما به آن اشاره کردیم دلالت می کند و در هیچ یک از مذاهب اسلامی نمی توان دیدگاهی در باره حج با این خصوصیات یافت.

دوم: اعمال شب و روز عرفه

روز عرفه از دیدگاه اسلام دارای اهمیت و ارزش بسیار ویژه ای می باشد، شب عرفه نیز شب مبارکی است که توبه بندگان در آن قبول و دعای آنان در آن مستجاب می گردد و اجر و پاداش کسی که در این شب به عبادت خدا بپردازد، برابر با اجر یکصد و هفتاد سال عبادت است.

چه اینکه روز عرفه نیز روزی است که خداوند متعال در آن، بندگان خود را به عبادت و طاعت خویش فرا خوانده، سفره جود و احسان خود را برای آنان گسترده، شیطان در این روز از هر وقت دیگری خوار، حقیر، مطرود و خشمگین تر است؛ این روز، روز دعا و خواستن

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

از خدا است.⁽¹⁾

روایت شده است که:

در چنین روزی حضرت امام زین العابدین که سلام و صلوات خداوند بر او باد، صدای مرد گدایی را شنید که مشغول گدایی کردن از مردم بود، آن حضرت به او فرمود:

وای بر تو، آیا در چنین روزی به در خانه غیر خدا رفته و از غیر خدا درخواست کمک می‌نمایی؟ همانا که در این روز امید آن می‌رود که رحمت خدا شامل جنین‌هایی که در رحم مادران خود هستند نیز بشود و سعادت‌مند گردند.⁽²⁾

روز عرفه دارای برنامه عبادی گسترده‌ای است و اگر چه اصل این برنامه عبادی برای انجام در موقف عرفات در اعمال حج وضع شده است اما برخی از روایات دلالت بر این دارند که این برنامه عبادی را می‌توان در روز عرفه در سایر شهرها و کشورها نیز انجام داد، خصوصاً نسبت به زیارت حضرت امام حسین × که در روایات وارد است خداوند در این روز قبل از اینکه به حاجیان موقف عرفات نظر رحمت بیفکند به زائران حضرت امام حسین × نظر خواهد نمود.

طلحه بن زید از حضرت امام باقر × از پدرش، از حضرت امیرالمؤمنین × روایت کرده است که فرمود:

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 253 و 258.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 28، ح 1.

عرفه جز در مکه نیست اما اگر مردم در روز عرفه در سایر شهرها اجتماع کنند و خدا را بخوانند اشکالی ندارد.⁽¹⁾

اعمال شب عرفه: علامه قمی برای شب و روز عرفه برنامه‌ای ذکر کرده است که ما خلاصه آن را در اینجا می‌آوریم:

اول: دعایی که در باره آن آمده: هر کس این دعا را در شب عرفه و شب‌های جمعه بخواند خداوند گناهایش را می‌آمرزد، و این همان دعای «اللهم یا شاهد کلّ نجوی و موضع کلّ شکوی» است که مشتمل بر مضامین والا، مدح و ثنای الهی، ذکر آیات خداوند، توسل به او و خواستن حاجت‌های دنیا و آخرت است.

دوم: هزار مرتبه تسبیحات اربعه.

سوم: زیارت حضرت امام حسین ×.

اعمال روز عرفه

اول: غسل کردن در هنگام ظهر.

دوم: زیارت حضرت امام حسین × که متون زیارتی خاصی برای این روز وارد شده است و ما در بخش زیارات به آنها اشاره کردیم.

سوم: دو رکعت نماز بعد از نماز عصر و قبل از شروع کردن به دعاها در روز عرفه در زیر آسمان با یک مرتبه حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید در هر رکعت.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 32، ح 2.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

چهارم: روزه گرفتن برای کسانی که در سفر حج نیستند چون حاجیان به دلیل مسافر بودن نمی‌توانند روزه بگیرند، البته استحباب روزه این روز برای کسانی است که روزه گرفتن موجب کسالت و ناتوانی آنها از دعا نمی‌شود.

پنجم: ذکر، که برای ذکر این روز متون و دستورات متعدد و بسیاری وارد شده است از جمله ذکر خداوند به تمام حمد و تسبیح و تهلیل و تکبیرهایی که در قرآن آمده است.

ششم: دعا با متون مختلف و فراوان که مهم‌ترین و زیباترین این دعاها دعای حضرت امام حسین \times در روز عرفه است که در میان متون دعایی وارده از اهل بیت [^] سمبل و منحصر به فرد بوده، آن حضرت در آخرین ساعت‌های روز عرفه این دعا را خوانده، مشتمل بر مضامین بلند و از دعاهای نادر و کمیاب می‌باشد.

همچنین دعای حضرت امام سجاد \times در این روز که دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده است.

هفتم: دعا کردن برای برادران دینی و خویشاوندان، خصوصاً برای پدر و مادر.

اعمالی که در روایات برای روز عرفه وارد شده به قدری زیاد است که انجام همه آنها ممکن است تمام وقت روز عرفه را اشغال کند.

سوم: اعمال دهه اول ذی حجه

در این روزهای شریف که از اول ذی الحجه تا روز عرفه ادامه دارد

عبادت های مقید به زمان خاص

اعمال مخصوصی وارد است که در همه این شبها مشترک است، از پیامبر اکرم ' در باره این دهه روایت شده است که فرمود: ایامی نیست که در آن عبادت خدا شود و در نزد خدا محبوبتر از این دهه باشد؛ یعنی به انضمام روز عید که دهم ذی الحجه است. حال به خلاصه‌ای از اعمال این شبها اشاره می‌کنیم:

اول: روزه نه روز اول، که معادل روزه تمام عمر است.

دوم: دو رکعت نماز بین نماز مغرب و نماز عشا که بعد از حمد و توحید آیه {وَإِعْدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ⁽¹⁾} تا آخر، که آیه صد و چهل و دوم سوره اعراف است در آن خوانده می‌شود.

سوم: خواندن دعایی که شیخ طوسی و سید بن طاووس آن را از حضرت امام صادق × نقل کرده‌اند که دعای خاصی است به اضافه دعاهای دیگری که جبرئیل برای حضرت عیسی × هدیه آورده است.

چهارم: ذکر خداوند به تهلیل خاصی که از حضرت امیرالمؤمنین × روایت شده است.

روز اول ماه ذی الحجه هم اعمال خاص به خود را دارد.⁽²⁾

چهارم: اعمال ایام تشریق

ایام تشریق عبارت هستند از سه روز بعد از عید سعید قربان، و

1. و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 251 - 252.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

اعمالی هست که میان عید قربان و این ایام مشترک است، از مهم ترین این اعمال در ایام حج رمی جمرات است که قبلاً به آنها اشاره کردیم. اما اعمال مستحبی نیز هست که در این ایام نیز به انجام می رسد:

اول: قربانی کردن، این عمل در روز عید مستحب است و انجام آن در روزهای یازدهم و دوازدهم نیز در شهرهای مختلف و در روز سیزدهم فقط در منی مستحب است.

دوم: تکبیرهای معروف:

الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله و الله أكبر الله أكبر و لله الحمد الله أكبر على ما
هدانا الله أكبر على ما رزقنا من بهيمة الأنعام و الحمد لله على ما أبلانا.

و انجام این عمل در حج از نماز ظهر روز عید تا روز سیزدهم ذی الحجه بعد از هر نماز واجب یا نافله در منی مستحب بوده و در سایر شهرها این عمل تا طلوع فجر روز دوازدهم ذی حجه استحباب دارد. این خلاصه ای بود از اعمال این موسم شریف.

2

عبادت های
غیر مقید به زمان خاص

عبادات غیر مقید به زمان عباداتی هستند که زمان خاصی برای انجام آنها معین نشده و وقت انجام آنها به اختیار مکلف و بر حسب شرایط و اختیار خاص وی، یا تحقق شرایط وجوب یا استحباب خود آن عمل، سپرده شده است، مثلاً وقت انجام جهاد که یک عبادت واجب است به زمان مخصوصی محدود نیست و تابع شرایط موجود و تحقق موضوع و شرایط آن می‌باشد.

ما در پرداختن به این گونه از عبادات به پنج عنوان ذیل بسنده نموده‌ایم و بقیه این عبادات نیز بعضاً در مباحث همین کتاب آمده است، مانند صدقه و انفاق و زکات و خمس، در بحث ساختار اقتصادی و احسان و خوش اخلاقی در رفتار اجتماعی، در مبحث روابط اجتماعی.

حکم امر به معروف و نهی از منکر نیز که از مهم‌ترین واجبات اسلامی هستند را نیز می‌توان از شناخت مسئله جهاد و دیدگاه اسلام نسبت به آن به دست آورد چرا که جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، هر دو از عباداتی به شمار می‌روند که در حفظ عبادات و احکام شرعی نقش داشته و چنان که پیشتر نیز اشاره کردیم هر دو از شئون مسئله ولایت می‌باشند.

هر کدام از این دو عبادت، به تنهایی مصداق یکی از اصول روابط اجتماعی هستند که در بُعد تقویت ساختار اجتماعی و ساختار

تقسیم اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

روبنایی آن از آنها سخن به میان آوردیم.

اول: نماز؛

دوم: روزه؛

سوم: دعا؛

چهارم: ذکر؛

پنجم: جهاد؛

در بخش اول از عبادات، از اهم مصادیق این عبادات که مقید به زمان خاصی بودند سخن به میان آوردیم، اکنون از عناوین و مصادیق غیر مقید به زمان آنها نیز بحث می‌کنیم.

نماز

نماز به صورت مطلق از مهم‌ترین عبادات اسلامی به شمار می‌رود، قرآن کریم نیز از نماز بسیار سخن به میان آورده است؛ نماز ستون دین است و اگر پذیرفته شود سایر عبادات نیز پذیرفته شده و اگر قبول نگردد سایر عبادات نیز قبول نخواهد گردید.⁽¹⁾ این عمل انسان را از فحشا و منکر باز داشته و بعضی از روایات، تارک نماز را کافر دانسته‌اند.

صدها حدیث و روایت نیز در باره فضیلت نماز و اهمیت دادن به آن، علت تشریح و کیفیت ادای آن و دیگر موضوعاتی که به صورت کلی با نماز ارتباط پیدا می‌کند که بحث در باره همه این ابعاد، نیازمند تألیف کتاب کامل و گسترده‌ای است.

ما در مبحث نمازهای یومیه به بعضی از این روایات اشاره کرده‌ایم و در اینجا نیز به بعضی از متون مناسب اشاره می‌کنیم:

در فضیلت نماز، حدیث معتبری از معاویه بن وهب نقل شده است که گفت:

از حضرت امام صادق × در باره برترین عملی که بنده خدا به

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 20 / ب 8 / ح 6 و 10 و 13.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

واسطه آن به خدا نزدیک می‌شود و محبوب‌ترین عمل در نزد خداوند متعال پرسیدم فرمود:

جز معرفت و شناخت خدا چیزی را از این نماز برتر نمی‌دانم. نمی‌بینی که بنده صالح خدا حضرت عیسی بن مریم گفته است: و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است.⁽¹⁾

همچنین از حضرت امیرالمؤمنین × روایت شده است که در سفارش اصحاب خود به نماز فرمود:

به امر نماز متعهد شوید، بر حسن انجام آن محافظت نموده، آن را بسیار به پا دارید و به وسیله آن به خدا تقرب جوید که نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است. آیا نمی‌شنوید پاسخ اهل دوزخ را که چون مورد پرسش قرار می‌گیرند: {چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم؟} و آیا نمی‌دانید که نماز گناهان را همچون برگ درختان می‌ریزد؟ و چون بردگان رها شده از قید اسارت، رهایشان می‌سازد؟

پیامبر اکرم ' نیز نماز را به نهر آبی تشبیه نموده است که بر در خانه کسی باشد و او در هر روز پنج مرتبه در آن شستشو کند، در این صورت امکان ماندن چرک و کثافت در بدن وی چه اندک خواهد بود. و حقیقت نماز را مردان مؤمنی دریافته‌اند که زرق و برق زندگی دنیا و چشم روشنی‌های آن به مال و اولاد، آنان را از پرداختن به نماز باز نمی‌دارد. خداوند متعال فرموده

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 25، ح 1.

است: {مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد}

پیامبر اکرم ' نیز پس از اینکه بشارت بهشت به او داده شد خود را از فرط خواندن نماز خسته می‌کرد و به زحمت می‌انداخت؛ چرا که خداوند متعال به وی فرموده بود: {و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش} به همین جهت پیامبر اکرم ' کسان خود را به خواندن نماز فرمان می‌داد و خود نیز بر انجام آن شکیبا بود.⁽¹⁾

نماز دارای شرایط و آدابی است که به نماز گزار، لباس، مکان و محل سجده وی باز می‌گردد و مهم‌ترین آنها طهارت بدن، لباس و محل سجده وی از نجاسات است، همچنین داشتن وضو که همان طهارت معنوی است که با غسل و وضو برای انسان حاصل می‌گردد، دیگر اینکه مکان نماز مباح بوده، غصبی نباشد، لباس وی نیز از حریر یا طلا یا از اجزای حیوان غیر قابل خوردن یا مردار نباشد و شرایط دیگری که می‌توان در رساله‌های عملیه فقها به تفصیل آنها را یافت.

نمازهای مستحب غیر مقید به زمان

نمازهای واجب عبارت از نمازهای یومیه صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا و نماز جمعه که به جای نماز ظهر روز جمعه است، همچنین نماز عیدین (فطر و قربان)⁽²⁾، نماز آیات، نمازی که به واسطه نذر،

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 3 / 19، ح 8.

2. البته نماز عیدین در صورت حضور امام معصوم واجب بوده و در زمان غیبت ایشان

تقسیم اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

عهد و قسم بر انسان واجب می‌شود، نماز استیجاری و نماز طواف است که در بخش پیشین از بسیاری از آنها سخن به میان آمد.

اما نمازهای مستحب بسیار زیاد هستند از آن جمله نمازهای مستحب مقید به زمان که از آنها نیز در فصل پیش بحث کردیم. نوع دیگر، نمازهای مستحبی هستند که مقید به زمان نیستند و مهم‌ترین آنها را می‌توان در عناوین ذیل جمع کرد:

1. نماز تطوع؛

2. نمازهای منسوب به معصومین؛

3. نماز جعفر طیار؛

4. نماز حاجت؛

5. نماز استخاره؛

6. نماز هدیه.

مستحب است و قبلاً نیز بحث در این رابطه گذشت. همچنین است نماز جمعه که بنا بر یکی از آرای معروف در میان فقهای مذهب اهل بیت [^]، در عصر غیبت مکلفین در ظهر روز جمعه، بین نماز ظهر و نماز جمعه مخیر می‌باشند. اما نماز آیات دو رکعت و با دستور خاصی است که در هنگام بروز پدیده‌های نجومی، جوئی یا زمینی، مانند خسوف، کسوف، زلزله، طوفان و دیگر نشانه‌های قدرت خدا، انجام آن بر مکلفین واجب می‌گردد. دستیابی به جزئیات مربوط به این نمازها و کیفیت آنها منوط به مراجعه به رساله‌های عملیه فقها می‌باشد.

1. نماز تطوع

نماز تطوع نمازی است که انسان بدون هیچ عنوان معین و دستور خاصی، در هر جا و هر زمانی که خواست آن را برای تقرب جستن به ذات مقدس خداوند به جا می‌آورد؛ چرا که نماز بهترین کار بوده و همه باید کم یا زیاد به آن بپردازند. در همین راستا مردی به پیامبر اکرم ' عرض کرد: «دعا کن تا خداوند مرا به بهشت ببرد، پیامبر اکرم ' در پاسخ وی فرمودند

اعْتِي بِكَثْرَةِ السُّجُودِ⁽¹⁾

مرا با زیاد سجده کردن [در مستجاب شدن این دعا] یاری کن.

از حضرت امام صادق × نقل شده که فرمود:

الصَّلَاةُ قَرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ⁽²⁾

نماز وسیله نزدیک شدن هر پرهیزگار به خدا است.

از جمله این نمازها نماز تحیت مسجد است که انسان هنگام وارد شدن به هر مسجدی برای ادای احترام به آن مسجد دو رکعت نماز در آن به جا می‌آورد؛ حال این نماز به همین عنوان باشد یا نماز مستحب یا واجب یا هر نماز دیگر. نحوه به جا آوردن نمازهای نافله و نمازهای مستحب نیز به صورت دو رکعتی است که با تشهد و سلام تمام

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 3/ 75، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 3/ 30، ح 1.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

می‌شود، البته اگر نص خاصی در باره آنها وارد نشده باشد؛ مانند نمازهای واجب غیر از صبح، یا نماز وتر در نماز شب یا نماز اعرابی و دیگر موارد استثنا.

بسیار خوب است که انسان در هنگامی که میل و رغبت به انجام مستحبات دارد به انجام نمازهای مستحبی و نوافل بپردازد که در حدیث از پیامبر اکرم ['] وارد شده است که فرمود:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنْفَلُوا، وَإِذَا أُدْبِرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ. (1)

همانا دل‌های شما را دو حالت است: رغبت و بی میلی، پس وقتی حالت رغبت داشت به مستحبات بپردازید و چون به حالت بی میلی گرایید به انجام واجبات اکتفا کنید.

در عین حال، انسان باید همواره در صدد اصلاح نفس خود باشد تا حالت میل و رغبت به نماز در وی ایجاد شود؛ زیرا نماز نافله و مستحب جبران کننده سهو و غفلت و عدم حضور قلب انسان در نمازهای واجب می‌باشد، و تنها نمازهایی به سوی خداوند بالا می‌رود که انسان با حالت رغبت و رو آوردن به پروردگار خود، آنها را به جا آورده باشد. در روایات متعددی که از جمله آنها روایت محمد بن مسلم از حضرت امام باقر [×] است آمده که آن حضرت فرمودند:

گاه می‌شود که نصف، یک سوم، یک چهارم یا یک پنجم از نماز بنده خدا بالا

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 3/ 50، ح 8.

می‌رود؛ چون همان مقدار از نماز که در آن حضور قلب داشته است مورد پذیرش واقع شده و به سوی خدا خواهد رفت، بنا بر این برای اینکه آن مقدار از نماز آنان که به واسطه عدم حضور قلب ناقص شده است جبران و تکمیل گردد به آنان دستور داده‌ایم تا نمازهای نافله را به جا آورند.⁽¹⁾

2. نمازهای منسوب به معصومین

روایاتی وارد شده است که دستوره‌های خاصی از نماز مستحب را به هرکدام از معصومان نسبت داده و اهمیت آنها به این است که آن معصوم این نماز را به این کیفیت به جا می‌آورده است. مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب خود *وسائل الشیعه* سه مورد از این نمازها را که منسوب به پیامبر اکرم^ع، حضرت امام علی^ع × و حضرت فاطمه زهرا^ع ÷ است، ذکر کرده است.

(1) نماز پیامبر اکرم^ع

شیخ طوسی در *مصباح المتهدد* ذکر کرده است که نماز پیامبر اکرم^ع ' دو رکعت است که در هر رکعت آن یک مرتبه سوره حمد و پانزده مرتبه سوره قدر در حال قیام قرائت شده و این قرائت به همین ترتیب در حال رکوع، پس از برخاستن از رکوع، در سجده اول، پس از سر برداشتن از سجده اول، در سجده دوم و پس از سر برداشتن از آن، تکرار می‌شود و بعد از اتمام نماز، نمازگزار به دلخواه تعقیبات

1. حر عاملی، *وسائل الشیعه* 3 / 52، ح 3.

تقسیم اهل بیت ^ع در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

نماز را به انجام می‌رساند. بعد از این کار، بین او و خدا گناهی نمی‌ماند مگر اینکه خداوند آن را خواهد آمرزید.⁽¹⁾ همچنین سید ابن طاووس این نماز را با سند معتبر از حضرت امام رضا \times روایت کرده و دعای خاصی را نیز برای بعد از سلام نماز آورده است.⁽²⁾

(2) نماز حضرت علی \times

شیخ کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب از حضرت امام صادق \times روایت کرده‌اند که فرمود:

هر کس چهار رکعت نماز بگذارد که در هر رکعت آن یک مرتبه حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند، چون از جای خود برخاست بین او و خدا گناهی نمانده است.⁽³⁾

شیخ در مصباح نیز دعای خاصی برای این نماز ذکر کرده است.⁽⁴⁾

(3) نماز فاطمه زهرا \div

در وسائل الشیعه دو دستور برای این نماز ذکر شده است: یکی مطابق با نماز حضرت امیرالمؤمنین \times و دومی که شیخ آن را در مصباح ذکر کرده دو رکعت است که در رکعت اول یک بار حمد و یکصد بار سوره قدر و در رکعت دوم، یک بار حمد و یکصد بار سوره توحید

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 223، ح 1.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 38.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 245، باب 13 ح 1.

4. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 39.

قرائت می شود.⁽¹⁾

علامه قمی نیز دستورهای دیگری به همراه دعایی خاص برای بعد از این نماز ذکر کرده است.⁽²⁾

علاوه بر اینها نمازهایی از حضرت امام علی بن موسی الرضا^ع نقل شده که آنها را به یازده تن از امامان اهل بیت^ع نسبت داده است که هر کدام دارای کیفیتی خاص به خود هستند، اما به وجود روایتی در رابطه با انتساب آنها به معصوم مورد نظر اشاره نکرده است.⁽³⁾

همچنین علامه قمی همه این نمازها را به اضافه دعایی برای هر کدام از آنها ذکر کرده است و چنین بر می آید که او هم آنها را از سید بن طاووس گرفته باشد.⁽⁴⁾ اما چون این نمازها را به صورت مرسل و بدون انتساب به معصومی ذکر کرده است ما در اینجا از آوردن آنها خودداری کردیم.

3. نماز جعفر طیار

یکی از مشهورترین نمازهای منسوب به شخصیت‌های اسلامی، نمازی است که به نماز جعفر معروف است و به جعفر بن ابی طالب پسر عموی پیامبر اکرم^ص منسوب است؛ این نماز از نمازهایی است که به

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 244، باب صلاة فاطمه و کیفیتها ح 6.

2. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 40 - 42.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 397، باب التطوع بصلوات الائمة

4. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 42 - 45.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

جا آوردن آن در همه زمانها و مکانها به ویژه در شبهای جمعه، شب نیمه شعبان و سایر اوقات شریف مستحب است. در رکعت دوم و چهارم این نماز نیز خواندن قنوت مستحب است و ممکن است از نوافل روزانه حساب شود.

در توصیف کیفیت انجام و بیان فضیلت این نماز احادیث متعددی وارد شده است که ما از میان آنها به ذکر سه روایت می پردازیم که می توانند در به دست دادن تصویر کاملی از این نماز ما را یاری کنند.

اول: روایتی که با سند معتبر از حضرت امام صادق \times نقل شده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' به جعفر فرمود: ⁽¹⁾ آیا به تو هدیه ای ندهم؟ آیا به تو چیزی نبخشم؟ آیا به تو عنایتی نکنم؟

جعفر گفت: چرا ای پیامبر خدا. مردم گمان کردند که آن حضرت

1. بنا بر بعضی از روایات مشابه با این روایت آن حضرت این مطلب را هنگامی به جعفر فرمودند که او از سفر هجرت به حبشه بازگشته بود و این امر مصادف بود با فتح خیبر و چون خبر ورود جعفر به رسول خدا ' رسید فرمود: به خدا سوگند نمی دادم از کدام خبر بیشتر شادمان باشم، بازگشت جعفر یا فتح خیبر؟ اما عجیب این است که این نماز در کتابهای جمهور (اهل سنت) نیز به عنوان نماز تسبیح ذکر شده است که پیامبر اکرم ' آن را به عموی خود عباس هدیه کرده است. البته ما به صحت این انتساب معتقد نیستیم، چرا که این هدیه و عطا نسبت به عباس موردی نداشته است، به علاوه که اهل بیت [^] به سیره نبوی از دیگران آگاه تر هستند. ظاهراً نسبت این نماز به عباس عموی پیامبر از ساخته های عباسیان باشد.

می‌خواهد به او طلا و نقره بدهد لذا همه کنجکاو شدند تا ببینند پیامبر می‌خواهد چه چیزی به جعفر عطا کند.

آن حضرت به جعفر فرمود: من تو را عملی می‌آموزم که اگر هر روز آن را به جا آوری برای تو از دنیا و آنچه در آن است بهتر خواهد بود، و اگر آن را یک روز در میان انجام دهی خداوند گناهان میان آن دو روزت را خواهد آمرزید، و اگر آن را در هر روز جمعه، هر ماه یا هر سال یک بار انجام دهی خداوند گناهان میان هر دو بار خواندن این نماز را خواهد بخشید.

چهار رکعت نماز می‌خوانی که در هر رکعت از آن بعد از قرائت حمد و سوره پانزده بار می‌گویی: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر و چون به رکوع رفتی همین ذکر را ده بار می‌گویی چون سر از رکوع برداشتی باز هم ده بار همین ذکر را گفته.

و در سجده اول، میان دو سجده، در سجده دوم و پس از سجده دوم پیش از برخاستن نیز هر کدام ده مرتبه همین ذکر را تکرار می‌کنی که مجموع تسبیحات در هر رکعت هفتاد و پنج تسبیح و در مجموع چهار رکعت، سیصد تسبیح و به تفکیک، یکهزار و دویست ذکر سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله و الله أكبر خواهد بود؛ این نماز را اگر خواستی در روز و اگر خواستی در شب می‌توانی به جا آوری.⁽¹⁾

دوم: در چند روایت معتبر آمده است که سوره در نماز جعفر قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون. است اما در روایت معتبر دیگری آمده است که بعد از

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 194، ح 1.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

سوره حمد در این نماز در رکعت اول سوره زلزال، در رکعت دوم سوره عادیات، در رکعت سوم سوره نصر و در رکعت چهارم سوره توحید و یا به ترتیب سوره های زلزال، نصر، قدر، و توحید قرائت می گردد.

و در باره ثواب این نماز نیز آمده است که اگر نمازگزار به تعداد شن های بیابان عالج گناه داشته باشد، خداوند گنااهش را می آمرزد، با ذکر این نکته خطاب به راوی حدیث که این امر برای تو و اصحاب تو است.⁽¹⁾

سوم: از ابوسعید مدائنی نقل است که گفت: حضرت امام صادق × به من فرمودند:

آیا تو را چیزی نیاموزم که در نماز جعفر آن را بخوانی؟

عرضه داشتم: چرا ای پسر رسول خدا.

فرمود: چون به سجده آخر از چهار رکعت نماز رسیدی و از تسبیحات آن فارغ شدی بگو: منزه است خدایی که لباس عزت و وقار در بر او است، منزه است خدایی که به بزرگی خود بر ما کرم و احسان می نماید، منزه است خدایی که جز برای او تسبیح روا نیست، منزه است خدایی که دانشش بر همه چیز احاطه دارد، منزه است خدای صاحب نعمت و منت، منزه است خدای صاحب قدرت و کرامت. خدایا، از تو می خواهم و تو را به عهدهای عزت عرشت (اسرار علمت) و منتهای رحمت کتابت و به اسم اعظم و کلمات تام و کاملت که از جهت راستی و صداقت و عدالت به حد کمال رسیده است می خوانم. بر

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 197 و 198، س ح 1 و 2 و 3.

محمد و آل محمد درود فرستی و حاجت‌های مرا برآوری.⁽¹⁾

4. نماز حاجت

احادیث و متون متعددی وارد است که در آنها از نمازی برای بر آورده شدن حاجات سخن به میان آمده و برای خواندن آن کیفیت‌های مختلفی ذکر شده است که رکن اصلی و فصل مشترک در همه این دستورات نماز می‌باشد. و در بعضی از این متون از نماز طلب حاجت و دعا کردن بعد از نماز به تمام عبادت تعبیر شده است.

شاید مهم‌ترین دستور و مشهورترین نوع خاص از نماز طلب حاجت، همان نماز استسقا یا نماز باران باشد که در خشکسالی‌ها و قحطی‌ها انجام شده و مانند نماز عیدین به جماعت برگزار می‌گردد.

کیفیت انجام آن نیز مانند نماز عیدین است.

امام بیرون آمده و در کمال آرامش و وقار و خشوع نیاز به درگاه خدا به محل پاکیزه‌ای رفته و مردم نیز به دنبال او می‌آیند، در آنجا حمد و ثنای الهی را به جا آورده و در دعا کردن به درگاه خدا سخت کوشیده و بسیار تسبیح و تهلیل و تکبیر بگویند و نماز را به کیفیت نماز عیدین در دو رکعت توأم با دعا و خواستن از خدا و زاری کردن به درگاه او به جا آورده و پس از سلام نماز جامه خود را وارونه نموده قسمت شانه راست را به شانه چپ و شانه چپ را به شانه راست آورد که در خبر است:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 198، ح 1.

پیامبر اکرم ' نیز چنین می کرد. ⁽¹⁾

در بعضی از دیگر روایات نیز جزئیات دیگری برای این نماز ذکر شده است و به جهت اهمیت این نماز فقها برای این نماز نیز همچون نماز عیدین ابواب مستقلی باز کرده اند.

از دیگر شیوه‌های برآورده شدن حاجت که با سند معتبر از حضرت امام صادق × و فرزند بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر × نقل شده، شیوه‌ای است که شیخ کلینی، صدوق و طوسی آن را روایت کرده‌اند؛ به این صورت که صاحب حاجت به شصت مسکین هر کدام به میزان یک صاع خرما، گندم یا جو صدقه می‌دهد، سپس در ثلث آخر شب غسل کرده، پایین‌ترین نوع لباسی که افراد خانواده او می‌پوشند و دارای دامنه باشد پوشیده دو رکعت نماز، یکی با توحید و دیگری با فاتحه و قل یا ایها الکافرون به جا می‌آورد، در سجده اول از از رکعت آخر خداوند متعال را با تهلیل و تعظیم و تقدیس و تمجید ثنا گفته و به گناهان خود که آنها را به یاد دارد اقرار نموده و سر از سجده بر دارد، در سجده دوم از همان رکعت یکصد بار به خدا پناه برد و بگوید:

اللهم إني أستجيرك ⁽²⁾ سپس هر چه می‌خواهد با خدا بگوید و بعد از آن بخواند: یا کائناً قبل کلّ شيء و یا مکوناً کلّ شيء و یا کائناً بعد کلّ شيء إفعال

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 162، ح 1 سند حدیث نیز معتبر است.

2. خداوند من به تو پناه آورده‌ام.

پی کذا و کذا. (1)

و حاجت خود را از خدا بخواهد، در سجده‌ها هم زانوی خود را برهنه کرده و آن را مستقیم بر زمین بگذارد، دامنه لباس خود را نیز بالا آورده و آن را میان ران و پشت ساق پای خود قرار دهد.

چند دستور دیگر نیز برای خواندن نماز حاجت وجود دارد که مرحوم شیخ حر در *وسائل الشیعه* و علامه قمی در *مفاتیح الجنان* آنها را آورده‌اند. (2)

نمازهای دیگری برای حاجت‌های خاص

نمازهای دیگری هم وجود دارد که با دستورهای خاص برای رسیدن به حاجت‌های خاصی وارد شده است از جمله این نمازها می‌توان به عناوین ذیل اشاره کرد:

نماز آمرزش گناهان، نماز مهمات، نماز پیروز شدن بر ظالم، نماز هوش و تقویت حافظه، نماز امور ترسناک، نماز طلب روزی در هنگام رفتن به سمت بازار، نماز ادای دین، نماز دفع شر سفر، نماز مادر بیمار و طلب شفای فرزند، نمازی که در هنگام نعمت به جهت پیشگیری از نگرانی خوانده می‌شود، نماز رهایی از زندان، نماز در هنگام ترس از دشمن، نماز

1. خداوندا من به تو پناه آورده‌ام.

2. ای آنکه پیش از هر چیز بوده‌ای، ای آنکه پس از همه چیز هم تو باقی خواهی بود
وای آنکه همه چیز را از عدم به وجود آورده‌ای، برای من چنین و چنان کن.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

شکایت از ستم دشمن و یاری خواستن از خدا، نماز طلب اولاد.⁽¹⁾

سه نماز دیگر نیز هست که با سند معتبر نقل شده و گرچه با طلب حاجت در ارتباط است اما در عنوان نماز حاجت داخل نمی‌شود: نمازی که در هنگام نزول بلاها برای رفع آنها خوانده می‌شود، دو رکعت نماز شکر و نمازی که قبل از همبستر شدن با همسر خوانده می‌شود که بیشتر نشان از آداب و رسوم اسلامی دارند.

5. نماز استخاره

استخاره و نماز آن نیز از جمله عبادات اسلامی هستند؛ انسان وقتی اراده چیزی را کرد یا قصد انجام کاری را نمود، مانند رفتن به سفر، خرید فروش، حج، عمره، تجارت و... و در اقدام بر آن تردید داشت، یا در انجام کاری چند گزینه در برابرش موجود بود خوب است که نماز بگذارد و از خدا بخواهد که آنچه خیر او در دنیا و آخرت و حال و آینده است برای وی مقدر نماید.⁽²⁾

در حدیث معتبر از حضرت امام صادق \times آمده است که فرمود:

دو رکعت نماز بگذار و از خدا طلب خیر کن، به خدا سوگند که هیچ مسلمانی از خدا طلب خیر نکند مگر اینکه خداوند به یقین برایش خیر

1. کیفیت و دستور انجام هر يك از این نمازها را صاحب وسائل الشیعه: در جلد پنجم این کتاب به ترتیب در صفحات: و 244 و 245 و 246 و 248 و 250 و 252 و 253 و 254 و 255 و 262 و 263 و 265 و 266 و 268 آورده است.

2. این نمازها هم در وسائل الشیعه: جلد پنجم به ترتیب در صفحات: 261 و 266 و 267 آمده است.

مقدر خواهد نمود.⁽¹⁾

و در روایت دیگری آمده است:

هر کس از خدا خیر بخواهد و به آنچه خدا می‌کند راضی باشد خداوند
نیز حتماً برایش خیر مقدر خواهد کرد⁽²⁾

این موضوع در روایات متظافری ذکر شده و در بعضی از این روایات
نیز کیفیت این استخاره تعلیم داده شده است به این صورت که:

در غیر وقت نماز واجب به مسجد برو و دو رکعت نماز بخوان و یکصد
بار از خداوند طلب خیر کن، سپس به آنچه در سر راه کارت قرار گرفت
عمل کن.

و در روایت دیگری تعداد طلب خیر صد و یک بار آمده است.⁽³⁾

چه اینکه در روایت دیگر آنچه که بعد از آن نماز باید خوانده شود
نیز به این صورت آمده است که:

بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر محمد و اهل بیتش
درود فرستد و بگوید: خداوندا، اگر در این کار خیر دنیا و آخرت من
موجود است آن را برابم آسان و مقدر فرما، و اگر غیر از این است آن را
از من بازگردان.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 204، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 204، ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 205، ح 5.

مرازم گوید: از آن حضرت پرسیدم در این دو رکعت چه سوره هایی را بخوانم؟

فرمود: هر سوره‌ای که خواستی در آنها بخوان و اگر خواستی می‌توانی قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخوانی⁽¹⁾.

در روایت دیگری نیز حضرت امام باقر × دستور دیگری را برای استخاره تعلیم فرموده‌اند که قدری مفصل‌تر و اعمال آن بیشتر است. از زراره روایت شده است که گفت:

به حضرت امام باقر × عرضه داشتم: اگر قصد انجام کاری را داشتم و خواستم استخاره کنم چه بگویم؟

فرمود: اگر چنین قصدی داشتی، روز سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه را روزه بگیر سپس در روز جمعه به مکان پاکی رفته و در آن دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام نماز در حالی که چشم به آسمان دوخته‌ای یکصد مرتبه بگو: بارخدایا، تو را می‌خوانم که تو دانای آشکار و پنهان و بخشنده و مهربانی و داننده علم غیب می‌باشی. اگر این کار در آنچه علم تو به آن احاطه دارد برایم خیر است آن را بر من آسان و مبارک گردان و درهایش را بر من بگشا، و اگر این کار در علم تو برای من شر است، آن را به هر صورت که می‌دانی از من باز گردان؛ چرا که تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو تقدیر می‌نمایی و من از

انجام آن ناتوانم و تو دانای نهانی های. (1)

روش های دیگری نیز برای استخاره در روایات ذکر شده است (2). این امر به خوبی دلالت دارد که استخاره عبارت است از نماز و دعا و تضرع به درگاه خدا در طلب خیر و هر چه که انسان بیشتر بتواند شرایط استجاب دعا را در خود فراهم کند، مانند اینکه به همراه دعا صدقه بدهد، روزه بگیرد، در اوقات خاص دعا کند و در هنگام دعا تضرع و زاری نماید، به استجاب نزدیک تر خواهد بود.

تأکید کننده این مطلب، روایتی است دال بر اینکه حضرت امام صادق × وقتی قصد خریدن بنده یا حیوان و یا حاجات خفیف و امور ساده را داشت هفت مرتبه استخاره کرده و در امور مهم، یکصد مرتبه از خدا طلب خیر می نمود. (3)

روش دیگری نیز برای استخاره وارد شده است که به استخاره ذات رقع معروف است و در آن پس از نماز از میان چند ورقه که روی آنها «افعل» و «لا تفعل» (یکن و نکن) نوشته شده باشد به صورت تصادفی چند ورقه کشیده می شود و اگر تعداد ورقه های افعال بیشتر بود انجام شده و در غیر این صورت ترک می گردد. (4)

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 207، ح 11.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 204، ابواب الاستخاره و ما یناسبها.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 213، ح 1.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 208، ح 1.

تقسیم اهل بیت ^ع در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و از روایات متظافر چنین بر می آید که خوب است انسان همیشه در کار خود از خدا خیر بخواهد، خصوصاً در نمازهای یومیه و پیش از هر کاری که قصد انجام آن را دارد.

6. نماز هدیه

نماز هدیه این است که انسان نمازی را بخواند و آن را به اهل بیت ^ع، یا والدین، برادران دینی، اولاد و یا بستگان خود اهدا نماید. شک نیست که انسان می تواند ثواب اعمال صالحی را که در دنیا انجام می دهد به مردگان اهدا نماید و این ثواب به اجازه و فرمان خدا به آنها می رسد چه نماز باشد یا روزه، حج، صدقه، قرائت قرآن یا ذکر خدا و یا هر عمل صالح دیگر. در این رابطه روایات متعددی نیز وارد شده که ائمه اهل بیت ^ع به آنها عمل کرده اند.

علامه قمی نقل کرده که حضرت امام صادق \times هر روز دو رکعت نماز برای والدین خود می خواند که در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره کوثر قرائت می نمودند. و آن حضرت برای فرزند متوفای خود اسماعیل نیز در هر شب دو رکعت نماز می خواند همچنین وارد است همان گونه که زندگان از گرفتن هدیه شادمان می شوند مردگان نیز از دعا و استغفار زندگان برای آنها خوشحال می گردند و ثواب نماز و روزه و حج و صدقه و کارهای خوب و دعا به قبر میت داخل شده و پاداش آن، هم به میت می رسد و هم به کسی که آن را انجام داده است.⁽¹⁾

1. محدث قمی، مفاتیح الجنان، باقیات الصالحات 214 - 215.

ما هم قبلا در مبحث اعمال و عبادات هفتگی نمازهایی را که با دستور و روش خاصی به ائمه اهل بیت [^] هدیه می شود آورده ایم. ⁽¹⁾

(1) نماز ليله الدفن: و از نمازهای معروف و متداول در میان اقلیت شیعه که از مصادیق نماز هدیه به شمار می رود نماز **ليله الدفن** یا **نماز وحشت** می باشد که دو رکعت بوده و نماز گزار آن را به میتی که از برادران دینی، یا بستگان او است در شب دفنش هدیه می کند و دو روش برای خواندن آن وارد شده است:

1. بعد از فاتحه در رکعت اول آیه الکرسی و در رکعت دوم ده مرتبه سوره قدر بخواند و پس از پایان نماز بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها إلی قبر فلان» خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ثواب این نماز را به قبر فلانی (نام میت را ذکر کند) بفرست. ⁽²⁾

2. بعد از حمد در رکعت اول دو بار سوره توحید و در رکعت دوم ده مرتبه سوره تکاثر خوانده شده و در پایان نماز همان دعا را بخواند. ⁽¹⁾

سید بن طاووس در کتاب **جمال الاسبوع** برای کسی که نمازی را به پیامبر اکرم ' و ائمه معصومین [^] هدیه کند و در رکوع و سجود آن نماز نیز ذکر خاصی را بگوید، ثواب و پاداش بسیار بزرگی را بیان

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 284.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 285، ح 2.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 285، ح 3.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

کرده است.⁽¹⁾

(2) نماز فرزند برای والدین: نماز دیگری نیز هست که از مصادیق نماز هدیه محسوب می‌شود و علامه قمی آن را ذکر کرده است، این نماز که نماز هدیه فرزند برای والدین خود می‌باشد، دو رکعت بوده و در رکعت اول فاتحه و ده مرتبه آیه: {رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ}⁽²⁾ و در رکعت دوم بعد از فاتحه ده مرتبه آیه شریفه: {رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ}⁽³⁾ را قرائت نموده و در پایان نماز ده مرتبه این آیه را بخواند: {رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا}⁽⁴⁾

* * *

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5 / 285، ح 4.

2. پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 216.

3. پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید، و بر مردان و زنان بالیمان ببخشای. محدث قمی، مفاتیح الجنان / 216.

4. پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی. پروردند.

روزه

روزه از مهم‌ترین عباداتی است که در قرآن کریم ذکر آن آمده است:

{كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ}

روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما
[بودند] مقرر شده بود

و این بدان معنی است که این عبادت دارای ریشه تاریخی طولانی
است که با تاریخ رسالت‌های الهی امتداد یافته است خداوند متعال
همچنین فرموده است:

{وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ}

از شکیبایی و نماز یاری جوئید. و به راستی این [کار] گران است، مگر
بر فروتنان.

که صبر و شکیبایی در این آیه به روزه تفسیر شده است.

عبادت روزه دارای انواع مختلف واجب، مستحب و حرام می‌باشد.

روزه واجب

روزه ماه مبارک رمضان از بهترین و با فضیلت ترین نوع روزه واجب می باشد.

همچنین در كفاره قتل عمد و غیر عمد، همچنین در كفاره قسم، روزه دو ماه متوالی واجب است.

همچنین بر حاجی که قربانی نیافته باشد ده روز روزه واجب می شود که سه روز آن را در حج و هفت روز آن را باید پس از بازگشتن به وطن خود بگیرد.

روزه همچنین به واسطه نذر، عهد، قسم و نیابت از میت نیز واجب می شود. برخی از فقها را نیز عقیده بر آن است که هر کس نماز عشای خود را قضا کند روزه روز بعد بر وی واجب بوده و باید روز بعد را روزه دار باشد. همچنین بر معتکفی که دو روز از اعتکاف را سپری کرده باشد اتمام اعتکاف با گرفتن روزه روز سوم واجب است که بعداً نیز در این رابطه بحثی خواهیم داشت.

احکام روزه در کتاب های فقهی و رساله های عملیه به صورت مفصل ذکر شده که برای دستیابی به این احکام ناچار باید این کتاب ها را مورد مطالعه قرار داد.

اهل بیت [^] نیز اهمیت ویژه ای به این عبادت داده و صدها روایت در رابطه با این عبادت از آن بزرگواران صادر گردیده است که بیان کننده احکام و جزئیات مختلف مربوط به آن می باشد.

روزه دو روز عید فطر و قربان، ایام تشریق در منی و روز دهم محرم الحرام (روز عاشورا) به عنوان تبرک نیز حرام است، همچنین روزه روز وصال یعنی روزه‌ای که دو روز را بدون افطار و با یک نیت به هم وصل کند حرام است.

روزه مستحب

به جز روزهایی که گفتیم روزه گرفتن در آنها حرام است در بقیه روزهای سال گرفتن روزه مستحب است و دانستیم که در دو ماه رجب و شعبان، همچنین در سه روز پنجشنبه اول، چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر هر ماه که بنا بر روایات معادل یک عمر روزه است و روزهای چهارگانه در سال که در باب‌های پیشین گفتیم، این استحباب مؤکد می‌گردد.

استحباب روزه را به صورت مطلق می‌توان از روایاتی که در باره فضیلت و خوبی آن وارد شده است استنباط کرد.⁽¹⁾ به علاوه احادیثی که در تفسیر آیه کریمه ذکر شده در ابتدای بحث وارد شده است. اما مواردی نیز هست که به جهت همراه شدن روزه با ویژگی خاصی، استحباب آن از تأکید بیشتری برخوردار می‌شود:

1- از برخی روایات بر می‌آید که روزه گرفتن در تابستان از فضیلت و پاداش بیشتری برخوردار است و در بعضی از این روایات از این عمل تعبیر به جهاد شده است و یا اینکه برترین جهاد روزه گرفتن در

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 378 باب استحباب روزه تطوع در همه ایام سال.

گرما است.⁽¹⁾

2. روزه گرفتن جوانی که توانایی ازدواج را ندارد؛ آنجا که روزه ابزار کنترل شهوت و لجام غرایز وی می‌گردد. در همین راستا از پیامبر اکرم ' روایت شده است که فرمود:

هر کس از شما که توان ازدواج دارد، باید که ازدواج کند و هر کس که توان آن را ندارد باید روزه بدارد که روزه مهار و لجام او است.

و از همان حضرت وارد شده است که وقتی عثمان بن مظعون ایده عقیم کردن خود را با آن حضرت در میان گذاشت به وی فرمودند:

این کار را نکن که مهار شهوت در امت من با روزه گرفتن است.

و در حدیث دیگری از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

قلمان حکیم به پسر خود گفت: روزه‌ای بگیر که شهوت را مهار کند، و روزه‌ای نگیر که تو را از نماز باز دارد، چرا که نماز در نزد خداوند از روزه محبوب‌تر است.⁽²⁾

3. در بعضی از روایات معتبر نیز بر روزه روز چهارشنبه تأکید شده است؛ با این استدلال که آتش یا عذاب در این روز نازل می‌شود و روزه سپر آتش است، اما بعید نیست که مراد از چهارشنبه در این احادیث همان

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 381، ح 16 و 17 و

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 386 - 387، ح 6 و 4 و 7.

چهارشنبه وسط ماه باشد که قبلاً گفتیم استحباب روزه در آن از تأکید بیشتری برخوردار است و بعضی از روایات نیز به این نکته اشاره دارند.⁽¹⁾

4. در پاره‌ای از روایات نیز بر استحباب روزه روز جمعه به شرطی که دو روز قبل از آن، پنجشنبه و چهارشنبه را هم روزه بگیرند دلالت دارند. و باز بعید نیست که مقصود این روایات هم نفی کراهت یا بیان جواز روزه گرفتن در این روزها باشد؛ چرا که شاید سؤال کننده به اعتبار عید بودن روز جمعه⁽²⁾، توهم ممنوعیت یا حرمت روزه در آن را داشته و اینکه اگر کراهتی وجود داشته با گرفتن روزه پنجشنبه و چهارشنبه مرتفع می‌گردد.

5. در برخی از روایات آمده است که روزه گرفتن در هنگام نزول بلاها، سختی‌ها، تنگناها، مصیبت‌ها و زلزله مستحب است؛ و خوب است که انسان روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه گرفته و در روز جمعه برای رفع آن مشکل‌ها دعا کند، و نیز از روایات چنین بر می‌آید که روزه همراه با صدقه بلا را دفع می‌کند.⁽³⁾

6. از دیگر انواع روزه مستحب روزه اعتکاف است که عبادتی همراه با روزه است و در آن، انسان معتکف حدّ اقل سه روز و دو شب را در مسجد می‌گذراند و در این مدت از پاره‌ای امور حلال و میباح

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 413، ح 3.

2. این مطلب از روایت نقل شده از کتاب تهذیب استفاده می‌شود ر.ک: بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 414، ح 2 و بقیه احادیث این باب.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 482، باب 21.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

پرهیز می‌کند مانند زن، بوی خوش و دیگر اموری که فقها در رساله‌های عملیه خود آنها را به تفصیل ذکر کرده‌اند.

نکاتی در باره روزه مستحب

در پایان مبحث روزه مستحب لازم است تا متذکر پاره‌ای از ملاحظات در باره روزه مستحب گردیم.

اول: خوب است که انسان روزه خود را پنهان داشته و از تظاهر به آن خودداری نماید امام صادق \times فرمود:

هر کس که روزه خود را پوشیده بدارد خداوند عزّ و جلّ به فرشتگان خود فرماید: بنده من از عذاب من به من پناه آورده، پناهش دهید، خداوند متعال فرشتگان خود را مأموریت داده است تا روزه داران را دعا کنند و خدا چنین فرمانی برای کسی صادر نمی‌کند مگر اینکه آن دعا را در حق دعا شونده مستجاب خواهد نمود.⁽¹⁾

دوم: اگر انسان روزه مستحب داشته باشد و به میهمانی به خانه برادر دینی خود برود و او غذایی به وی تعارف کند مستحب است که روزه خود را افطار کند و ثواب این عمل بیشتر از روزه او است و در بعضی از روایات آمده که بهتر است اصلاً نگذارد میزبان از روزه دار بودنش آگاه شود تا افطار کردن او نوعی منت گذاری بر میزبان باشد.⁽¹⁾

سوم: در مجموعه‌ای از روایات آمده است که زن بدون اجازه و

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 483، ح 1.

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 488، باب 24.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

رضایت شوهر نمی تواند روزه مستحبی بگیرد؛ همچنین در برخی دیگر از روایات نیز آمده است که فرزند بدون اجازه پدر و میهمان بدون اجازه میزبان هم نمی توانند روزه مستحب بگیرند.⁽¹⁾

پیدا است که همه این احکام از مضامین و محتوای اجتماعی، اخلاقی و تشکیلاتی برخوردار می باشند.

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 9 / 484، باب 23.

دعا

دعا از برترین عبادات بوده و قرآن کریم نیز در آیات متعددی همگان را به انجام آن تشویق کرده است، از جمله:

{وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ} (1)

و هرگاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند

و کلام خداوند متعال که:

{ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ} (2)

پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد

و {قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ

1. بقره / 186.

2. اعراف / 55.

{لِزَامًا} (1)

بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند. در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد

و این آیه که:

{ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ
داخرین} (2)

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند

قرآن کریم دعاهایی را از زبان تعدادی از پیامبران و صالحان نیز نقل نموده که در هنگام بروز مشکلات به درگاه او دست به دعا برداشته و به واسطه همان دعا از ایشان رفع بلا شده است.

اصل دعا از واجبات شرعی بوده و مؤمنان ناچار باید فی الجمله از آن غفلت نورزند، آیات فوق نیز بر همین نکته دلالت داشته روایاتی هم در تأکید این مضمون وارد شده است.

شیخ کلینی با سند معتبر از سدید، از حضرت امام باقر × نقل کرده که گفت:

1. فرقان / 77.

2. غافر / 60.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

به حضرت امام باقر × عرض کردم: برترین عبادت چیست؟

فرمود:

هیچ چیزی در نزد خداوند عزّ و جلّ برتر و بالاتر از این نیست که از او خواهش و تقاضا شود و بندگان از آنچه در نزد او است از وی درخواست کنند، و هیچ چیز در نزد خداوند عزّ و جلّ ناپسندیده‌تر از کسی نیست که تکبیر ورزیده و از آنچه در نزد خدا است خواهش و درخواست نکند.

و در روایت معتبری حماد بن عیسی گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

خدا را بخوان و نگو کار از کار گذشته و سرنوشت هر کس از پیش تعیین و مقدر گشته است؛ زیرا دعا خود عبادت است و خداوند عزّ و جلّ فرماید:

{در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر میورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند}.⁽¹⁾

و در روایت دیگری امام صادق × به میسر بن عبد العزیز فرمودند:

ای میسر، خدا را بخوان و نگو سرنوشت و تقدیر بندگان از پیش تعیین شده است. همانا در نزد خداوند متعال جایگاهی است که کسی بدون درخواست و دعا به آن نخواهد رسید، و اگر بنده‌ای دهان خود را از دعا

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 187، ح 1 و 4.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و درخواست ببندد و از خدا چیزی نخواهد چیزی به او داده نخواهد شد، پس بخواه تا به تو داده شود. ای میسر، هیچ دری نیست که کوییده شود مگر اینکه به زودی گشوده خواهد گردید.⁽¹⁾

همچنین وارد است که دعا کلید هر رحمت، برآورده شدن هر حاجت، سپر مؤمن و مغز عبادت بوده، هر گاه دعا کم شود بلا نازل می گردد.⁽²⁾

باز وارد است که دعا سلاح مؤمن، ستون دین، دفع کننده شر دشمنان رد کننده بلا، قبل یا بعد از نزول آن⁽³⁾ و شفای هر دردی است.⁽⁴⁾

[1] اسباب استجاب دعا

برای دعا آدابی وارد شده است، از جمله:

1- دعا کننده در حال دعا دستان خود را به آسمان بردارد و حال تضرع و زاری به خود گرفته دستان خود را حرکت بدهد و رفتار خود را به گونه ای سازد که نشان دهنده خواری، فقر و بریدن از دیگران باشد⁽⁵⁾، و پس از دعا نیز به هنگام پایین آوردن دستها سر و صورت و سینه خود را دست بکشد.

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 188، ح 5.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 184، ب 1.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 201، ب 3.

4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 213، ب 4.

5. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 214، ب 5.

2. حضور قلب و گرفتن حالت دعا و حسن نیت و روی دل با خدا داشتن.

3. معرفت خدا و حسن ظن به او.⁽¹⁾

4. حمد و ثنای الهی و تمجید و بزرگداشت خداوند قبل از دعا.

5. فرستادن صلوات بر رسول خدا و آل اطهار آن حضرت، که در این رابطه وارد است: تا دعا با صلوات بر محمد و آل محمد همراه نباشد از بالا رفتن به نزد خدا ممنوع است.⁽²⁾

6. ختم کردن دعا با صلوات بر پیامبر ' و آل آن حضرت، که در این رابطه وارد است، که هر کس حاجتی به نزد خداوند متعال دارد باید درخواست خود را با صلوات بر محمد و آل محمد آغاز کرده حاجت بخواهد و سپس دعای خود را با صلوات بر محمد و آل محمد خاتمه دهد؛ چرا که خداوند متعال بزرگوارتر از این است که آغاز و پایان دعا را اجابت کرده و میانه آن را واگذارد؛ چون صلوات بر پیامبر و آل او دعایی است که حتماً اجابت می‌شود.⁽³⁾

7. گریه کردن در حال دعا و حدّ اقل حالت گریه به خود گرفتن و ریختن اشک و لو به اندازه سر مگسی باشد.⁽⁴⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 220، ب 6 ح 1 و 6 و 7 و 9.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 236، ب 10.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 243، ح 26 به نقل از کافی.

4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 224، ب 7.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

- 8- اقرار و اعتراف به گناهان و استغفار از آنها.⁽¹⁾
- 9- توسل جستن به حضرت محمد ' و آل پاک آن حضرت برای رفتن به در خانه خدا⁽²⁾
- 10- استغاثه به خدا، به عنوان مثال ده بار گفتن ذکر **یا الله یا رب، یا سیداه، یا رحمن، یا رحیم و یا ارحم الراحمین** پیش از ذکر حاجت، که در این باره نیز وارد است که کسی از مؤمنین چنین نمی کند مگر اینکه خداوند متعال در پاسخ وی فرماید: «بله بنده من حاجت خود را بخواه».⁽³⁾
- 11- به زبان آوردن حاجت که در حدیث وارد است اگر چه خداوند تبارک و تعالی حاجت بنده خود را هنگام دعا می داند، اما دوست می دارد که حاجت بنده، آشکارا در نزد وی بیان شود. پس چون حاجتی به نزد خداوند داشتی آن را به صراحت به زبان بیاور.⁽⁴⁾
- 12- التماس و اصرار در دعا و مکرر خواستن آن که در این رابطه وارد است: خداوند اصرار و التماس دعا کنندگان را دوست می دارد.⁽⁵⁾
- 13- پنهان دعا کردن در امور خاص که وارد است دعا کردن در

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 277، ب 8.
2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 244، ب 11.
3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 257، ب 12.
4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 197، ح 1.
5. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 263، ب 14.

پنهان معادل هفتاد دعای آشکار است.⁽¹⁾

14- واگذار کردن کار به خدا در دعا و گفتن:

ما شاء الله و لا حول و لا قوة إلا بالله⁽²⁾ که در این باره نیز وارد است: که چون بنده خدا این را بگوید، خداوند نیز در برابر به فرشتگان خواهد فرمود:

بنده من خود را درست در اختیار من نهاد و تسلیم امر من گردید، حاجت او را برآورید.

15- توبه کردن به درگاه خداوند، رعایت تقوی و پرهیز از محرّمات الهی؛ در این رابطه نیز وارد است:

هر کس از مستجاب شدن دعای خود شادمان می‌شود، باید کسب و کار خود را پاکیزه گرداند؛ چرا که گاه مردی لقمه‌ای به دهان می‌برد که تا چهل روز دعای او را از استجابت باز می‌دارد.⁽³⁾

16- اجتماع کردن برای دعا به درگاه خدا به تعداد چهل نفر یا چهار نفر که جمع شدن این تعداد و اتفاق نظر آنان بر خواستن یک دعا از اسباب استجابت است.⁽⁴⁾ و وارد است که حضرت امام باقر × چون

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 273، ب 16.

2. آنچه خداوند بخواهد همان می‌شود و هیچ توش و توانی جز به خداوند نیست.

بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15/274، ب 17.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 294، ب 24.

4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 298، ب 25.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

از مسئله‌ای نگران و غمگین می‌شدند، دستور می‌دادند زنان و کودکان جمع شوند و به دعای آن حضرت آمین بگویند. و از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

الداعی و المؤمن شریکان

دعا کننده و آمین گو در دعا شریک هستند.

17. دعا برای عموم برادران دینی و اختصاص ندادن دعا به شخص خود که در این باره نیز از پیامبر اکرم ' وارد شده است که فرمود:

هرگاه کسی از شما دعا کرد دعای خود را تعمیم دهد که این امر موجب استجاب دعا او می‌شود⁽¹⁾

و در روایات به گفتن این جمله در دعاها نیز ترغیب شده است:

اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات⁽²⁾

خداوند! مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را بیامر که ثواب بسیار بزرگی دارد.

18. رعایت حدود و تجاوز نکردن از آنها در دعا، یا پرهیز از دعا کردن به ناحق و خواستن امور گناه آلود از خدا و در روایات وارد است که گاه بنده مظلومی به واسطه دعای نا به جا مبدل به ظالم

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 301، ب 26.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15/314، ب 29.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

می شود.⁽¹⁾

19- پرداخت مظالم مردم، یعنی حقوق مالی که از مردم بر گردن دعا کننده است که از قول خداوند متعال وارد شده است که فرمود:

و عزّتی و جلالی لا أوجب دعوة مظلوم في مظلمة و لأحد عنده مثل تلك المظلمة⁽²⁾

به عزت و جلالم سوگند، دعای مظلومی را در ظلمی که به او شده اجابت نخواهم نمود که خود مانند همان ظلم را در حق دیگری کرده باشد.⁽³⁾

20- داشتن وضو و طهارت در هنگام دعا.

21- رو به قبله بودن در هنگام دعا.

22- صدقه دادن قبل از دعا.

23- پیشدستی کردن به دعا قبل از نزول بلا.

24- التماس دعا گفتن به برادران دینی؛ در همین زمینه از رسول خدا ' وارد است که فرمود:

هیچ دعایی سریع تر از دعای غایب برای غایب به اجابت نمی رسد.

و وارد است که خداوند دعای مؤمنی را در غیاب مؤمن دیگر رد

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 325، ب 34.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15/345، ب 45.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 345، ب 45.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

نموده و به او خطاب می‌کند: «و برای تو نیز مانند آن است»⁽¹⁾.

25. اینکه قبل از دعا برای خود به چهل نفر از مؤمنین دعا کند که یکی از مصادیق تعمیم در دعا اما با روشی خاص می‌باشد.⁽²⁾

دیگر اسباب استجاب

علاوه بر آداب و اسبابی که برای استجاب دعا گذشت، اسباب و علل دیگری نیز هست که به زمان یا مکان دعا و حالت دعا کننده باز می‌گردد.

1. زمان دعا

پیشتر به بعضی از اوقات مناسب برای دعا اشاره‌ای داشتیم، این اوقات مبارک عبارت هستند از: روز و شب جمعه، آخرین ساعت از روز جمعه، ثلث آخر شب، ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، خصوصاً شب‌های سه گانه و بالاخص شب بیست و سوم، همچنین شب و روز عرفه که دعا کردن در این روز از روزه گرفتن در آن فضیلت بیشتری داشته و در صورتی مستحب است که موجب ضعف از دعا نگردد، شب و روز مبعث، شب عید فطر و قربان، شب و روز عید غدیر، شب اول رجب، شب نیمه شعبان، شب و روز نیمه رجب، روز میلاد پیامبر اکرم [ؐ]، همچنین در هنگام ظهر، فاصله بین طلوع فجر تا طلوع خورشید (بین الطلوعین)، وقت غروب خورشید، هنگام وزش باد، بر طرف شدن سایه، آمدن باران و هنگام ریخته شدن اولین قطره خون از کشته مؤمنی بی گناه، که در اوقات

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 304، ح 9.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 317، ب 30.

یاد شده درهای آسمان گشوده می‌گردد.⁽¹⁾

به همین ترتیب است وقت قرائت قرآن، وقت گفتن اذان و هنگام رو به رو شدن دو صف در جنگ برای شهادت⁽²⁾، و هنگام دعا کردن مظلوم که در چنین وقتی جز عرش حجابی میان او و خدا نیست.⁽³⁾

همچنین در وقت لرزیدن بدن و یا جاری شدن اشک از دیدگان، یا وقتی که خورشید در وسط آسمان قرار گرفته یا به صورت مایل در آید، که در این ساعات نیز درهای آسمان باز بوده و امید یاری فرشتگان و اجابت خداوند تبارک و تعالی می‌رود.⁽⁴⁾

همچنین بعد از نمازها، بین دو نماز و در وقت افطار.⁽⁵⁾

2. مکان دعا

به لحاظ مکانی نیز چند نقطه از مسجد الحرام و مشاهد مشرفه حج در استجاب دعا مؤثر می‌باشند: زیر ناودان طلا در حجر اسماعیل، کنار مقام ابراهیم، حجر الاسود، محلی بین مقام ابراهیم و در و درون خانه کعبه، کنار چاه زمزم، بالای کوه صفا و کوه مروه، در مشعر الحرام، در محل رمی جمرات

-
1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 277، ح 1.
 2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 277، ح 2.
 3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 277، ح 3.
 4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 277، ح 8.
 5. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 279، ح 12.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و در وقتی که چشم انسان به خانه کعبه می افتد.⁽¹⁾

همچنین در کنار قبر پیامبر اکرم '، در مسجد نبوی به ویژه در روضه که میان قبر و منبر است، همچنین حرم حضرت امام حسین × و مساجد مشرفه همچون مسجد کوفه.

3. حال دعا کننده

به لحاظ حالت دعا کننده نیز می توان گفت: دعای روزه دار رد نخواهد گردید، همچنین دعای بیمار، حاجی و عمره گزار، و نیز دعای سه نفر که در نزد برادر دینی خود اجتماع کنند و از بدی او در امان بوده و از وی بیم و هراسی در دل نداشته باشند.

همچنین دعای مظلوم بر ضد کسی که بر وی ستم روا داشته و دعای او برای کسی که به یاریش شتافته است که در این باره از حضرت امام صادق \times نقل شده است که فرمود:

از دعای (نفرین) مظلوم پرهیزید که دعای او به آسمان صعود می کند.⁽¹⁾

و نیز دعای مؤمن نیازمند برای برادر دینی که نیازش را برآورده سازد و نفرین او بر وی در هنگامی که با علم به نیاز و آبرومندی وی در عدم درخواست، به رفع مشکل وی اقدام نکرده باشد.

و دعای مریض برای عیادت کننده و گدا برای یاری دهنده، دعای مسافر، دعای پدر در حق فرزند خوب و نفرین وی در حق فرزند بد، دعای امام عادل و دعای همسایه برای همسایه.⁽²⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 302، ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15، ب 27.

4. کسانی که دعایشان مستجاب نمی شود

در برخی از احادیث اهل بیت [^] آمده است که اگر دعا برخلاف قواعد و اصول بوده، خارج از اسباب طبیعی و شرعی که خداوند برای برآورده شدن نیازمندی‌های بشر قرار داده است باشد، یا انسان امکان و توان تلاش برای به دست آوردن آنچه را به دعا از خدا می‌خواهد، را داشته باشد، چنین دعایی مستجاب نخواهد گردید و در احادیث به نمونه‌هایی از این دست اشخاص اشاره شده است که در ذیل می‌آید:

1- کسی که توان و قدرت سعی و تلاش در راه به دست آوردن روزی را دارد که خداوند نیز وی را به انجام این کار فرمان داده است، اما در عین حال در خانه می‌نشیند و از خداوند می‌خواهد که او را روزی دهد.

2- کسی که همسر ناسازگاری دارد و می‌تواند با طلاق دادن وی، از دستش خلاص شود، اما او را طلاق نداده و فقط نفرینش می‌کند.

3- کسی که به دیگران قرض بدهد و در محکم کاری و گرفتن شاهد و امثال این امور سهل انگاری کند و چون بدهکاران پولش را پس ندهند، آنها را نفرین کند.

4- کسی که همسایه بدی دارد و می‌تواند خانه خود را عوض کند، اما به جای این کار همسایه را نفرین کند.

5- کسی که با ندانم کاری روزی خود را که خداوند عایدش نموده

تباه کند و آنگاه بنشیند و از خدا روزی بخواهد.

6- گناهکارانی که بر انجام معصیت اصرار داشته باشند و حرام خواری که می‌توانند توبه و انابه نموده و حرام خواری را ترک نمایند که دعای این دسته نیز مستجاب نخواهد گردید.⁽¹⁾

با ملاحظه این موارد می‌توان دریافت که چون خداوند برای ایجاد تغییرات در جامعه انسانی اسباب و عوامل طبیعی قرار داده که به مصداق قاعده قرآنی {إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ} به تغییر در خود افراد بستگی دارد، دعا کردن در این باره تأثیری نداشته بلکه نیازمند تغییر درونی افراد جامعه بوده، و محدوده تأثیر دعا منحصر در بر طرف کردن سایر موانع یا فراهم آوردن اسباب و عوامل خارج از قدرت و توان انسان است.

[2] توصیه‌های خاص در زمینه دعا

اهل بیت [^] - علاوه بر آنچه گذشت - شیعیان را در مسئله دعا با شیوه تربیتی خاصی تربیت کرده‌اند؛ آنان کیفیت دعا و آنچه باید در دعا گفته شود را به آنان آموخته و روایات بسیاری در این رابطه وارد شده است که اگر کسی قصد تحقیق در این زمینه را داشته باشد آنها را در جای جای کتب حدیثی خواهد یافت و ما در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 321، ب 33.

1. نفرین⁽¹⁾ بر دشمنان

شیعیان همواره به دشمنان و کینه ورزان زیادی مبتلا بوده‌اند؛ ائمه اهل بیت [^] نیز همواره با همین مشکل مواجه بوده‌اند، و از آنجا که در هنگام بسته شدن همه درهای چاره، دعا سلاح مؤمن است روایاتی وارد شده که در آنها اهل بیت [^] یا شیعیان ایشان از این سلاح بر ضد دشمنان خود استفاده کرده‌اند:

وقتی داوود بن علی عباسی، معلی بن خنیس را دستگیر و زندانی کرده و تصمیم بر کشتن وی گرفت، معلی که وضع را چنین دید به وی گفت: من اموالی دارم، بدهی بسیاری نیز بر عهده دارم، مرا به بازار و میان مردم ببر تا در برابر آنان به بدهی‌های خود اقرار کنم.

داود بن علی وی را به بازار فرستاد و وقتی مردم جمع شدند گفت: ای مردم، من معلی بن خنیس هستم و هر کس مرا می‌شناسد، شاهد باشید آنچه از مال، چشمه، بدهی، غلام، کنیز و خانه، کم یا زیاد به جا می‌ماند از آن جعفر بن محمد ' است در این هنگام فرمانده سربازان داوود که به همراه او بود خشمگین شده به معلی حمله کرد و او را به قتل رساند.

چون خبر قتل معلی به حضرت امام صادق × رسید، آن حضرت شتابان از خانه خارج شد و در حالی که دنباله لباسش به زمین کشیده می‌شد و

1. نفرین از این جهت در بحث دعا آمده که در زبان عربی دعا و نفرین هر دو با لفظ دعا استعمال شده و با قید ((له)) یا ((علیه)) از یکدیگر متمایز می‌گردند، بنا بر این عبارت (دَعَا لَهُ) معنی دعا و عبارت (دَعَا عَلَيْهِ) معنی نفرین دارد - مترجم.

فرزندش اسماعیل نیز از دنبالش می‌آمد به خانه داود بن علی وارد شد و فرمود: ای داود، دوست مرا کشتی و مال مرا گرفتی. داود گفت: نه من او را کشته‌ام و نه مال تو را ربوده‌ام. امام فرمودند: به خدا سوگند من کسی که دوستم را کشته و مال مرا ربوده نفرین خواهم کرد. داود گفت: من او را نکشته‌ام، بلکه فرمانده سربازان او را کشته‌است. امام فرمودند: آیا با اجازه تو این کار را کرد یا بدون اجازه تو؟ داود گفت: بدون اجازه من. امام به فرزندش اسماعیل فرمود: برو و به حساب او برس. اسماعیل با شمشیر بیرون رفت و او را دستگیر کرد و در مجلس داود بن علی به قتل رساند.

اما در روایت دیگری چنین آمده است که:

حضرت امام صادق \times در آن شب یکسره در حال نماز و سجده بود و در آخر شب شنیدم که در حال سجده می‌فرمود: خداوندا، تو را به قدرت نیرومند، انتقام سخت و عزتت که همه مخلوقات در برابر آن خوار و ذلیل هستند می‌خوانم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و او را همین الآن، همین الآن به انتقام بگیری معتب گوید: به خدا سوگند، آن حضرت هنوز سر از سجده پر نداشته بود که صدای شیون از خانه داود بن علی برخاست و گفتند از دنیا رفت⁽¹⁾.

اسحاق بن عمار گفت:

از همسایه خود و آزارهایی که به من می‌رساند، به نزد حضرت امام

1. چنانکه از سایر روایات در مورد این جریان بر می‌آید، داود بن علی خود دستور قتل معلی را به فرمانده داده بود و به همین جهت به نفرین حضرت امام صادق گرفتار شد - مترجم.
2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 327، ب 35 ح 2.

صادق × شکایت بردم.

آن حضرت به من فرمودند: او را نفرین کن ⁽¹⁾ من این کار را انجام دادم و نتیجه‌ای نگرفتم لذا به نزد آن حضرت بازگشتم و دوباره از همسایه شکایت کردم.

فرمود: نفرینش کن.

عرض کردم: نفرینش کرده‌ام اما تأثیری نداشته است.

فرمود: چگونه نفرینش کردی؟

عرض کردم هر گاه او را ملاقات کردم نفرینش کردم.

فرمود: هنگامی که با او رو به رو نیستی نفرینش کن.

من نیز همین کار را کردم و طولی نکشید که خداوند مرا از شر او خلاص کرد. ⁽²⁾

یونس بن عمار به حضرت امام صادق × عرض کرد:

همسایه‌ای دارم از قریش از آل محرز که پشت سر من بدگویی کرده و حرف مرا بر سر زبان‌ها می‌اندازد و هرگاه که از کنار او می‌گذرم می‌گوید: این رافضی است و برای جعفر بن محمد پول می‌برد.

1. ظاهراً چون در آن زمان بیشتر مردم معتقد به ولایت اهل بیت [^] نبودند و تبلیغات

نیز بر ضد شیعه از جانب خلفا زیاد بود این همسایه نیز از این باب این شیعه را آزار می‌داده است و شاید این حکم در باره هر همسایه‌ای نباشد - مترجم.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 327، ب 35 ح 7.

آن حضرت به من فرمودند: «او را نفرین کن، به این صورت که چون در سجده آخر از دو رکعت اول نماز شب بودی حمد خدا را به جا آورده و او را به بزرگی یاد کن و بگو: خداوندا، فلانی پسر فلانی آبروی مرا برده و اسرار مرا در نزد عموم افشا نموده و با این کار مرا خشمگین ساخته و در معرض خطر قرار داده است. خداوندا، او را با چنان تیر سریعی بزن که وی را از آزار من باز دارد. خدایا، مرگ او را نزدیک و آثارش را قطع کن و در این کار در همین ساعت، در همین ساعت تعجیل فرما.

راوی گوید: چون به کوفه رسیدم شب بود و از خانواده خود در باره آن همسایه سؤال کردم، گفتند: مریض است. هنوز آخرین سخن از دهان من خارج نشده بود که صدای شیون از درون خانه او به گوش رسید که خیر از مرگ وی می‌داد».⁽¹⁾

2. مباحله

اهل بیت [^] با الهام گرفتن از شیوه قرآنی مباحله در قضیه مسیحیان نجران، به شیعیان خود می‌آموختند تا آن گاه که منطق و موعظه حسنه در مباحثه و مناظره با دشمنان کاربرد نداشت و امکان هدایت آنان از این راه فراهم نگردید، از راه مباحله وارد شوند.

ابومسروق به حضرت امام صادق \times عرض کرد:

وقتی ما با مردم به بحث و مناظره می‌پردازیم و از آیات قرآن برای آنها استدلال می‌کنیم وقتی به این آیه می‌رسیم که {أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 327، ب 35 ح 11.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ} (1)

پاسخ می‌دهند: این آیه فقط در باره فرماندهانی است که از جانب پیامبر در جنگ‌ها منصوب می‌شدند و چون این آیه را می‌خوانیم که: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ} (2) می‌گویند این آیه در باره همه مؤمنان است

و چون با این آیه با آنان استدلال می‌کنیم که: {قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى} (3) پاسخ می‌دهند که این آیه در باره بستگان و خویشان همه مسلمانان نازل شده است. و از این قبیل آیات و استدلال‌ها و شبهاتی که درباره آنها بیان می‌شود در نزد آن حضرت چیزی را فروگذار نکردم.

چون سخن من به پایان رسید آن حضرت فرمودند: اگر کار به اینجا کشید آنان را به مباحله دعوت کن.

عرض کردم چگونه این کار را انجام دهم؟

فرمود: سه روز به اصلاح نفس خود بپرداز، و گمان می‌کنم که فرمود: روزه بگیر و غسل کن و به همراه آن شخص به گورستان برو و انگشتان

-
1. خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [تیز] اطاعت کنید.
 2. ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.
 3. بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.

دست راست خود را در میان انگشتان دست او بگذار و انصاف را رعایت نموده از خود شروع کن و بگو: ای خدایی که پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار زمین‌های هفتگانه، دانای آشکار و نهان و بخشنده مهربانی، اگر ابومسروق حقی را انکار کرده و ادعای باطلی نموده است، آفتی از آسمان یا غذایی دردناک بر وی فرو فرست. آنگاه دعا را به سوی او برگردان و بگو: و اگر فلانی حقی را انکار نموده و یا ادعای باطلی دارد آفتی از آسمان یا غذایی دردناک بر وی فرود آور.

سپس آن حضرت به من فرمودند: در این صورت طولی نخواهد کشید که آن عذاب را در وی مشاهده خواهی نمود.

ابومسروق گوید: به خدا سوگند کسی از خلق خدا را نیاقتم که به دعوت مباحله من پاسخ مثبت دهد.⁽¹⁾

و در روایت معتبر دیگری ابوجعفر محمد بن نعمان گفت: حضرت امام صادق × به من فرمودند:

با آنان بر سر اعتقادات به حق خود مناظره و بحث کنید و هدایتی را که نصیب شما گردیده است برای آنان تبیین نموده و در باره ولایت حضرت علی × با آنان مباحله کنید.⁽²⁾

مطالبی هم که بیشتر در بحث ساختار امنیتی و ساختار روابط اجتماعی جماعت صالح بیان داشتیم که دعوت دیگران به راه حق به

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 ب 36 ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 ب 36 ح 4.

تقسیم اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

عنوان یک اصل ثابت، یک وظیفه واجب الهی بوده و اگر گاه اهل بیت [^] شیعیان خود را از این کار منع می کرده اند به جهت شرایط خاص سیاسی بوده که شیعه با آن رو به رو می شده اند نیز مؤید همین بحث مباحثه و دو روایت ذکر شده، می باشند.

3. هشدار در موارد اشتباه در دعا

اهل بیت [^] در ایجاد ساختار جماعت صالحان به این نکته نیز توجه کافی داشته اند که در موارد اشتباه در مسئله دعا و سخن گفتن و مناجات با خدا نیز هشدارهای لازم را به شیعیان خود بدهند؛ روایاتی در این زمینه وارد شده است که به برخی نمونه های این هشدار و آموزش اشاره کرده است:

کاهلی گفت:

به حضرت امام رضا × نامه ای نوشتم که در آن در باره دعای الحمد لله منتهی علمه پرسیده بودم.

آن حضرت در پاسخ این گونه نوشتند که: نگو منتهی علمه، بلکه بگو: منتهی رضاه. ⁽¹⁾

و نیز حضرت امام صادق × فرمود:

حضرت امیرالمؤمنین × شنیدند که مردی می گوید: خداوندا، من از فتنه به تو پناه می برم.

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15، ب 37 ح 1.

آن حضرت به وی فرمودند: می بینم که تو از مال و فرزندان خود به خدا پناه می بری؛ چرا که خداوند متعال فرموده است: {اموال و فرزندان شما فتنه (وسیله آزمایش شما) هستند}، بنا بر این بگو: خداوند، از فتنه های گمراه کننده به تو پناه می برم.⁽¹⁾

شخصی بر حضرت صادق \times داخل شد و گفت: خدا خیرت دهد، من مردی هستم که شما را از عمق جان دوست می دارم و اکنون به شدت نیازمند شده ام و نیاز خود را به نزد قوم و قبیله و بستگان خود برده ام اما این کار آنان را از من دورتر کرد.

امام به وی فرمودند:

آنچه خداوند متعال به تو عنایت کرده است به مراتب بهتر از چیزی است که از تو گرفته است.

مرد گفت: فدایت شوم، از خدا بخواه که مرا از همه خلق خود بی نیاز کند.

آن حضرت در پاسخ وی فرمودند: خداوند متعال روزی هر کدام از بندگان خود را در دست تعدادی از بندگان دیگر خود تقسیم نموده است، پس از خدا بخواه که تو را از محتاج شدن به مخلوقات پست و لئیم خود بی نیاز گرداند.⁽²⁾

و در روایت دیگری حضرت امام صادق \times فرمود:

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15، ب 38 ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15، ب 40 ح 1.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

مردی که در نزد پدرم نشسته بود گفت: خداوندا، مرا از خلق خود بی نیاز کن. پدرم به او فرمود: این گونه نگو، بلکه بگو: خداوندا، مرا از خلق شرور خود بی نیاز کن؛ چون مؤمن هرگز از برادر مؤمن خود بی نیاز نیست.⁽¹⁾

و حضرت موسی بن جعفر ' فرمود:

نگاه حضرت امام باقر × به مردی افتاد که می گفت: خداوندا، از تو می خواهم که از روزی حلال خود به من بدهی.

آن حضرت به وی فرمودند: روزی پیامبران را از خدا خواستهای. بگو: خداوندا، از تو می خواهم روزی حلال، گسترده و پاک⁽²⁾ خود را به من بدهی.⁽³⁾

4. به زبان آوردن دعا

گاه می شود که دعا تنها بر قلب انسان می گذرد که عبارت از حمد و ثنا و بزرگداشت خدا و نشان از احساسات و عواطف درونی انسان نسبت به او و نیازهای وی از خدا می باشد.

اما گاه نیز دعا کردن انسان به صورت قرائت دعاها یا مآثور یعنی

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15، ب 40 ح 3.

2. فرق بین روزی حلال و روزی پاک این است که روزی حلال آن است که در متن واقع از هر گونه آلودگی مبرا و منزّه باشد که بدون شك روزی پیامبران خدا از این قبیل بوده و چنین رزقی بسیار اندک و به دست آمدن آن بسیار مشکل است و کسی که چنین روزی را از خدا بخواهد به سختی معیشت مبتلا خواهد شد. اما روزی پاک آن است که به لحاظ ظاهر شرع منعی در آن نباشد اگر چه ممکن است در واقع این گونه نباشد - مترجم.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 319، ح 4.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

متون دعایی پیامبر و اهل بیت [^] است که با دستور و شیوه اجرایی خاص یا در ضمن آیات قرآن مجید وارد شده است.

پیشوایان اهل بیت [^] در عین اینکه دعاهای نوع دوم و روش‌های آن را به شیعیان خود می‌آموختند، به این مقدار بسنده نکرده شیعیان خود را به انجام نوع اول دعا یعنی دعاهای درونی و برآمده از دل نیز تشویق و ترغیب می‌نموده‌اند تا بدین وسیله روحیه ابداع و ابتکار در انجام این عمل صالح در آنها تقویت گشته، تأکیدی بر این نکته باشد که دعا جلوه گاه حقیقی حالت درونی و وجدانی افراد، و در تعامل مستقیم با احساسات و نیازمندی‌های انسان است. همچنین نشانه رعایت سهولت و آسان‌گیری در دعا و پاسخگویی به نیازهای درونی انسان بدون نیاز به حفظ متن خاص یا همراه داشتن همیشگی کتاب دعا باشد.

البته دعاهای مأثور چنان که بعداً نیز خواهیم دید همواره در تعلیم و تزکیه و تعبیر از جایگاه و ارزش والا و نقش عظیمی برخوردار بوده است.

ابن طاووس از کتاب دعای سعد بن عبدالله با سند وی از زراره نقل می‌کند که گفت:

به حضرت امام صادق \times عرض کردم: مرا دعایی بیاموز.

آن حضرت فرمود: برترین دعا آن است که اناخود آگاه! بر زبان تو

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

جاری می‌شود.⁽¹⁾

شیخ صدوق نیز در خصال از حضرت امام باقر \times نقل کرده که فرمود:

هفت جا است که دعای مخصوصی ندارد (یعنی می‌توان هر دعایی را در آنها خواند): هنگام نماز بر مردگان، در قنوت، در مستحجار، در صفا، در مروه، در وقت وقوف در عرفات، و در هنگام خواندن دو رکعت نماز طواف.⁽²⁾

بعضی از روایات نیز دلیل این امر را سهولت و آسانی کار مردم تفسیر کرده‌اند.

بکر بن حبیب می‌گوید:

به معصوم عرض کردم: در تشهد و قنوت نماز خود چه دعایی بخوانم؟
فرمودند:

بهترین چیزی را که بلدی در آنها بگو؛ چرا که اگر بنا بود چنین دعاهایی از پیش تعیین شده (و غیر قابل تغییر) باشد، مردم به زحمت و هلاکت می‌افتادند.⁽³⁾

و در روایت دیگری آمده:

اگر چنان که اینها می‌گویند در این موارد خواندن دعای خاصی واجب بود، مردم هلاک می‌شدند. مردم آسان‌ترین چیزی را که می‌دانند

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 337، ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 3 / 321، ح 5.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 5 / 334، ح 21 همچنین ح 22.

می‌خوانند.⁽¹⁾

[3] جمع بندی نظری مسئله دعا

از این مرور بر موضوع دعا و شئون مختلف آن می‌توانیم به دیدگاهی کلی در باره مسئله دعا برسیم که در ذیل به سرفصل‌های این دیدگاه اشاره می‌شود:

1. دعا راه و روش تربیت، تعلیم، تزکیه، تطهیر و تعیین کیفیت سخن گفتن بندگان با پروردگار خویش است که با تمجید و حمد و ثنای الهی، پناه بردن به خدا، طلب فرود آمدن رحمت الهی و حاجت خواستن از او همراه می‌باشد و این مهم به وسیله قرائت دعاهاى مأثوره و پیروی از آموزه‌های اهل بیت عصمت و طهارت: در رابطه با شیوه دعا کردن و اسباب مستجاب شدن آن، به وضوح تحقق می‌یابد.

2. دعا نشان دهنده موضع عملی انسان در قبال خالق و پروردگار خویش است که عبارت است از: ایمان و تقید به بندگی خداوند، همچنین نشانه ایمان دعا کننده به غیب و نقش جهان غیب در زندگی مادی انسان و ارتباط آن با عالم غیب می‌باشد، به همین جهت است که دعا کردن از واجبات شرعی دانسته شده است.

3. جهان آفرینش که توسط خداوند متعال و بر اساس نظامی متقن آفریده شده است دارای دو جنبه است: یکی جنبه قهری تکوینی و دیگری جنبه اختیاری و ارادی که به انسان و اراده و اسباب و نتایج

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 5 / 335، ح 26.

تقسیم اهل بیت ^۸ در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

و آثار اراده او مربوط است.

دعا نیز بخشی از این نظام فراگیر و عامل مؤثری در آن است که پیوند دهنده اراده، عمل و رفتار انسان با اراده خداوندی است؛ اراده‌ای که قادر و مسلط بر کل هستی، از جمله انسان و اراده او است و موجب می‌گردد که اراده قاهره خداوندی بر اساس شرایط و ضوابط خاصی پاسخگوی اراده انسانی گردد، که به این فرایند استجاب دعا می‌گوییم.

برخی از این شرایط و ضوابط بدین قرار هستند:

الف: میزان ارتباط انسان با خدا از راه بندگی و هماهنگی اعمال و رفتار وی با خواست و اراده تشریحی خداوند متعال به عبارت دیگر میزان پای بندی وی به احکام شرعی و حدود الهی. پر واضح است که هرچه مطابقت و هماهنگی میان اراده تشریحی خداوند با اراده انسان در اعمال و رفتارش بیشتر باشد، پاسخگویی اراده تکوینی خداوند به میل و اراده انسان یا همان استجاب دعا بیشتر خواهد بود.

ب: حضور قلب انسان در هنگام دعا و طلب حاجت و احساس نیازمندی و فقر و پناه بردن به خداوند متعال، همچنین داشتن گمان خوش به خدا و معرفت ذات اقدس حق.

ج: به کار گرفته شدن همه توان و تلاش مشروع و ارادی انسان در راه رسیدن به حاجت و در نتیجه بسته شدن همه درها و راه‌های طبیعی و عادی برای دستیابی به مقصود. بنا بر این دعا، خواستن از

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

خداوند متعال است تا اراده تکوینی خود را در عرصه‌ای این جهانی که خارج از اراده انسان نیز هست به کار اندازد و این به معنی جا به جایی اراده انسان با اراده خدا نیست چرا که در این صورت حکمت الهی در باره اراده آفریدن انسان بیهوده می‌گردد.

د: عدم وجود موانع اختیاری و ارادی که برخاسته از خود انسان و اعمال و رفتار وی بوده و موجب توقیف دعا و عدم استجابت آن، و در نتیجه عدم کمک و مساعدت الهی در کار دعا کننده گردد.

ه: اینکه در عدم استجابت دعا یا تأخیر در استجابت آن مصلحت بزرگ تری که به خود وی یا سایر مردمان صالح بازگشت داشته باشد، نهفته نباشد؛ که در دعا نیز آمده است:

و شاید تأخیری که در برآوردن حاجت من حاصل گردید، باعث خیر من باشد؛ چرا که تو به پایان کارها آگاهی کامل داری.

همچنین در آیه شریفه که:

{وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ}

و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است.

مرحوم شیخ کلینی نیز در کافی با سند معتبر از احمد بن محمد بن ابی نصر، چنین نقل می‌کند:

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

به حضرت امام موسی بن جعفر × عرض کردم: سالها است که حاجتی را از خدا می‌خواهم و برایم حاصل نمی‌شود، و این تأخیر موجب دل‌نگرانی من شده است.

امام در پاسخ من فرمودند:

ای احمد، از شیطان بر حذر باش که راهی برای مأیوس کردنت نیابد، ابو جعفر (حضرت امام باقر ×) همواره می‌فرمود: گاه می‌شود که مؤمنی از خدا چیزی می‌خواهد و خداوند چون صدای او و شنیدن ناله‌اش را دوست می‌دارد، استجابت دعای وی را به تأخیر می‌اندازد.

سپس فرمود:

به خدا سوگند تأخیری که خداوند عزّ و جلّ در برآوردن خواسته‌های بندگان خود در این دنیا انجام می‌دهد برای آنها بسیار بهتر از خواسته‌هایی است که به سرعت به اجابت می‌رسد، و مگر دنیا چه ارزشی دارد حضرت ابو جعفر × همواره می‌فرمود: سزاوار است دعای مؤمن در حال خوشی و ناخوشی و راحتی و سختی یکسان بوده، چنان نباشد که چون نعمتی یافت کسالت وی را فرا گرفته و در دعا به درگاه خداوند کاهلی کند؛ پنا بر این هیچگاه از دعا کردن خسته و دل‌زده نشو که دعا در نزد خداوند عزّ و جلّ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. و بر تو باد به صبر و طلب روزی حلال و صلّه رحم، و بیرهیز از دشمنی و مجادله با مردم، که ما خاندان، با کسانی که با ما قطع رابطه کنند می‌پیوندیم و به کسانی که به ما بدی کنند خوبی می‌کنیم و به خدا سوگند که حسن عاقبت را در این کار می‌بینیم.

صاحبان نعمت در دنیا را رویه چنان است که اگر نعمتی را بخواهند و به آنها داده شود، کم کم آن نعمت در نظر آنان کوچک شده و به دنبال نعمت و خواسته دیگری می‌رود و در نتیجه هرگز سیر نمی‌شود، به علاوه این که فراوانی نعمت برای مسلمان حقوق بسیاری را بر وی واجب نموده و وی را در معرض خطر رعایت نکردن حقوق و فتنه‌های متعددی که بر تمکن و بهره مندی مترتب است، قرار می‌دهد.

به من بگو آیا اگر من سخنی به تو بگویم به سخن من اطمینان و اعتماد می‌کنی؟

عرضه داشتیم: خداوند مرا فدایت کند اگر به سخن تو که حجت خدا بر خلق او هستی اطمینان نداشته باشم

به سخن چه کسی اطمینان داشته باشم؟

فرمود: پس به خداوند متعال بیشتر اطمینان و اعتماد داشته باش، آیا این خداوند عزّ و جلّ نیست که می‌فرماید: {و هرگاه بندگان من، از تو در باره من پرسند، ایگو! من نزدیکم، و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم} و فرمود: {از رحمت خدا نومید مشوید} و فرمود: {والی! خداوند از جانب خود به شما وعده آموزش و بخشش می‌دهد} بنا بر این باید که تو به خداوند عزّ و جلّ بیش از هر کس دیگری امیدواری و اطمینان داشته باشی. در دل و جان خود نیز جز خیر و خوبی راه ندهید که شما آرزیده هستید.⁽¹⁾

1. کلینی، کافی 2 / 448، ح 1، باب من أبطأت علیه الإجابة.

[4] دعاهای مأثور

متون بسیاری از اهل بیت [^] وارد شده است که به لحاظ بلندی و کوتاهی و اسلوب و محتوی از تنوع بسیاری برخوردار است؛ این متون دعایی متضمن مضامین بدیع و زیبا در دعا و مناجات با خداوند متعال، حمد و ثنای الهی، تمجید و بزرگداشت ذات اقدس حق، اعتراف به گناهان در پیشگاه او، توسل جستن به ذات پاکش و پناه بردن به حرم امن وی می باشد.

این گنج بزرگ معنوی، ادبی، بیانی و روحی از ویژگی های مکتب اهل بیت [^] به شمار می رود که به روشنی بر مقام بلند، درجات عالی و امامت و برتری ایشان نسبت به سایر مردمان دلالت دارد.

ما در بخش ها و قسمت های گذشته به تعداد زیادی از این متون اشاره کردیم؛ چرا که آن بزرگواران برای هر مکان و مقام و حالی، خصوصاً در عبادات و اوقات متبرک و اماکن مقدس و شعائر اسلامی متن دعایی مخصوصی داشته اند.

علاوه بر همه اینها، کتاب های بزرگ و متعددی یافت می شود که ادعیه آن بزرگواران را در خود جای داده اند.

در میان پیشوایان اهل بیت [^] نیز دو امام در این زمینه از دیگران شهرت بیشتری یافته اند: حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب × و حضرت امام سجاد علی بن الحسین ' که دعاهای صباح و کمیل و مناجات های پانزده گانه که به مناجات خمس عشره

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

معروف است و دعاهای دیگر به انضمام صحیفه علویه از مصادیق دعاهای روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین × می باشد.

و صحیفه معروف سجادیه و دعای ابو حمزه ثمالی از مصادیق دعاهای روایت شده از حضرت امام سجاد × بوده، علما نیز دعاهایی از آن حضرت نقل و جمع آوری کرده اند که در مجموع، شش صحیفه منسوب به آن حضرت - که سلام خدا بر او باد - وجود دارد.

اما می دانیم که اهل بیت [^] همه یک نور هستند و به همین جهت از سایر ائمه [^] نیز دعاهایی در زمینه های مختلف می بینیم که همین حقیقت را آشکار می نمایند. به عنوان مثال می توان به دعای حضرت امام حسین × در روز عرفه، دعای بهاء (دعای سحر) از حضرت امام باقر ×، دعای افتتاح که منسوب به حضرت حجت امام زمان - عجل الله فرجه - می باشد، زیارت جامعه که منسوب به حضرت امام هادی × است و متونی از این دست اشاره کرد.

جمع آوری دعاهای مأثور یا حتی تهیه فهرستی از عناوین آنها نیازمند تألیف کتاب های مفصل است دانشمندان شیعه به ویژه در قرون اولیه اسلام به غیر از کتاب هایی که در رابطه با احادیث اهل بیت [^] تألیف نموده اند، کتاب های مفصلی نیز در این زمینه به رشته تحریر در آورده اند و کسانی که مایل باشند می توانند به آنها مراجعه نمایند.

با این حال ما نیز در اینجا به ذکر بعضی از معروف ترین عناوین این دعاها که می توان آنها را با مراجعه به کتاب *مفاتیح الجنان* پیدا نمود، می پردازیم و از ذکر مواردی که در کتاب هایی چون *مصباح المتهدد*

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

شیخ طوسی، مصباح کفعمی، اقبال سید بن طاووس و دیگر کتب ادعیه آمده است، خودداری می‌کنیم.

از جمله این دعاها می‌توان به این عناوین اشاره کرد:

دعای کمیل، دعای سمات، دعای عشرات، دعای صباح، دعای جوشن کبیر، دعای جوشن صغیر، دعای مشلول، دعای مجیر، دعای یستشیر، مناجات خمس عشره، دعای افتتاح، دعای بهاء، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای سحر، مناجات شعبانیه و دعای مکارم الاخلاق. دعاهایی هم وجود دارد که قرائت آنها در میان شیعه متداول بوده و منسوب به ائمه [^] نیستند، مانند دعای ندبه.

این متون، در مجموع به مثابه یک مکتب و برنامه عملی و تطبیقی است که انسان در جزء جزء زندگی خود با آنها زندگی کرده و او را در جهت سخن گفتن با خدا تربیت نموده، اسماء و صفات الهی، همچنین اخلاق خداگونه و نعمت‌های خداوند را به او شناسانده، وی را به تقوا و ورع و توبه و انابه به در گاه حق تشویق نموده، او را به کسب مکارم اخلاق و درمان کردن شهوات و گرایش‌های نفسانی و مبارزه با آنها وادار کرده، نقایص رفتاری وی را به او شناسانده، اعمال صالح و رفتار برجسته شرعی را به او شناسانده، راه‌های نفوذ شیطان در وجود انسان را برایش آشکار نموده و بسیاری دیگر از اموری را که انسان در زندگی دنیوی و اخروی خود به آنها نیازمند است را به او اعطا می‌نماید.

ذکر

مراد از ذکر مجموعه کلماتی است که به وسیله آنها یاد خداوند در دل‌ها زنده شده و در حمد و ثنا و تمجید خدا یا استعانت جستن از ذات مقدس او است؛ کلماتی چون: الحمد لله، بسم الله، ما شاء الله، الله اکبر، لا إله إلا الله، سبحان الله و....

همچنین مواردی چون استغفار و اعلان توبه و انابه از گناهان به درگاه خداوند متعال و دعایی که در طلب صلوات خداوند بر پیامبر اکرم و آل آن حضرت ^۱ باشد، نیز از مصادیق ذکر دانسته می‌شود.^(۱)

ذکر با این معنای گسترده از عبادات واجب اسلامی است که قرآن کریم نیز در بسیاری از آیات خود بر آن تأکید نموده و یا خود آن اذکار در متن آیات آمده‌اند، خداوند متعال می‌فرماید:

۱. البته استغفار و درود فرستادن بر پیامبران از مصادیق دعا به حساب می‌آید و از مصادیق ذکر نیست، اما به جهت مشابهت لفظی این دو مورد با ذکر که در جملات کوتاه به کار می‌رود مانند جمله (استغفرالله ربی و اتوب الیه) یا (اللهم صل علی محمد و آل محمد) و نیز به جهت اینکه در روایات استحباب تکرار این جملات در بعضی از مواقع و حالات وارد شده است، با ذکر مشابهت پیدا کرده و ما در این قسمت از کتاب به بحث در باره آنها پرداخته‌ایم، چه اینکه در بعضی از روایات نیز آمده است که صلوات بر پیامبر و آل او جای ذکر و تسبیح خداوند متعال را نیز می‌گیرد.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

{وَأَذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا* وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا} (1)

و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب [های] دراز، او را به پاکی بستای.

و فرموده:

{إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ* الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ} (2)

در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است. همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که]: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

همچنین فرموده است:

{وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَعَسَىٰ أَلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ} (3)

و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند

1. انسان / 25 - 26.

2. آل عمران / 190 - 191.

3. آل عمران / 135.

و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند - و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟
و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است] پافشاری نمی‌کنند.

و باز فرموده که:

{وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا} (1)

و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا
آمرزش می‌خواستند و پیامبر [تیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً
خدا را توبه پذیر مهربان می‌یافتند.

و این آیه که:

{وَأَن اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمْتَعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ} (2)

و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید،
[تا اینکه] شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معین بهره مند سازد، و به
هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند.

و فرمود:

{إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ

1. نساء / 64.

2. هود / 3.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

سَلِّمُوا تَسْلِيمًا {⁽¹⁾

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.

و نیز فرمود:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ * وَمَلَائِكَتُهُ يُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ * وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا }⁽²⁾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار * و صبح و شام او را به پاکی بستايد * اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوی روشنایی برآورد، و به مؤمنان همواره مهربان است.

و در حدیث معتبر از حضرت امام باقر × آمده است که فرمود:

در تورات اصلی تحریف نشده چنین آمده است که حضرت موسی از خدا سؤال کرد که: پروردگارا، آیا تو به من نزدیکی تا با تو نجوا کنم، یا از من دوری تا با صدای بلند بخوانمت؟

خداوند نیز به او وحی فرمود که: ای موسی، من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

1. احزاب / 56.

2. احزاب / 41 - 43.

موسی گفت: در روزی که جز پرده پوشش تو هیچ پوششی نیست چه کسی در زیر پوشش تو است؟

فرمود: کسانی که مرا یاد می‌کنند و من نیز آنان را یاد می‌نمایم؛ همانان که در راه تقرب جستن به من با یکدیگر دوستی و مهربانی می‌کنند و من نیز دوستشان می‌دارم؛ آنان کسانی هستند که اگر بخواهم بلا و ناگواری بر مردم زمین روا دارم به یاد آنها می‌اقتم و به واسطه آنان بلا را از مردم باز می‌گردانم.⁽¹⁾

و حضرت امام صادق × فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است: هر کس خدا را بسیار یاد کند خداوند عزّ و جلّ نیز او را دوست خواهد داشت و هر کس خدا را بسیار یاد کند دو برات آزادی برای او نوشته خواهد گردید: آزادی از آتش دوزخ و آزادی از نفاق.⁽²⁾

و روایت شده است که روزی پیامبر خدا ' نزد اصحاب خود آمد و به آنان فرمود:

در باغ‌های بهشت گردش و تفرج کنید.

گفتند:

باغ‌های بهشت چیست؟

فرمود: این باغ‌ها مجالس ذکر است؛ صبح و شام در این مجالس به ذکر

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 350 ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 350 ح 19.

بپردازید. و هر کس دوست می‌دارد که جایگاه خود را در نزد خدا بداند ببیند که خدا در نزد او از چه جایگاه و منزلتی برخوردار است؛ چرا که خداوند جایگاه بندگانش را به اندازه معرفت و فرمانبرداری آنان در نزد خود جایگاه می‌دهد. و بدانید که بهترین و پاکیزه‌ترین عمل شما که موجب بالا رفتن درجات شما گردیده و بهترین چیزی است که آفتاب بر آن دمیده باشد، ذکر و یاد خداوند سبحان است، که او خود را چنین توصیف کرده است که: من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند. و فرمود که: مرا یاد کنید تا با نعمت‌های خود شما را یاد کنم، و با اطاعت و عبادت به یادم باشید تا با نعمت‌ها و احسان و رحمت و رضایت خویش از شما یاد نمایم.⁽¹⁾

[1] اقسام ذکر

ذکر به سه دسته تقسیم می‌شود:

اول: ذکر به معنی خاص؛

دوم: استغفار؛

سوم: صلوات بر پیامبر اکرم ' و سایر پیامبران و مؤمنان.

* * *

1. ذکر به معنی خاص

ذکر به معنی خاص هر سخنی را شامل می‌گردد که انسان را به یاد خداوند متعال اندازد یا نام و صفتی از او بوده و یا مشتمل بر ستایش و تمجید و شکرگزاری از او باشد، اما موارد و مصادیقی نیز هست که در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است و مهم‌ترین این مصادیق بدین قرار است:

- 1- بسمله؛ 2- استعاذه؛ 3- تهلیل؛ 4- حمد؛ 5- تسبیح؛ 6- تکبیر؛ 7- حوقله؛ 8- مشیئه؛ 9- استرجاع.

(1) بسمله

یا همان جمله معروف (بسم الله الرحمن الرحيم) یکی از آیات قرآن کریم و بلکه یکی از آیات همه سوره‌های آن غیر از سوره براءت است و در بعضی از روایات آمده است که این آیه برترین آیه قرآن می‌باشد، در همین راستا شیخ طوسی در تهذیب با سند معتبر از محمد بن مسلم نقل کرده است که:

از حضرت امام صادق × در باره معنی عبارت: **السبع المثانی** و **القرآن العظیم** که در قرآن آمده است سؤال کردم که آیا مراد از آن، همان سوره فاتحه الكتاب است؟

فرمودند: آری.

عرض کردم: آیا بسم الله الرحمن الرحيم نیز داخل در سبع المثانی است؟

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

فرمودند: آری، برترین آنها است.⁽¹⁾

و در حدیث دیگری از حضرت امام باقر \times نقل است که فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم خدا نزدیک است؛ نزدیک تر از روزنه مردمک چشم به سیاهی آن.⁽²⁾

و در روایت دیگر که:

اولین آیه‌ای که از آسمان نازل گردیده بسم الله الرحمن الرحيم است. و چون این آیه را بخوانی تو را در میان آسمان و زمین خواهد پوشاند.⁽³⁾

بسمله شعار شیعه: بسمله در نزد اهل بیت [^] از چنان اهمیتی برخوردار است که به شعار و علامت مشخصه شیعیان تبدیل شد که به وسیله آن از سایر مسلمانان متمایز و متفاوت می‌گردند؛ این امر را می‌توان در امور ذیل ملاحظه کرد:

1- تقید به قرائت بسم الله در هنگام قرائت قرآن به عنوان جزء سوره فاتحه و همچنین همه سوره‌های قرآن.

2- با صدای بلند ادا کردن بسم الله در نمازهایی که باید حمد و سوره در آن با صدای آهسته خوانده شود و در مبحث نمازهای یومیه

1. حویزی، نور الثقلین 1 / 8 ح 24 بحث بسم الله الرحمن الرحيم.

2. حویزی، نور الثقلین 1 / 8 ح 21 بحث بسم الله الرحمن الرحيم.

3. حویزی، نور الثقلین 1 / 8 ح 14 بحث بسم الله الرحمن الرحيم.

به آن اشاره کرده‌ایم.

از حکم بن عمیر است که گفت:

پشت سر پیامبر اکرم ' نماز خواندم، شنیدم که آن حضرت در نمازهای شب، روز و نماز جمعه بسم الله را با صدای بلند ادا می‌فرمود.⁽¹⁾

3- التزام به این مطلب که بسم الله به جز سوره برائت، جزء همه سوره‌های قرآن کریم است، که روایات اهل بیت ^ و پیامبر اکرم ' بر این امر دلالت داشته و رسم الخط قرآنی متداول در میان مسلمانان نیز تأکید کننده آن است و در تمام قرآن‌ها بسم الله نیز مانند سایر آیات نوشته می‌شود.

4- التزام به بسم الله گفتن در شئون مختلف زندگی، علاوه بر آغاز کردن هر نوشته‌ای با بسم الله، آنان با الهام گرفتن از پیشوایان خود چنین عقیده دارند که باید همه کارهای خود را با بسم الله آغاز کنند. از پیامبر اکرم ' نیز روایت شده است که فرمود:

كلّ أمر ذي بال لم يبدأ بيسم الله الرحمن الرحيم فهو أبتـر.

هر کار مهمی که با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نگردد بی نتیجه خواهد ماند.

و در روایت دیگری آمده است که:

كلّ كتاب لا يبدأ فيه بذكر الله فهو أقطع⁽²⁾

1. سیوطی، الدر المنثور 1 / 8.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 5 / 378 / ح 4 و 5.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

هر نامه یا نوشته‌ای که با یاد خدا آغاز نگردد ناقص و ناتمام است.

شیعیان اهل بیت [^] با علم به این مطالب خود را مقید به این کار کرده‌اند تا جایی که بسم الله گفتن با صدای بلند به عنوان یکی از نشانه‌های پنج گانه مؤمن دانسته شده است و ما نیز کمی بیشتر به آن اشاره داشتیم.

(2) استعاذه

استعاذه که معنی آن پناه بردن به خداوند متعال از شر شیطان است، عبارت از گفتن جملاتی از قبیل «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» یا «اعوذ بالله السميع العليم من الشیطان الرجیم» است.⁽¹⁾

در قرآن کریم نیز آمده است که در هنگام آغاز به قرائت قرآن باید استعاذه انجام شود:

{فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ} ⁽²⁾

پس چون قرآن می‌خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بر.

و در روایات، در باره نماز برخی از ائمه معصومین [^] آمده است که آنان هم در هنگام قرائت قرآن و هم در نماز، قبل از بسم الله استعاذه می‌کرده‌اند.

چنان که در روایت قرب الاسناد از حنان بن سدير نقل شده است که

1. حویزی، نور الثقلین 3 / 84 ح 217 - 222.

2. نحل / 16.

گفت:

پشت سر حضرت امام صادق × نماز خواندم و شنیدم که آن حضرت با صدای بلند می‌فرمود:

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم و أعوذ بالله أن يحضرون⁽¹⁾

سپس بسم الله الرحمن الرحيم را نیز با صدای بلند ادا می‌نمود

و در روایت تهذیب آمده است:

آن حضرت با صدای بلند استعاذه کرد و سپس با همان صدا بسم الله گفت.⁽²⁾

شیخ طبرسی نیز در مجمع البیان آورده است استعاذه در هنگام تلاوت مستحب است در عدم وجوب آن تردیدی نیست چه در نماز و چه در غیر نماز.⁽³⁾

از فرات بن احنف از حضرت امام باقر × چنین نقل کرده است: از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود:

اولین کتابی که از آسمان نازل گردیده بسم الله الرحمن الرحيم است پس چون بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت نمودی استعاذه چندان اهمیتی

1. از شیطان رانده شده و از اینکه شیاطین در نزد من حضور یابند به خدا پناه می‌برم..

2. حویزی، نور الثقلین 3 / 84 ح 220 - 221.

3. طبرسی، مجمع البیان 3 / 385.

ندارد⁽¹⁾.

(3) تهلیل

عبارت است از گفتن «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا هو»، در چند جای قرآن نیز تهلیل آمده است؛ مانند: کلام خدا که فرماید:

{شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} ⁽²⁾

خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز] گواهی می‌دهند که: جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.

تهلیل در واقع شهادت به وحدانیت خدا بوده و یکی از دو بخش شهادتین است که در اذان و اقامه تکرار شده و ذکر آن در تشهد همه نمازها واجب است.

روایات متعددی در فضیلت آن وارد شده است با این مضمون که هیچ چیزی بزرگ‌تر، بافضیلت‌تر، پسندیده‌تر و سنگین‌تر از شهادت لا إله إلا الله نیست، در حدیث معروف سلسله الذهب که حضرت امام رضا × در راه سفر به خراسان آن را برای مردم نیشابور بیان فرمود، از پدران خود، از پیامبر اکرم '، از جبرئیل، از قول خداوند متعال چنین نقل فرمود که:

شهادة لا إله إلا الله حصني، من قالها مخلصاً من قلبه دخل حصني، و من

1. حویزی، نور الثقلین 3 / 84 ح 217.

2. آل عمران / 18.

دخل حصني أمن من عذابي.

شهادت لا إله إلا الله دژ استوار من است، هر کس خالصانه و از دل این شهادت را بر زبان جاری کند به دژ و قلعه من راه یافته و هر کس به دژ و قلعه من راه یابد از عذاب من در امان است.

همچنین در این روایات آمده است که:

شهادت لا إله إلا الله برترین کلام و سرور سخنان است و هر کس آن را صادقانه بر زبان جاری کند مستوجب بهشت بوده و هر کس در گفتن آن صادق نبوده و آن را به دروغ بر زبان جاری نماید خون و مالش مصون و محفوظ می‌باشد، اما در آخرت جایگاهش در جهنم است.⁽¹⁾

به همین جهت است که تهلیل، شعار مسلمانان در دنیا و سرود آنان در هنگام گذشتن از پل صراط در روز قیامت است که روایات نیز به آن اشاره دارند.⁽²⁾

و از رهگذر همین روایات است که تهلیل با صدای بلند دارای ثواب بزرگ و مضاعفی می‌باشد.

ما من مسلم يقول لا إله إلا الله يرفع بها صوته فيفرغ حتى تتناثر ذنوبه كما يتناثر ورق الشجرة تحتها⁽³⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 407، ب 19.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 419، ح 44.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 422، ب 21.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

مؤمنی نیست که صدای خود را به گفتن لا إله إلا الله بلند کند مگر اینکه پس از پایان سخنش، گناهان او همچون برگ درختان فرو می‌ریزد.

و شک نیست که همراه کردن شهادت دوم یعنی شهادت به رسالت حضرت پیامبر اکرم ' اجر و پاداش این شهادت را دو چندان خواهد نمود.

و در بعضی از روایات آمده است که ثواب شهادتین نوشته شدن یک میلیون حسنه در نامه عمل انسان بوده و گفتن شهادتین موجب نجات از آتش دوزخ و وارد شدن به بهشت می‌باشد.⁽¹⁾

(4) حمد

حمد خدا و جمله الحمد لله رب العالمین اولین جمله‌ای است که در قرائت نماز پس از بسمله ادا می‌گردد و قرآن کریم عملاً ما را به گفتن آن تربیت نموده است، چه اینکه به تعبیر قرآن، حمد و شکرگزاری به درگاه خداوند آخرین سخن و نیایش مؤمنان است:

{وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}

و پایان نیایش آنان این است که: الحمد لله رب العالمین استایش ویژه پروردگار جهانیان است.

این سخن از زبان پیامبران و صالحان نیز مکرر در قرآن کریم ذکر شده و حمد محبوب‌ترین عمل در نزد خداوند متعال است.

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 423، ب 22.

محمد بن مروان به حضرت امام صادق × عرض کرد:

چه عملی در نزد خداوند متعال از همه کارها محبوب تر است؟

فرمود: اینکه او را حمد کنی.⁽¹⁾

همچنین رسول خدا در هر صبح و شب بسیار خدا را حمد و ستایش می نمود.⁽²⁾

(5) تسبیح

تسبیح خداوند متعال نیز در جای جای قرآن کریم آمده و فرشتگان وقتی خود را برای جانشینی خدا در زمین مطرح نمودند به آن این گونه افتخار کرده اند که:

{قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ }

گفتند: «آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد، و خونها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، (تو را) تنزیه (تسبیح) می کنیم؛ و به تقدیست می پردازیم.

تسبیح و تنزیه خداوند متعال به تصریح قرآن کریم، به عنوان پدیده‌ای جهانی، همه کائنات را در بر می گیرد:

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 380، ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 380، ح 6 و 7.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

{تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا⁽¹⁾}

آسمان های هفتگانه، زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است.

همچنین خداوند متعال پیامبر خود و همه مؤمنان را در قرآن کریم به تسبیح خود تشویق می‌کند که:

{فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ⁽²⁾}

پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش.

روایات متعددی نیز در فضیلت تسبیح وارد شده است.⁽³⁾ از آن جمله است روایت سرائر از حضرت امام صادق × که فرمود:

کلمه‌ای بر زبان سبک‌تر و به لحاظ معنی رساتر از سبحان الله نیست.⁽⁴⁾

همچنین روایت صدوق در ثواب الأعمال از حضرت امام صادق × که فرمود:

1. اسراء / 44.

2. حجر / 98.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 393، ب 16.

4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 397، ح 11.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

من قال سبحان الله و بحمده سبحان الله العظيم و بحمده كتب الله له ثلاثة آلاف حسنة و رفع له ثلاثة آلاف درجة و يخلق منها طائرا في الجنة يسبح و كان اجر تسيبحه له (1)

هر کس بگوید: سبحان الله و بحمده سبحان الله العظيم و بحمده خداوند متعال در نامه عمل او سه هزار حسنه نوشته و سه هزار درجه بر درجاتش می‌افزاید و از تسیب و بی‌پنده‌ای در بهشت می‌آفریند که خداوند را تسیب نموده و ثواب آن برای این شخص باشد.

(6) تکبیر

سخن از تکبیر در چند جای قرآن کریم آمده است مانند این کلام خداوند متعال:

{ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَ رَبِّكَ فَكَبِّرْ } (2)

ای کشیده ردای شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار.

و سخن خداوند متعال که:

{ وَ لِيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } (3)

تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه راهنماییتان کرده

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 396، ح. 9.

2. مدثر / 1 - 3.

3. بقره / 185.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

است به بزرگی بستایید، و باشد که شکرگزاری کنید.

و نیز این سخن که:

{وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا} (1)

و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهاننداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد. و او را بسیار بزرگ شمار.

تکبیر نیز یکی از شعارهای مسلمانان است که چندین بار در اذان و اقامه تکرار شده و نماز و احرام نیز با گفتن آن آغاز می‌گردد، همچنین انتقال از یک عمل به عمل دیگر در نماز نیز با گفتن الله اکبر صورت می‌پذیرد.

در بعضی از روایات که در فضیلت تکبیر آمده است آن را در بیان فضیلت با تهلیل همراه نموده است که: هیچ چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از تهلیل و تکبیر نیست، یا اینکه بها و پاداش این عمل بهشت است و کفاره گناهان می‌باشد. (2)

به علاوه که تکبیر به همراه تسبیح و حمد و تهلیل، از ارکان تشکیل دهنده ذکر معروف تسبیحات اربعه است که در ثواب و فضیلت بسیار

1. اسراء / 111.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 431، ب 24.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

فراوان آن روایاتی وارد شده است.⁽¹⁾ و در دو رکعت آخر نماز خواندن آن جایگزین قرائت سوره فاتحه می‌گردد.

(7) حوقله

عبارت از گفتن جمله **لا حول و لا قوة الا بالله** است و در قرآن نیز به این صورت به آن اشاره شده است که:

{وَلَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ} ⁽²⁾

چرا وقتی که وارد باغ خود شدی نگفتی: **ما شاء الله** نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست.

روایات متعددی نیز وارد است که برای این ذکر فضایل و آثاری بیان داشته، از جمله اینکه گفتن این ذکر نگرانی، اندوه، وسوسه و فقر را از بین می‌برد، در تعدادی از روایات نیز آمده است که این ذکر گنجی از گنج‌های بهشت است یا اینکه گفتن آن انسان را چون روزی که از مادر متولد شده، از گناهان پاک می‌نماید.⁽³⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 399، ب 17، خصوصاً روایت اول این باب که معتبر نیز هست، همچنین باب 18، و ظاهر امر این است که این تسبیحات به جهت مشتمل بودن بر این ادکار چهارگانه و جایگزین شدن آن با سوره حمد که برترین سوره قرآن است در رکعت‌های سوم و چهارم نماز، علاوه بر روایاتی که در فضیلت آن وارد شده، به نحو اطلاق برترین ذکر می‌باشد.

2. کهف / 39.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 424 ب 23.

(8) مشیت

عبارت از گفتن جمله ما شاء الله است که در همان آیه 39 سوره کهف که اندکی پیشتر آوردیم آمده و در مبحث دعا نیز بسیار از فضیلت آن، و اینکه این سخن نشانه تسلیم در برابر مشیت و اراده الهی است بحث کردیم. این ذکر در بعضی از اذکار خاص تعیینی نیز وارد است که در اعمال ماه رجب به آن اشاره داشتیم.

(9) استرجاع

عبارت از گفتن جمله (انا لله و انا الیه راجعون) است که در هنگام بروز مصیبت گفته می‌شود و قرآن کریم نیز از آن این گونه تعبیر آورده است که:

{الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ} * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ} (1)

کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم * بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و اینها راه یافتگانند

و در بیان معنی و تأویل این جمله از حضرت امیرالمؤمنین × چنین وارد است که:

چون شنید اشعث بن قیس این جمله را بر زبان می‌آورد به وی فرمود:

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

آیا می‌دانی که تأویل این جمله چیست؟
عرض کرد: نه، تویی که انتهای دانش و معرفت.
هستی آن حضرت به وی فرمود:

اما اینکه می‌گویی: ما همه از خداییم، بر بندگی و عبودیت خود نسبت به
خدا اقرار کرده‌ای و اینکه می‌گویی: و همه به سوی خدا باز می‌گردیم، به
این مسئله اعتراف و اقرار کرده‌ای که فانی و هلاک پذیر می‌باشی.⁽¹⁾

و در اهمیت استرجاع و فضیلت آن از پیامبر اکرم ' وارد شده است
که این خصلت، (استرجاع) انسان را در دایره نور اعظم خداوند قرار
می‌دهد.⁽²⁾

از برخی روایات نیز بر می‌آید که استرجاع از آدابی است که خداوند
امت اسلامی را بدان مخصوص گردانده است. در تفسیر علی بن
ابراهیم آمده که:

از حضرت امام صادق × سؤال شد: اندوه یعقوب در فراق یوسف
چقدر بود؟
فرمود:

به اندازه اندوه هفتاد مادر فرزند از دست داده.

1. حویزی، نور الثقلین 1 / 144 ح 455 به نقل از اصول کافی، این مضمون همچنین از
حضرت علی نیز در نهج البلاغه نقل شده است.
2. حویزی، نور الثقلین 1 / 144 ح 451.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و فرمود: یعقوب استرجاع نمی دانست، از همین رو گفت: ای دریغ بر یوسف.⁽¹⁾

استرجاع آثار و فواید دیگری نیز دارد که آیه فوق از آنها سخن به میان آورده و روایات اهل بیت [^] نیز آنها را تأکید نموده است، مانند این که این کار درود و رحمت و هدایت خداوند را به سوی بنده جلب می نماید.

چه اینکه این عمل موجب بخشیده شدن گناه بندگان از جانب خداوند، جبران مصیبت وارد حسن عاقبت و به دست آوردن جانشین شایسته گردیده، تکرار آن در هنگام یادآوری مصیبت مانند گفتن آن در هنگام وقوع آن اجر و ثواب دارد.⁽²⁾

2. استغفار

استغفار در چند جا از قرآن کریم وارد شده است؛ گاه با زبان تشویق و ترغیب به این عمل و بیان آثار و فواید مادی و معنوی آن، مانند آیه شریف:

{وَأَن اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ} ⁽³⁾

و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه] شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معین بهره مند سازد، و به

1. حویزی، نور الثقلین 1 / 144 ح 456.

2. حویزی، نور الثقلین 1 / 144 ح 453 و 454 و 458.

3. هود/3.

هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند.

یا این آیه که:

{وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ
يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} (1)

وای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و تبهکارانه روی بر مگردانید.

و یا از قول صالحان و به زبان دعا که در این آیه مبارک آمده است:

{رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ} (2)

پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند هیچ گونه کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رؤوف و مهربانی.

و یا به زبان تأکید بر این نکته که همواره و در هر شرایطی فرصت توبه و مغفرت وجود دارد مانند آیه کریمه:

{قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

1. هود/ 52.

2. حشر/ 10.

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا⁽¹⁾

بگو: ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد.

گاه نیز با سایر روش‌ها مانند بیان اسباب مغفرت و آمرزش، یا اینکه ممکن است در اثر تأخیر در این عمل راه آن بسته شود و فرصت انجام آن از انسان سلب گردد، یا توضیح راه‌های رسیدن به آمرزش، بر این امر تأکید و تشویق اعمال داشته است.

روایات متعددی نیز در بیان فضیلت استغفار و آثار آن وارد شده است که مثلا استغفار بهترین دعا است؛ چه اینکه در فضیلت استغفار آمده است:

همانا دل‌ها نیز مانند مس زنگار می‌بندد، پس آنها را با استغفار جلا دهید و چون بنده‌ای زیاد استغفار کند نامه عمل او با درخشش خاصی به آسمان بالا می‌رود.⁽²⁾

استغفار نیز به جهت آن که نشانه توبه و انابه بندگان به درگاه خداوند متعال از گناهایی است که مرتکب آن گردیده‌اند، واجب می‌باشد.⁽³⁾

1. زمر/ 53.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 493 ح 1 و 3 و 11.

3. گناهایی که بندگان خدا مرتکب آنها شده یا آن گناهان را احساس نموده و به درگاه خداوند متعال از آنها توبه و استغفار می‌کنند دارای درجات و مراتبی هستند، چون ممکن است از گناهان کبیره بوده و یا حتی ممکن است شرک خفی و یا شرک آشکار به ذات اقدس الهی ایجاد نمایند و ممکن است از گناهان صغیره‌ای باشد که خداوند در قرآن از آنها به ((لَمَم)) تعبیر

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

توبه به درگاه خداوند متعال نیز که استغفار نشانه آن است از واجبات شرعی الهی است، به همین جهت است که ترک آن معصیت و گناه به حساب می‌آید و ممکن است در اثر تأخیر در انجام آن، گناهان صغیره انسان تبدیل به کبیره شده و در مقابل، انجام این عمل کار خوب و حسنه‌ای است که می‌تواند گناهان کبیره را به رحمت و آمرزش الهی مبدل نماید. در حدیث شریف آمده است:

لا صغیره مع الإصرار و لا کبیره مع الإستغفار⁽¹⁾

گناه صغیره با اصرار و مداومت صغیره باقی نمی‌ماند و گناه کبیره نیز با استغفار باقی نمی‌ماند.

و در بعضی از روایات، اصرار بر صغیره به ترک استغفار و توبه تفسیر شده است.⁽²⁾

در روایتی از حضرت امام صادق × از پدر بزرگوارش حضرت امام باقر × از رسول خدا ' آمده است که فرمود:

کرده است، گناه نیز ممکن است غفلت و فراموشی یا ترك اولی بوده و انسان مؤمن و صالح آن را برای خود گناه بداند، شاید هم کوتاهی در ادای شکر نعمت پروردگار یا ادای واجبات الهی، یا کوتاهی در رسیدگی به فقرا و نیازمندان یا برادران دینی، ترك محبت و دوستی مؤمن انجام عمل مکروه و امثال اینها بوده باشد. و اگر چه معنی اصطلاحی و فقهی گناه بر بعضی از این عناوین منطبق نمی‌گردد اما می‌تواند برای کسانی که در درجات بالای معرفت و کمالات انسانی قرار دارند، موردی برای طلب مغفرت و استغفار بوده باشد.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 268/11، ح 3

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 268 / 11، ح 4

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

چهار صفت است که اگر در کسی باشد در نور اعظم خدا است: کسی که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت و پیامبری من، او را از گناهان باز دارد، کسی که اگر مصیبتی به وی رسد بگوید: همه از خداییم و همه به سوی او باز می‌گردیم، کسی که چون خیری به او رسید بگوید: سپاس و حمد پروردگار جهانیان را است و کسی که چون خطا و اشتباهی از او سر زد بگوید: از خداوند طلب آمرزش و مغفرت نموده و به سوی او باز می‌گردم.⁽¹⁾

و در روایت معتبری از معاویه بن عمار نقل است که گفت:

از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

هنگامی که بنده خدا توبه نصح و استواری بنماید خداوند متعال او را مهلت می‌دهد و در دنیا و آخرت گناهانش را می‌پوشاند.

گفتم: به چه صورت گناهان او را خواهد پوشاند؟

فرمود: خداوند گناهانی را که دو ملک موکل نوشتن پرونده او نوشته‌اند از یاد آنها می‌برد، و به اعضا و جوارح او وحی می‌کند که گناهان او را کتمان کنید، همچنین به مکان‌هایی از زمین که در آنها گناه کرده است وحی می‌کند: گناهانی که در روی شما انجام داده است را کتمان کنید، بنا بر این خدا را به گونه‌ای ملاقات می‌کند که هیچ شاهدی بر گناه وی وجود ندارد.⁽²⁾

توبه نصح نیز آن است که باطن توبه کننده مانند ظاهر یا بهتر از

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 356، ح 18

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 357، ح 1.

ظاهرش باشد.⁽¹⁾

در بیان اهمیت استغفار از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

مؤمنی نیست که در یک شبانه روز چهل گناه کبیره انجام داده باشد و سپس نادم و پشیمان گشته و بگوید: طلب آمرزش می‌کنم از خدایی که خدایی جز او نیست، خدایی که زنده و پرپادارنده همه چیز است، خدایی که خالق آسمان و زمین و با شکوه و ارجمند است و از او می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستاده و گناه مرا ببخشد، مگر اینکه خداوند او را خواهد بخشید، ولی کسی که در یک شبانه روز بیش از چهل گناه کبیره انجام دهد خیری در او نیست.⁽²⁾

چه اینکه وارد است که استغفار از ارکان ایمان است.⁽³⁾

(1) حد استغفار

در حدیث اهل بیت [^] حدود استغفار نیز مشخص شده است. همچنین این نکته که استغفار باید حقیقی و برخاسته از قلب و وجدان و همراه با پشیمانی از گناه و قصد جدی بر ترک آن باشد. در کتاب **تحف العقول** در ضمن سخنانی که میان کمیل بن زیاد و حضرت امیرالمؤمنین × رد و بدل شده است آمده:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 361، ح 1 و 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 264، ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 264، ح 9.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

به آن حضرت عرضه داشتیم: گاه می‌شود که بنده خدا مرتکب گناهی می‌شود و سپس از گناه خود استغفار می‌کند، حدّ استغفار چیست؟

آن حضرت فرمودند: این است که چون گناهی از بنده خدا سر زد با حرکت دادن بگوید: استغفر الله.

گفتم حرکت دادن یعنی چه؟

فرمود: یعنی حرکت دادن لبها و زبان، و قصد داشته باشد که این سخن زبانی را با حقیقت پشتیبانی کند.

گفتم: مراد از حقیقت چیست؟

فرمود: اینکه قلب وی سخنش را تصدیق نموده و به حقیقت تصمیم داشته باشد که به گناهی که از آن استغفار کرده باز نگردد.

کمیل گفت: اگر من چنین کنم آیا از استغفار کنندگان خواهم بود؟

فرمود: نه.

کمیل گفت: چرا؟

فرمود: چون هنوز به اصل استغفار نرسیده‌ای.

کمیل گفت: اصل استغفار چیست؟

فرمود: اینکه با این توبه، در عمل نیز از گناهی که از آن استغفار کرده‌ای برگردی که این اولین درجه عابدان است. و استغفار و ترک گناه واژه‌ای است که بر شش معنی دلالت می‌کند.

اول اینکه از گذشته خود پشیمان باشی.

دوم اینکه تصمیم داشته باشی، هرگز به آن گناه باز نگردی.

سوم اینکه حقوق مردم را که بر عهده داری به آنان بازگردانی.
چهارم اینکه حقوق واجب خدا را که از تو فوت شده است به جا آوری.
پنجم اینکه گوشتی را که با مال حرام و گناه بر تنت روییده آب کنی تا پوست به استخوانت رسیده و از نو گوشت بیاورد.
ششم اینکه همان گونه که طعم و لذت گناه را به بدن خود چشانده‌ای سختی عبادت را نیز به آن بچسانی.⁽¹⁾

(2) تعجیل در استغفار

و لازم است که استغفار با فوریت و عدم تأخیر همراه باشد، که در قرآن کریم آمده است:

{وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} ⁽²⁾

و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند.

و در روایات نیز بر این نکته تأکید شده است. در این باره در حدیث معتبری از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

هر کس گناهی انجام دهد هفت ساعت از روز مهلت می‌یابد، اگر در این

1. تحف العقول / 133 - 134.

2. آل عمران / 125.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

مدت سه بار گفت: «استغفر الله الذي لا إله إلا هو الحي القيوم»⁽¹⁾ آن گناه در پرونده او نوشته نمی شود.⁽²⁾

و در حدیث معتبر دیگری از زراره نقل است که گفت:

از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

چون بنده خدا گناهی انجام دهد از صبح آن روز تا شب مهلت می یابد، اگر در این مدت استغفار کرد، آن گناه در پرونده او نوشته نمی شود.⁽³⁾

و امام صادق × فرمود:

چون این آیه نازل گردید که:

{وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} ⁽⁴⁾

ابلیس از کوهی به نام تور در مکه بالا رفت و با صدای بلند عفریتان تحت امر خود را فرا خواند و چون همه آنها به دورش جمع شدند گفت: چنین آیه ای از جانب خدا نازل شده است، حال چه کسی از شما راه

1. طلب آمرزش می کنم از خدایی که خدایی جز او نیست، خدایی که زنده و برپادارنده همه چیز است

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 351، ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 351، ح 4.

4. و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند

چاره‌ای برای آن دارد.

شیطان سالخورده‌ای از میان آنان گفت: من برای خنثی کردن آن چنین و چنان می‌کنم.

گفت: راه حل تو کارایی ندارد.

دیگری برخاست و سخنی مانند شیطان اول گفت:

و باز ابلیس گفت: تو به درد این کار نمی‌خوری.

در این هنگام شیطانی به نام وسواس ختّاس برخاست و گفت: چاره این کار به دست من است.

ابلیس گفت: با چه ترفندی؟

گفت: ابتدا آنان را فریفته و با وعده‌های دروغین وادار به گناهشان می‌کنم، سپس چون در گناه افتادند، استغفار را از یاد آنان می‌برم.

ابلیس گفت: تو شایسته این کاری و او را تا روز قیامت مأمور و موکل بر این کار کرد.⁽¹⁾

و در روایت دیگری از سفیان بن سمط نقل است که گفت:

حضرت امام صادق × فرموده‌اند:

چون خداوند عزّ و جلّ برای بنده‌ای خیر بخواهد و آن بنده مرتکب گناهی شود، به دنبال آن گناه ناراحتی و عذابی برای او ایجاد کرده و وی

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 351، ح 7.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

را به یاد استغفار می‌اندازد، و اگر خداوند عزّ و جلّ برای بنده‌ای شر مقدر کرده باشد به دنبال گناه وی، به او نعمت بخشیده و یاد استغفار را از خاطر وی می‌برد تا در گناه غرق شود، و این معنی سخن خداوند است که می‌فرماید: {به تدریج آنان را به گونه‌ای که در نیابند [گریبان] خواهیم گرفت} یعنی با نعمت دادن در هنگام گناه.⁽¹⁾

و بهترین نوع استغفار آن است که با بردن نام گناه با عنوان خاص یا عام همراه باشد.

و امام باقر × فرمود:

به خدا سوگند جز کسی که اقرار به گناه کند از بند گناه خلاصی نخواهد یافت.

و نیز گوید که: حضرت امام باقر × فرمودند:

کفی بالندم توبه.

پشیمانی از گناه برای توبه کافی است.⁽²⁾

همچنین امام باقر × فرمود:

به خدا سوگند که خداوند از مردم جز دو خصلت نخواست است: یکی اینکه به نعمت‌های او اقرار و اعتراف کنند تا بر نعمت آنان بیافزاید، و دیگر اینکه به گناهان خود اعتراف کنند تا آن گناهان را بر ایشان بیامزد.⁽³⁾

و گناه تمرد از فرمان خداوند متعال و خارج شدن از اطاعت و بندگی او

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 351، ح 10.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 347، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 347، ح 2.

گناهی بزرگ است و به همین جهت اگر به صورت آشکار و در ملاً عام صورت پذیرد عقوبت آن سخت‌تر و مستوجب اشد مجازات خواهد بود، اما اگر بنده خدا گناه خود را از روی حیا از خداوند متعال و خجالت از گناه خود به صورت پنهانی انجام دهد معلوم می‌شود که این گناه را از روی ضعف اراده در برابر شهوات انجام داده و در عین حال نشان از وجود حالت خشیت درونی وی دارد که خود انگیزه‌ای برای بازگشت و انابه به سوی خداوند متعال و طلب مغفرت از او می‌باشد.

در این رابطه رسول خدا ' فرمود:

کسی که کار خوب خود را پنهان کند پاداش عملش هفتاد برابر شده، کسی که گناه خود را آشکارا انجام دهد بدبخت و وانهاده بوده و کسی که مخفیانه گناه کند مستحق آمرزش است.⁽¹⁾

با مرور کلی بر مباحثی که در باره استغفار مطرح شد می‌توان به اهمیت استغفار پی برد و اینکه استغفار علاوه بر نقشی که در از بین بردن گناهان یا جلوگیری از باقی ماندن آنها در نامه اعمال انسان دارد، رکنی از ارکان ایمان و سیر تکاملی انسان نیز هست.

همچنان که دانستیم استغفار زبانی می‌باید دارای محتوای قلبی و وجدانی نیز بوده و نشان از توبه نصوص شخص داشته باشد.

و در حدیث معتبری از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

رسول خدا همه روزه هفتاد مرتبه به درگاه خداوند عزّ و جلّ استغفار

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 350، ح 1.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

اتفاق نظر همه مسلمانان است، اگر چه پیروان اهل بیت ^۸ اهمیت خاصی به آن داده‌اند و چنان به انجام آن مقید و ملتزم هستند که این عمل از ویژگی‌های مشخصه آنان در برابر اصحاب سایر مذاهب در آمده است.

در باره فضیلت صلوات روایات متعددی وارد شده است از آن جمله است روایتی که شیخ کلینی در کافی با سند معتبر از حضرت امام صادق یا حضرت امام باقر ^۹ نقل کرده است که فرمود:

در ترازوی اعمال انسان در قیامت هیچ چیز سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست. گاه می‌شود که اعمال مردی را در ترازو می‌گذارند و از حد نصاب سبک‌تر می‌آید، آنگاه صلوات‌هایی را که بر پیامبر فرستاده بر آن اضافه می‌کنند و اعمال او از حد نصاب بالاتر می‌رود.^(۱)

همین مضمون به طرق متعدد و به بیانات مختلف بیان شده است؛ مانند روایتی از پیامبر اکرم ^{۱۰} که فرمود:

من در روز قیامت در کنار میزان یا ترازوی حساب می‌نشینم. هر کس گناهانش از کارهای نیک وی سنگین‌تر بود، صلوات‌هایی را که بر من فرستاده می‌آورم و کارهای خوب او را با آنها سنگین می‌کنم.

و مثل این روایت که: کسی که بر من صلوات بفرستد وارد جهنم نمی‌شود، و کسی که صلوات بر من را فراموش کند راه بهشت را گم کرده است یا صلوات در نزد خداوند با تسییح و تهلیل و تکبیر برابر است.^(۲)

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 462، ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 462، ح 3 و 5 و 8.

(1) فواید صلوات بر محمد و آل محمد

و از فواید صلوات بر پیامبر و آل او این است که این عمل خانه گناهان انسان را به کلی ویران می‌کند، در این راستا شیخ صدوق در کتاب **ثواب الاعمال** از حضرت امیرالمؤمنین × نقل کرده است که فرمود:

صلوات بر پیامبر ' برای گناهان نابود کننده‌تر از آب برای آتش است.

و نیز شیخ صدوق در کتاب **عیون اخبار الرضا** و **امالی** نقل کرده است که:

صلوات بر پیامبر اکرم ' گناهان را به کلی ویران و نابود می‌کند.⁽¹⁾

و باز از فواید دیگر آن این است که این عمل نفاق را از بین می‌برد، در این زمینه کلینی با سند معتبر، همچنین صدوق از حضرت امام صادق × نقل نموده‌اند که فرمود:

صدای خود را به فرستادن صلوات بر من بلند کنید که این کار نفاق را از بین می‌برد.

و در روایت معتبر دیگری از رسول خدا ' آمده که:

همانا صلوات بر من و خاندانم نفاق را از بین می‌برد.⁽²⁾

از دیگر فواید و آثار صلوات بر محمد و آل محمد نیز این است

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 463، ح 6 و 8.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 463، ح 13 و 14.

که موجب استحقاق شفاعت آنان می‌شود و از پیامبر اکرم ' نیز روایت شده است که فرمود:

ای علی، هر کس هر روز یا هر شب بر من صلوات بفرستد شفاعت من بر وی لازم می‌آید اگر چه از اهل کبائر (گناهان بزرگ) باشد.⁽¹⁾

از دیگر فواید صلوات این است که درود و رحمت الهی را بر فرستنده صلوات نازل می‌کند و روایات متعددی در این زمینه وارد شده است؛ از جمله روایت کافی از حضرت امام صادق × که فرمود:

چون نام پیامبر اکرم ' برده می‌شود بر او بسیار درود فرستید؛ چرا که هر کس یک صلوات بر پیامبر اکرم ' بفرستد خداوند متعال هزار درود در هزار صف از فرشتگان بر وی خواهد فرستاد، و چون خدا و فرشتگان بر چنین شخصی درود فرستادند، چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی‌ماند مگر اینکه بر این بنده خدا درود می‌فرستد.⁽²⁾

همچنین روایت ذیل که در کتاب جعفریات از حضرت امیرالمؤمنین ×، به نقل از رسول خدا ' آمده است نیز متضمن فواید دیگری برای صلوات است؛ آنجا که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است: صلوات شما بر من جواز بالا رفتن دعای شما، رضایت پروردگار و زکات بدن‌های شما است.⁽³⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 465، ح 18.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 468، ح 32.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 466، ح 22.

(2) چگونگی فرستادن صلوات

در روایات بر این نکته تأکید شده است که طریقه فرستادن صلوات، مانند صلوات بر حضرت ابراهیم و آل ابراهیم، درود فرستادن بر محمد و آل محمد است. در این رابطه روایات متعدد وارد شده و به صورت‌های گوناگون دستور العمل فرستادن این صلوات را بیان داشته است که در اینجا به دو مورد از این روایات اشاره می‌کنیم:

اول: روایتی است که صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا* × با سند معتبر از ربیع بن صلت نقل کرده است که گفت:

حضرت رضا × در شهر مرو در مجلس مأمون که جمعی از دانشمندان عراق و خراسان در آن شرکت داشتند حضور پیدا کرد، مأمون گفت: مرا از معنی این آیه خبر دهید - تا آنجا که حضرت رضا × فرمود: و اما {إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَاسَلُّوا تَسْلِيمًا} ⁽¹⁾ مردم به پیامبر اکرم 'عرض کردند:

ای رسول خدا، ما کیفیت سلام کردن بر تو را دانستیم اما کیفیت صلوات (درود) بر تو چگونه است؟ فرمود: بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید. ⁽²⁾ ای مردم، آیا در میان

1. خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.

2. خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست چنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده و بزرگواری.

شما در صحت این مطلب اختلافی هست؟

دانشمندان پاسخ دادند: نه.

مأمون نیز گفت: این حدیث از آن دسته روایاتی است که اصلاً اختلافی در باره آن نبوده و مورد اجماع امت است.⁽¹⁾

دوم: روایتی است از ابن ابی لیلی که گفت:

کعب بن عجره را ملاقات نمودم، وی به من گفت: آیا هدیه‌ای به تو اهدا نکنم؟ روزی رسول خدا به سوی ما آمد، به آن حضرت عرض کردیم: ما کیفیت سلام کردن به شما را می‌دانیم کیفیت درود (صلوات) بر شما چگونه است؟

فرمود:

بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم، و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم إنه حمید مجید⁽²⁾

و در روایات بر این نکته نیز تأکید شده است که باید کلمه: (و آلّه) یا (و اهل بیته) نیز در صلوات بر پیامبر اکرم ' بیاید و ترک آن در حقیقت ظلم به آل رسول خدا بوده و خودّ پیامبر اکرم ' نیز از این

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 478، ح 67.

2. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست چنان که بر ابراهیم آل ابراهیم درود فرستادی و محمد و آل محمد را مبارک گردان چنان که ابراهیم آل ابراهیم را مبارک گرداندی. و خداوند ستوده و بزرگوار است.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

کار نهی فرموده و صلوات بدون ذکر آل را صلوات ناقص و بدون دنباله نامیده است.

مرحوم کلینی از حضرت امام صادق × نقل کرده است که فرمود:

پدرم از مردی که به پرده خانه کعبه آویخته بود شنید که می‌گفت:
خداوندا، بر محمد درود فرست. به او فرمود: بنده خدا، صلوات خود را
ناقص نکن. در حق ما ستم نکن. بگو: خدایا بر محمد و اهل بیت او
درود فرست.⁽¹⁾

و از رسول خدا ' است که فرمود:

لا تَصَلُّوا عَلَيَّ صَلَاةً مَبْتُورَةً، بل صَلُّوا إِلَى أَهْلِ بَيْتِي وَ لَا تَقْطَعُوهُمْ، فَانْ كَلَّ
نَسَبٍ وَ سَبَبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْقُوعٍ إِلَّا نَسِي⁽²⁾

صلوات ناقص بر من نفرستید، بلکه با اهل بیت من پیوند نموده و از آنان
جدا نشوید که در روز قیامت جز نسب من هر گونه رابطه فامیلی قطع
خواهد شد.

(3) موارد فرستادن صلوات

در روایات آمده است که در چند جا فرستادن صلوات مستحب بوده
و دارای آثار وضعی خاصی است:

1- در هنگام دعا، قبلا نیز در بحث دعا اشاره کردیم که فرستادن

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 488، ح 97.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 488، ح 98.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

صلوات در ابتدا و انتهای هر دعا از چه اهمیتی برخوردار است و باعث بالا رفتن دعا می‌گردد.

2. در تعقیبات نماز، گذشته از وجوب ذکر صلوات در تشهد نماز.

3. در شب و روز جمعه، همچنین در ایام ماه‌های مبارک شعبان و رمضان و دیگر ماه‌ها.

4. در هنگامی که انسان به یاد خدا می‌افتد.

در این رابطه عبدالله بن عبدالله دهقان می‌گوید:

بر حضرت امام رضا \times داخل شدم، آن حضرت به من فرمود: معنی آیه کریمه: {وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى} چیست؟

عرض کردم: هر گاه انسان نام پروردگارش را یاد کرد بر خیزد و نماز گزار.

آن حضرت به من فرمود:

اگر چنین باشد خداوند متعال تکلیف بیش از حد طاقت بر بندگان بار کرده است؟

عرض کردم: فدایت شوم، پس مراد از آیه چیست؟

فرمود: هرگاه پروردگار خود را یاد کرد بر محمد و آل او درود فرستد.⁽¹⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 491، ح 1 ب 36.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

5. در هنگام یاد کردن و بردن نام یکی از پیامبران خدا.

در این باره معاویه بن عمار می گوید:

در نزد حضرت امام صادق × نام یکی از پیامبران را بردم و بر او درود فرستادم.

آن حضرت به من فرمود:

هنگامی که یکی از پیامبران را یاد کردی یاد آنان را ابتدا با درود بر حضرت محمد آغاز کن و سپس بر آن پیامبر درود فرست. درود خدا بر محمد و آل محمد و بر همه پیامبران باد.⁽¹⁾

6. در هنگام به پایان بردن سخن.

در این رابطه نیز حسن بن عبدالله رازی تمیمی گفت: آقا و مولایم حضرت علی بن موسی الرضا × بر من روایت کرد و فرمود:

حدَّثني أبي موسى بن جعفر ' قال: حدَّثني أبي جعفر بن محمد ' قال:

حدَّثني أبي محمد بن عليّ ' قال: حدَّثني أبي عليّ بن الحسين ' قال:

حدَّثني أبي الحسين بن عليّ ' قال: حدَّثني أبي عليّ بن أبي طالب × قال:

قال رسول الله: ' من كان آخر كلامه الصلاة عليّ و عليّ دخل الجنة⁽²⁾

پدرم موسی بن جعفر ' بر من روایت کرد و گفت: پدرم جعفر بن

محمد ' بر من روایت کرد و گفت: پدرم محمد بن علی ' بر من روایت

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 489، ح 1 ب 33.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 491، ح 1 ب 35.

کرد و گفت: پدرم علی بن الحسین ' بر من روایت کرد و گفت: پدرم حسین بن علی ' بر من روایت کرد و گفت: پدرم علی بن ابی طالب × بر من روایت کرد و گفت: رسول خدا ' فرموده است: کسی که همیشه سخن خود را با صلوات بر من و صلوات بر علی به پایان آورد، وارد بهشت خواهد شد.

7. در هنگام فراموش کردن چیزی، که این کار باعث نورانی شدن دل و به یاد آوردن مطلب فراموش شده می‌گردد.

ابوهاشم جعفری از حضرت امام باقر × روایت کرده است که فرمود:

روزی حضرت امیرالمؤمنین × به همراه حضرت امام حسن × و سلمان فارسی رضی الله عنه می‌آمدند - تا آنجا که حضرت امام حسن ×⁽¹⁾ فرمود: - و اما آنچه در باره مسئله فراموشی و یادآوری پرسیدی، پاسخش این است که قلب هر مردی در درون محفظه یا حقه‌ای است که سرپوشی بر آن نهاده شده است، بنا بر این اگر وقتی چیزی را فراموش کرد بر محمد و آل محمد درود و صلوات کاملی بفرستد، سرپوش از روی محفظه کنار رفته دلش نورانی شده و آنچه را که از یاد برده دوباره به خاطر می‌آورد، اما اگر بر محمد و آل محمد صلوات نفرستد یا صلوات او ناقص باشد، سرپوش روی محفظه باقی مانده و دلش تاریک

1. این سخن در پاسخ سؤال دوم مردی است که از حضرت امیرالمؤمنین × سه سؤال پرسید و آن حضرت پاسخ آن سؤالات را به فرزندش حضرت امام حسن × واگذار نمود - مترجم.

می‌ماند.⁽¹⁾

[2] دیدگاه کلی در باره موارد ذکر

از آیات شریف قرآن چنین بر می‌آید که اگر چه صبح و غروب بهترین وقت برای ذکر به شمار می‌رود، اما وقت خاصی برای ذکر وجود ندارد و صبح و شب نیز به عنوان اینکه ابتدا و مبدأ تقسیم دو وقت اصلی انسان یعنی روز و شب هستند از این فضیلت برخوردار شده‌اند.

آیات مبارک و روایات شریف نیز بر مطلق بودن وقت ذکر دلالت دارند از جمله این آیات این آیه است که خداوند متعال در آن می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا }⁽²⁾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یاد بسیار.

در روایات نیز مطالبی آمده که در تأیید و تأکید بر همین نکته است.

حضرت امام صادق × فرمود:

غیر از ذکر و یاد پروردگار متعال چیزی نیست مگر اینکه حد و مرزی دارد، اما ذکر خدا را حد و مرزی نیست. مثلاً وقتی واجبات الهی انجام شد حد آنها به پایان می‌رسد، یا چون روزه ماه رمضان گرفته شد به نهایت خود رسیده یا مثلاً فریضه حج چون ادا گردید به حد نهایت خود

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 490، ح 1 ب 34.

2. احزاب / 41.

می‌رسد. اما ذکر خدا را نهایت و پایانی نیست و خداوند عزّ و جلّ به مقدار کم آن راضی نمی‌شود و برای آن حد و نهایی قرار نداده است.

سپس آن حضرت این آیه را تلاوت نمود که: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا} (1)

سپس فرمود: در این آیه خداوند برای ذکر حدی قرار نداده است سپس فرمود: پدرم (امام باقر ×) نیز بسیار ذکر می‌گفت. من به همراه او راه می‌رفتم و او در حال ذکر بود، با وی در سر سفره غذا می‌نشستم و او در یاد خداوند متعال بود، مردم با او سخن گفته و او نیز با آنها سخن می‌گفت اما این امر موجب نمی‌شد تا از ذکر و یاد خدا غافل شود، من زبان او را می‌دیدم که به کامش چسبیده و به ذکر لا إله إلا الله مشغول است

او ما را جمع می‌کرد و به ما دستور می‌داد تا وقت طلوع آفتاب ذکر خدا بگوییم، او به آنان که توان قرائت قرآن داشتند دستور می‌داد تا قرآن تلاوت کنند و به آنان که هنوز قادر به خواندن قرآن نبودند دستور می‌داد تا ذکر بگویند. خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خداوند متعال در آن یاد گردد، برکتش افزون گشته، فرشتگان در آن حضور یافته و شیاطین آن را ترک می‌کنند؛ چنین خانه‌ای چنان برای اهل آسمان می‌درخشد که نورانی‌ترین ستاره آسمان برای اهل زمین، اما خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و خداوند عزّ و جلّ در آن ذکر نگردد، کم

1. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار * و صبح و شام او را به پاکی بستانید.

برکت بوده، فرشتگان آن را ترک نموده و شیاطین در آن پا می‌گذارند.⁽¹⁾

اما با همه این احوال در روایات و اخبار، اوقات و موارد خاصی هم برای ذکر تعیین شده است که از آن دسته روایات چنین بر می‌آید که فضیلت ذکر در این مواقع بیشتر و استحباب آن به لحاظ موقعیت زمانی، مکانی یا استحقاقی مؤکدتر است، که از جمله آنها صبح و غروب است. و این مطلق گذاشتن زمانی از یک سو و اختصاص دادن آن به زمانی خاص از سوی دیگر ابعاد نظریه اسلام را در مسئله ذکر برای ما آشکار می‌نماید.

در اینجا به بعضی از موارد و مواقعی که بر انجام ذکر در آنها تأکید بیشتری شده است اشاره نموده و سپس به بیان ابعاد نظریه اسلام در مسئله ذکر می‌پردازیم.

[3] مواقع ذکر

1. هنگام بروز نعمت‌های الهی با ذکر خداوند به شکر و حمد، یا وقت فشار فقر با ذکر حوقله، محمد بن یوسف روایت کرده است که: محمد بن جعفر از پدرش حضرت امام صادق \times از پدران بزرگوارش [^] چنین نقل کرده است که پیامبر اکرم ' فرمود:

کسی که نعمت‌های خداوند در زندگی وی آشکار گردید بگوید: الحمد لله رب العالمین، و کسی که فقر و تهیدستی به او فشار آورد بسیار بگوید: لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم؛ که این ذکر گنجی از گنج‌های بهشت

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 359، ح 42.

و دوای هفتاد و دو درد است که کمترین آنها غم و غصه است.⁽¹⁾

2. در هنگام غفلت و فراموشی دل و خالی شدن آن از عواطف و احساسات و مبتلا شدن به حالت رکود، که در آن، دل آدمی به پارچه‌ای کهنه یا استخوانی فرسوده شبیه می‌گردد. ابواسامه می‌گوید:

با حضرت امام صادق × همراه بودم که آن حضرت به من فرمود: بخوان، من قرائت سوره‌ای از قرآن را آغاز نموده و مقداری از آن را تلاوت نمودم، آن حضرت متأثر شد و گریست، سپس به من فرمود:

ای اباسامه، حال دل خود را با ذکر خداوند عزّ و جلّ مراعات کنید و از سر زدن افکار باطل و فاسد به آن بر حذر باشید؛ زیرا ساعت‌ها یا زمان‌هایی بر قلب آدمی می‌گذرد که در آن ایمان و کفری نیست این همان اوقات غفلت از یاد خدا است و بیشتر به پارچه کهنه یا استخوان پوسیده‌ای شبیه می‌شود.⁽²⁾ ای اباسامه، آیا تاکنون احساس کرده‌ای که بعضی از وقت‌ها دلت نه مایل به خیر است و نه مایل به شر و نمی‌دانی دلت کجا است؟

عرض کردم: چرا، گاه این حالت برای من پیش می‌آید و می‌بینم که برای بعضی از مردم نیز پیش می‌آید.

فرمود: آری کسی از این حالت بیرون نیست. حال اگر چنین حالتی ایجاد شد، خدا را یاد کنید و از سر زدن افکار باطل و فاسد به قلب خود بر حذر باش؛ چون اگر خداوند برای بنده‌ای خیر بخواهد ایمان بر قلب او سر

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 385، ح 1.

2. یعنی آسیب پذیرتر است - مترجم.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

می‌زند و اگر غیر این را بخواهد افکاری دیگر به دلش سر خواهد کشید.

عرض کردم: فدایت شوم، غیر از آن چیست؟

فرمود: اگر برای او کفر مقدر باشد افکار کفرآمیز به قلب او راه می‌یابد.⁽¹⁾

3. در هنگام پیدا شدن حالت وسوسه و شک در قلب انسان در باره صفات یا خلقت خداوند متعال که خوب است در چنین مواردی ذکر لا حول و لا قوه الا بالله یا اذکار دیگر گفته شود.⁽²⁾

4. در وقتی که مردم به کارهای دنیوی مشغول هستند مانند بازار، که ذکر خداوند در چنین شرایطی، چنان که در حدیث شریف آمده، معادل هزار حسنه است و خداوند چنان آمرزشی بر این شخص روا می‌دارد که به خاطر هیچ انسانی خطور نکرده باشد.⁽³⁾

5. در هنگام برخاستن از مجلس و به پایان بردن آن با این آیه شریف که:

{سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ} ⁽⁴⁾

یا به این سخن معصوم که:

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 373، ح 1.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 374، ب 9.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 372، ب 7.

4. منزه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می‌کنند * و درود بر

فرستادگان * و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است، الصافات / 180 - 182.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

سبحانك اللهم و بحمدك لا إله إلا أنت استغفرک و أتوب إليك⁽¹⁾

6. در وقت همنشین شدن یا رو به رو شدن با مردمان غفلت زده، که در این وقت حال او همچون رزمنده‌ای است که در میان جنگجویان دشمن بماند و بجنگد تا آنان که از جنگ فرار کرده‌اند، جان سالم به در ببرند.⁽²⁾

7. در هنگام نگاه کردن به آینه که مستحب است انسان در این حالت شکر خداوند متعال را بر نعمت خلقت و حسن جمال و زینتی که به وی ارزانی داشته به جا آورد، و روایت شده است که چون پیامبر اکرم ' در آینه نگاه می‌کرد می‌فرمود:

سپاس خدای را که خلقت مرا کامل نموده و صورتم را زیبا ساخت و زشتی هایی که در دیگران است در من مایه زینت و زیبایی قرار داده، مرا در اسلام هدایت کرده و با اعطای نبوت بر من منت نهاد.⁽³⁾

8. در خلوت و جلوت یا در پنهان و آشکار که در حدیثی از حضرت امام صادق × وارد است که فرمود:

شیعیان ما کسانی هستند که چون خلوت می‌کنند بسیار به یاد خدا و مشغول به ذکر او هستند.⁽⁴⁾

1. خداوندا، مزه‌ی تو و سپاس تو را که هیچ آفریدگاری جز تو نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 371، ب 6.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 384، ح 2 ب 14.

4. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 367، ح 2 ب 5.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و در محاسن از حضرت امام صادق \times وارد شده است که فرمود:

خداوند متعال فرمود: پسر آدم، مرا در درون خود یاد کن تا من نیز تو را
در نفس خود یاد کنم، پسر آدم، مرا در خلوت یاد کن تا من نیز تو را در
خفا یاد کنم، پسر آدم مرا آشکارا یاد کن تا من نیز تو را آشکارا یاد کنم
بهتر از آشکاری تو.

و فرمود:

بنده‌ای از بندگان خدا، او را در میان جمعی از مردم یاد نمی‌کند مگر
اینکه خداوند نیز وی را در میان جمعی از فرشتگان یاد خواهد نمود.⁽¹⁾

در اینجا خوب است بعضی از روایات را ذکر کنیم که به این نکته اشاره
دارند که: هر طاعت و فرمانبرداری از ذات مقدس خداوندی ذکر خدا بوده
و هر گناه و معصیتی در واقع فراموش کردن خداوند است.⁽²⁾ بدین ترتیب
ذکر معنایی عمیق‌تر از عمل خارجی صرف انسان یافته، به یاد خدا بودن و
همواره ملتفت ذات مقدس خدا و آگاهی او از اعمال ما و محاسبه وی از ما
و ثواب و عقاب کردن ما توسط او بر این اعمال را نیز شامل می‌گردد.

برخی روایات به این نکته اشاره دارند که ذکر رسول خدا و ائمه [^]
نیز ذکر خدا محسوب می‌شود؛ چون خدا پیامبر خود را همراه و قرین
خود ساخته است.⁽³⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 368، ح 8.

2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 365، ح 4 ب 3.

3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 433، ح 1 و 2 ب 26.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

دیدگاه: با مروری که بر موارد و آثار ذکر داشتیم ابعاد نظری دیدگاه اسلام در باره ذکر به خوبی آشکار می‌گردد.

آنجا که ذکر عاملی است که همواره و در همه حالات و زمان‌ها با انسان همراه است و در تحقق اهداف وی در راه تکامل دنیوی و اخروی تأثیر بسزایی دارد، چه در جنبه رابطه با خداوند متعال، چه در جنبه روحی و نفسانی و محتوای داخلی او، چه در جنبه قدرت اراده انسان در برابر هواها و فشارهای نفسانی و چه در جنبه عملی و رفتاری. ذکر با این معنی گسترده‌ای که با مطالعه روایات مربوط به آن، از آن بیان داشتیم دارای این مواضع و آثار است:

الف - ذکر رابطه انسان با خدا را مستحکم ساخته و بدین وسیله به بالاترین درجات و بیشترین ثواب می‌رسد.

ب - ذکر درمان بیماری‌های روحی و شفای امراض درونی انسان و مایه پاک شدن دل‌ها از کثافت و زنگار است.

ج - ذکر تقویت کننده اراده انسان برای صبر و بردباری، تسلیم و رضا و مایه تسلای دل او در رنج‌ها و دردها است.

د - ذکر در عین حال، باز دارنده انسان از گناه و فرمانده او به طاعت و عبادت پروردگار است. ذکر ضامن پرهیزگاری و موجب عدم انحراف از جاده حق و حقیقت در رفتار و کردار است؛ آنجا که انسان ذاکر همواره حضور خدا و علم او به همه حرکات و سکانات خود را حس نموده و متوجه ثواب و عقاب خداوندی است.

[4] پاره‌ای دیگر از آثار و آداب ذکر

علاوه بر آنچه پیشتر دانستیم از برخی احادیث استفاده می‌شود که از دیگر آثار ذکر این است که ذاکران خداوند متعال از آسیب صاعقه در امان هستند.⁽¹⁾

و از دیگر آثار آن این است که اگر انسان حاجتی به درگاه خداوند متعال داشته باشد و چنان به ذکر خداوند مشغول شود که حاجت خود را از یاد ببرد خداوند متعال در مقابل، چیزی بهتر از آنچه در نظر وی بوده است به او عطا می‌کند.⁽²⁾

همچنین دیگر اثر ذکر آن است که هر کس خدا و رسول او را در یک مجلس ذکر و یادآوری کند، هر ذکر او دارای ده حسنه است، و مجلسی که هیچ کدام از اهل آن اهل ذکر نبوده و از ذکر خالی باشد مایه وبال اهل خود و موجب حسرت آنان در روز قیامت خواهد بود.⁽³⁾

از آثار حضور در مجالس ذکر نیز این است که این عمل موجب منفعت و خیر انسان در دنیا و آخرت می‌گردد؛ چرا که چنین مجالسی از باغ‌ها و تفرجگاه‌های بهشت می‌باشد. لقمان حکیم نیز فرزند خود را چنین به حضور در مجالس ذکر نصیحت کرده است که:

انسان با حضور در این مجالس اگر نادان است تعلیم یافته و اگر دانا

-
1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 365، ب 4.
 2. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 364، ب 3.
 3. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 433، ب 26.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

است خیر می‌بیند، و شاید که خداوند متعال همه اهل آن مجلس را در سایه رحمت خود جمع نموده و مشمول این رحمت گرداند.¹⁾

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 15 / 457، ب 29.

جهاد

جهاد در راه خدا از واجبات و عبادات مهمی است که قرآن کریم در چند جا از آن سخن به میان آورده است.

{وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ} (1)

و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شماست؛ چه نیکو مولایی و چه نیکو یاورى.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُجْنِكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ

خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ⁽¹⁾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند؟ * به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید. این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید، برای شما بهتر است.

جهاد در اسلام و در قرآن کریم از معنی و مفهوم گسترده‌ای برخوردار است، آنجا که لفظ جهاد از ریشه جهد گرفته شده که به معنی وسع و طاقت است بنا بر این، جهاد عبارت از به کار بردن همه توان در راه دفاع و مبارزه در راه خداوند متعال، نشر اسلام و دفاع از آن می‌باشد.⁽²⁾ بنا بر این، هر زحمت و مشقتی که انسان در این راه متحمل آن می‌شود و هر آنچه در راه خدا نثار و ایثار می‌کند جهاد است، چه جسمی باشد و چه معنوی و روحی، و در این زمینه فرقی میان سخن گفتن، تألیف، مصرف اموال، آموختن دانش و معرفت سودمند، آشتی میان دو نفر، امر به معروف، نهی از منکر و امثال این امور نیست، چه رسد به نثار کردن جان و جنگیدن در راه خدا.

اما در اصطلاح فقهی، جهاد غالباً بر جنگیدن در میدان و استفاده از سلاح و قرار گرفتن در معرض کشته شدن و شهادت اطلاق می‌گردد.

خداوند متعال نیز این نوع از جهاد را بر انسان مسلمان تحت شرایط

1. صف / 10 - 11.

2. معجم الفاظ القرآن / 216.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

خاصی واجب نموده و او را مجاز دانسته، بلکه بر او واجب کرده است که خود را در راه دفاع از جان، اسلام و ستمدیدگان در معرض کشته شدن و مرگ قرار دهد.

خداوند متعال فرموده است:

{كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ} (1)

بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است.

و فرموده است:

{أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ يَأْتِيهِمْ ظُلْمٌ مَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَىٰ نَفْسِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ
أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَا دَفْعُ اللَّهِ لِلنَّاسِ
بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ
كَثِيرًا وَكَثِيرًا وَكَثِيرًا اللَّهُ مَن يَبْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ} (2)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست * همان کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا

1. بقره / 216.

2. حج / 39 - 40.

بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.

همچنین فرموده است:

{وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا} (1)

و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.

و از قرآن کریم چنین بر می‌آید که اصل تشریح جنگ و جهاد برای دفاع از خود می‌باشد، و این امر پس از آن بوده که مشرکان و دشمنان اسلام بر ضد مسلمانان دست به اقدامات خصمانه و شیوه‌های قلع و قمع، فتنه، دشمنی، تبعید، محاصره اقتصادی، اجتماعی انواع شکنجه‌ها، و اقدام برای کشتن آنها زدند که آیات دوم و سوم ذکر شده در بالا نیز به همین مطلب اشاره دارند
این آیه شریفه نیز به همین امر اشاره دارد:

{وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ * الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعتدى عَلَيْكُمْ فاعْتدوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعتدى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ }⁽¹⁾

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، و [لی] از اندازه درنگزید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد * و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید، و همان گونه که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون برانید، [چرا که] فتنه [شُرک] از قتل بدتر است، [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید، مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند، پس اگر با شما جنگیدند، آنان را بکشید، که کیفر کافران چنین است * و اگر بازایستادند، البته خدا آمرزنده مهربان است * با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست * این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است، و [هتک] حرمتها قصاص دارد. پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایندگان است.

آنجا که از این آیات مبارک استفاده می‌شود که قاعده اساسی و اصل در این جنگ و جهاد، دفاع و دفع دشمن بوده و با دست بر داشتن آنان از دشمنی نیز خاتمه خواهد پذیرفت.

[1] اهمیت و فضیلت جهاد

جهاد، فضیلتی بزرگ برای انسان و امت مجاهد بوده و اهمیتی بالا در تحقق اهداف مقدسی دارد که خداوند متعال برای سیر تکاملی انسان قرار داده است؛ اهدافی که جز از راه تحمل مشکلات و به تعبیر قرآن: «بأساء و ضرّاء» دست یافتنی نیست و بأساء را به جنگ و جهاد تفسیر کرده‌اند.

قرآن کریم در آیات متعددی بر این مطلب تصریح نموده است مانند سخن خدای تعالی که:

{أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبِأْسَاءُ وَ الضَّرَّاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ} (1)

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: یاری خدا کی خواهد بود؟ هشدار، که پیروزی خدا نزدیک است.

و سخن خدای تعالی که:

{يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ} (1)

تا گناهانتان را بر شما ببخشد، و شما را در باغ هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است و [در] سراهایی خوش، در بهشت های همیشگی در آورد. این [خود] کامیابی بزرگ است * و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید: یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست. و مؤمنان را [بدان] بشارت ده.

و نیز سخن خدای تعالی که:

{وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ} (2)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارش روزی داده می شوند * به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند مژده می دهند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند * بر نعمت و فضل

1. صف / 12 - 13.

2. آل عمران / 169 - 171.

خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند، شادی می‌کنند.

همچنین سخن خدای تعالی که:

{وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا * دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ
مَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} (1)

و خداوند مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده
است * [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات و آمرزش و رحمتی از
جانب او [تصیب آنان می‌شود] و خدا آمرزنده مهربان است.

و نیز این سخن که:

{يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ} (2)

پروردگارشان آنان را از جانب خود، به رحمت و خشنودی و باغهایی
[در بهشت] که در آنها نعمتهایی پایدار دارند، مژده می‌دهد. جاودانه در
آنها خواهند بود، در حقیقت، خداست که نزد او پاداشی بزرگ است.

همچنین: {مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا
لا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا
يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كَيْبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ

1. نساء / 95 - 96.

2. توبه / 21 - 22.

الْمُحْسِنِينَ * وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُنْتَبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ⁽¹⁾

مردم مدینه و بادیه نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند، چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد؛ و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و غنیمتی از دشمنی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن، عمل صالحی برای آنان ادر کارنامه شان نوشته می‌شود، زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند * و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمی‌کنند و هیچ وادی را نمی‌پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می‌کردند پاداش دهد.

و آیات دیگری که بیشتر نیز به برخی از آنها اشاره کردیم.

و روایات بسیاری نیز از پیامبر اکرم ' و اهل بیت گرامی آن حضرت وارد شده است که بر اهمیت جهاد و نقش عظیم آن در حفظ اسلام و عزت، کرامت، انسانیت و قدرت جامعه اسلامی، همچنین نقش آن در تحقق اهداف تکاملی حرکت فردی و اجتماعی انسان تأکید کرده است. مرحوم کلینی با سند معتبر از حضرت امام صادق × چنین نقل کرده است:

که پیامبر اکرم ' فرموده‌اند: همه خوبی‌ها در شمشیر و زیر سایه آن

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

است و شمشیرها کلیدهای بهشت و جهنم هستند.⁽¹⁾

و در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین × نقل کرده‌اند که فرمود:

اما بعد، همانا جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیای خاص خود گشوده است، جهاد لباس تقوی، زره محکم خدا و سپر مطمئن او است، پس هر کس که جهاد را ترک کند خداوند لباس ذلت بر اندامش خواهد پوشاند و به سبب ضایع کردن جهاد گرفتار بلا گردیده، کوچک و ذلیل شده، دلش در پرده گمراهی مانده، به خواری محکوم و از عدالت محروم می‌شود.⁽²⁾

و پیامبر اکرم ' فرمود:

بهشت را دری است که به آن باب المجاهدین می‌گویند، مجاهدان در حالی که همه در موقف حساب مشغول حساب و کتاب هستند با شمشیرهای حمایت کرده به سوی آن در که به روی آنها باز است می‌روند و فرشتگان به ایشان خوش آمد می‌گویند.

سپس فرمود: هر کس جهاد را ترک کند خداوند عزّ و جلّ وی را در امر معیشت به خواری و فقر و در امر دین به نابودی مبتلا خواهد کرد. خداوند امت مرا با نعل اسبان و مراکز نیزه هایشان بی نیاز کرده (عزت بخشیده) است.⁽³⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 5/ 11، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8/ 11، ح 13.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 5/ 11، ح 2.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

شیخ صدوق در **خصال** و شیخ طوسی در **تهذیب** از حضرت امام صادق \times ، از پدران بزرگوارش، از پیامبر اکرم ' نقل کرده است که فرمود:

بالتر از هر خوبی خوبی هست تا آنجا که مردی جان خود را در راه خدا بدهد، و چون کسی در راه خدا کشته شد خوبی بالاتر از آن نیست، و بالاتر از هر کار زشتی زشتی است تا جایی که کسی یکی از والدین خود را به قتل برساند و چون کسی چنین کاری کرد بالاتر از آن ستم و زشتی نیست.⁽¹⁾

و شیخ صدوق در **عقاب الأعمال** در باره ثواب مجاهد در راه خدا از رسول خدا ' نقل کرده است که فرمود:

و کسی که به قصد جهاد در راه خدا از خانه خود خارج شود در ازای هر گامی که بر می‌دارد به او هفتصد هزار حسنه داده، هفتصد هزار گناه از نامه عملش محو می‌کند و هفتصد هزار درجه بر مقاماتش می‌افزاید و در ضمانت خدای متعال است و به هر صورت که بمیرد شهید است و اگر سالم باز گشت، با گناهان بخشیده و دعای مستجاب باز می‌گردد.⁽²⁾

منصور بن حازم به حضرت امام صادق \times عرض کرد:

از میان کارها کدام یک افضل و برتر است؟

فرمود:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 10 / 11، ح 21.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 12، ح 27.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

نماز اول وقت، نیکی به پدر و مادر و جهاد در راه خدا.⁽¹⁾

همچنین از حضرت امام سجاد × روایت شده است که فرمود:

قطره‌ای در نزد خداوند عزّ و جلّ محبوب‌تر از دو قطره نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که در دل تاریک شب ریخته شود و گریه کننده جز جلب رضایت خداوند عزّ و جلّ هیچ نیت دیگری از آن نداشته باشد.⁽²⁾

و در امالی طوسی از حضرت امیرالمؤمنین × نقل نموده که فرمود:

مرگ در پی برخی انسان‌ها و بعضی از آنها نیز به دنبال مرگ هستند، نه آنان که می‌مانند عاجز کننده آن بوده، و نه آنان که از آن می‌گریزند از چنگش رهایی دارند، پس بدون هیچ سخنی [به سوی سپاه دشمن] به پیش روید که از مرگ گریزی نیست و چنانچه در جنگ کشته نشوید به مرگ طبیعی خواهید مرد. سوگند به آنکه جان علی در دست او است، هزار ضربت شمشیر بر سر، از مردن در رختخواب آسان‌تر است.⁽³⁾

و صدوق در امالی خود از حضرت امام صادق × نقل کرده که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 12، ح 28.

2. مجلسی، بحار الانوار 100 / 10، ح 16

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 10، ح 22

شریف‌ترین نوع مردن شهادت در راه خدا است.⁽¹⁾

ما تلاش کرده‌ایم تا در هر یک از این روایات به یک بعد از ابعاد فضیلت جهاد و مجاهد و آثار مترتب بر آن اشاره کنیم.

[2] اقسام جهاد

جهاد به لحاظ انواع، احکام و موارد آن به چند صورت تقسیم می‌گردد.

جهاد به دو قسمت جهاد با دشمن بیرونی و جهاد با دشمن درونی یا همان مبارزه با نفس تقسیم می‌شود که در باره این دو نوع جهاد در روایت مورد اعتماد از رسول خدا از جهاد با نفس تعبیر به جهاد اکبر و از جهاد با دشمن بیرونی تعبیر به جهاد اصغر شده است.

پیامبر اکرم ' گروهی را برای جهاد اعزام داشتند و چون بازگشتند به آنان فرمودند:

خوش آمدیدای گروهی که جهاد کوچک‌تر را انجام داده‌اید و جهاد بزرگ‌تر برای شما هنوز باقی مانده است.

به آن حضرت گفته شد: جهاد اکبر چیست؟

فرمود: مبارزه با نفس.⁽²⁾

قبلا نیز در بعضی از جاهای دیگر این کتاب در باره مبارزه با نفس

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 6 / 11، ح 4

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 122 و 124 / ح 1 و 9.

سخن به میان آوردیم.⁽¹⁾

و محدثان نیز کتابی را در خصوص این زمینه با بخش‌های متعدد تألیف نموده‌اند که در آن، به تفصیل به جزئیات این امر پرداخته‌اند.⁽²⁾ البته نباید تصور شود که جهاد با نفس می‌تواند جایگزین جهاد با دشمن خارجی بوده باشد و چون مبارزه با نفس جهاد اکبر یا مبارزه بزرگ‌تر است انسان را از آن بی‌نیاز می‌نماید.

بلکه صحیح این است که جهاد با نفس فراگیرتر و عام‌تر از جهاد با دشمن خارجی است و جهاد اصغر همواره شعبه‌ای از جهاد اکبر و مصداقی از مصادیق آن بوده و بدون آن حتی در صورت محقق شدن همه شرایط نیز جهاد متحقق نمی‌گردد.

[3] برخی از احکام جهاد

جهاد به لحاظ احکامی که بر آن مترتب می‌گردد نیز به چند قسمت تقسیم می‌گردد. فضیل بن عیاض و حفص بن غیاث هر یک گفته‌اند:

از حضرت امام صادق × در باره جهاد پرسیدم که آیا سنت است یا فریضه واجب؟

فرمود:

1. در باب اصول و قواعد کلی از جلد اول، بخش جنبه‌های اخلاقی، دیدگاه کلی را در رابطه با مبارزه با نفس ذکر نموده‌ایم و سپس در مبحث روابط، بخش‌های: کنترل «احساسات و عواطف» و «الگوها و رفتار برجسته» به جزئیات بیشتری در این رابطه اشاره کرده‌ایم.

جهاد بر چهار گونه است: دو جهاد واجب است، یک جهاد سنتی است که تنها به همراه جهاد واجب دیگری انجام می‌شود و یک جهاد که صرفاً سنت است.

اولین نوع که جهاد واجب است مجاهده انسان با نفس خویش بر سر گناه و نافرمانی خداوند عزّ و جلّ است که از بزرگ‌ترین انواع جهاد نیز هست. دیگر جهاد واجب مبارزه با کافرانی است که با مسلمانان به مبارزه رویاروی می‌پردازند.

اما جهادی که سنت است اما تنها به همراه جهاد واجب قابل انجام است جهاد امام است چرا که جهاد با دشمنان بر همه امت واجب است و اگر آن را ترک کنند عذاب بر آنها نازل خواهد شد و این عذاب تنها بر امت است نه بر امام چون بر امام واجب نیست که به همراه امت با دشمنان جهاد کند.

اما جهادی که مطلقاً سنت است عبارت است از هر سنتی که انسان در راه برپا داشتن، به عمل درآوردن و زنده کردن آن به مجاهدت و مبارزه بپردازد، که تلاش در این راه از برترین کارها است؛ چرا که این عمل مصداق احیای سنت است و پیامبر اکرم ' فرموده است: هر کس سنت حسنه‌ای را بنیاد نهد اجر و پاداش این عمل و معادل اجر و پاداش همه کسانی که تا روز قیامت به آن سنت عمل کنند، از آن وی خواهد بود، بدون اینکه از اجر و پاداش آنان چیزی کم شود.⁽¹⁾

ظاهراً دومین بخش از جهاد که جهاد واجب همگانی باشد با قسمت

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 16، ح 1.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

سوم از آن که جهاد مستحب به شرط همراه بودن با جهاد واجب است تفاوت‌های دیگری هم دارد، به این ترتیب که جهاد واجب جهاد دفاعی است که در همه حالات بر همه مسلمانان از مرد و زن واجب بوده، بودن یا نبودن امام عادل در آن شرط نیست، به خلاف قسمت دوم که همان جهاد ابتدایی است که تحت شرایط خاصی که از مهم‌ترین آنها وجود امام عادل است، تنها بر مردان واجب می‌شود و لازم است پیش از آن، حتماً دین اسلام به طرف مقابل ابلاغ شده و آنها به صورت مسالمت آمیز به این امر فرا خوانده شوند.

در این رابطه شیخ کلینی از طلحه بن زید از حضرت امام صادق × چنین روایت کرده است:

از آن حضرت در باره مردی پرسیدم که به صورت مسالمت آمیز در سرزمین کفار حربی زندگی می‌کند و آنگاه دشمنی (از کفار) به آن سرزمین حمله می‌کند آیا او می‌تواند به همراه آن کافران به جنگ کافران متجاوز برود؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

بر هر مسلمان واجب است که برای دفاع از خود اقدام کند البته به شرطی که در جنگ طبق حکم خدا و رسول عمل کند، اما جنگیدن با کافران بر اساس حکم جور و سنت کافران بر وی جایز نیست.⁽¹⁾

در تأکید بر مضمون این روایت، روایت دیگری نیز هست که شیخ

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 16، ح 3.

کلینی آن را در کافی از ابو عمر زهری نقل کرده است که وی به آن حضرت عرضه داشت.

ما از کیفیت دعوت به سوی خدا و جهاد فی سبیل الله آگاه کن که آیا اختصاص به گروه خاصی دارد و برای غیر آنان جایز نیست؟ یا اینکه این امر برای هر کس که ایمان به وحدانیت خداوند عزّ و جلّ و رسالت پیامبر اکرم ' داشته باشد مباح و جایز بوده و اشخاصی که چنین باشند مجاز در دعوت به سوی خدا و بندگی او، و جهاد در این راه هستند.

ایشان در پاسخ فرمودند:

این کار تنها در صلاحیت گروه خاصی است و برای غیر آنان جایز نیست.

عرضه داشتم: اینها چه کسانی هستند؟

فرمود:

کسانی که در جنگ، شرایطی را که خداوند متعال برای مجاهدان قرار داده است رعایت نمایند؛ چنین کسانی مجازند که دیگران را به سوی خداوند عزّ و جلّ دعوت کنند، و اما کسانی که در جنگ، شرایطی را که خداوند متعال برای مجاهدان قرار داده است رعایت نکنند، تا وقتی که خود را مطیع شرایط و مقررات الهی در باره جهاد نکرده‌اند، اجازه جهاد و دعوت به پروردگار را ندارند.⁽¹⁾

و کلینی در کافی در رابطه با وجوب دعوت به اسلام قبل از شروع

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 23، ح 1.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

به جنگ از حضرت امام صادق × چنین روایت کرده است که:
حضرت امیرالمؤمنین × فرموده است:

رسول خدا 'چون مرا به یمن می فرستاد به من فرمود: ای علی، هرگز با کسی جنگ نکن مگر اینکه قبل از آن وی را به اسلام فرا خوانده باشی، و به خدا سوگند که اگر خداوند عزّ و جلّ یک نفر را به دست تو هدایت کند برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع نموده و غروب می کند و ولایت آن شخص نیز از آن تو خواهد بود.⁽¹⁾

از آیات کریم قرآن نیز وجوب دعوت به خداوند با حکمت و پند نیکو و صبر در راه ادای رسالت الهی استفاده می شود همچنین از سیره و روش پیامبر اکرم ' نیز چنین بر می آید که تنها پس از اینکه همه وسایل و راه هایی که ممکن است حجت بالغه الهی را به مردم برساند به انجام رسید و فقط موانع درونی که در واقع نوعی لجبازی است و از آن تعبیر به جحود می شود مانع از پذیرش حق توسط آن کافران گردید، مسلمانان می توانند برای شکستن این مانع درونی و نشر اسلام، به جهاد ابتدایی متوسل شوند. و شاید سرّ اینکه در جهاد ابتدایی حضور و اجازه امام عادل شرط شده است نیز همین باشد؛ چون تشخیص این امر نیاز به تخصص، تجربه، هوشیاری و شناخت کامل از اوضاع اجتماعی، به همراه تقوا و عدالت کامل دارد.

جهاد دارای احکام متعددی است مانند احکام مربوط به ابزار و

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 30 / 11، ح 1.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

شیوه‌های قتل همچون حکم استفاده از سم یا آتش در جنگ، یا احکام کسانی که جنگ و جهاد بر آنها واجب است مانند مردان نیرومند و در بعضی از شرایط زنان، یا احکام غنایم و نحوه تقسیم و جدا کردن خمس آنها، همچنین احکام مربوط به اسیران مانند بردگی یا آزاد کردن بی قید و شرط، یا آزاد کردن با گرفتن فدیه در صورت تثبیت پیروزی، یا جواز کشتن آنها قبل از پیروز شدن و خاتمه جنگ، احکام امان دادن و زمان این کار، همچنین احکام مربوط به تفاوت در برخورد با مشرکان، اهل کتاب و گردن کشان، احکام مربوط به فرار از جنگ و احکام دیگری که جزئیات آنها به طور مفصل در کتاب‌های فقهی آمده است.

جنگ و جهاد آداب خاصی نیز دارد مانند آداب شروع جنگ، در حین مبارزه، برخورد با اسیران در حال اسارت و دیگر آداب. شاید یکی از زیباترین متون روایی که در این زمینه وارد شده است روایتی باشد که از مالک بن اعین نقل شده است که گفت:

حضرت امیرالمؤمنین \times مردم را در صفین برای جنگ آماده می‌کرد و می‌فرمود:

همانا که خداوند عزّ و جلّ شما را به تجارت و معامله‌ای راهنمایی کرده است که از عذاب دردناک نجاتتان داده و بدین ترتیب شما را به خیر و خوبی می‌رساند: ایمان به خدا و جهاد در راه او، و پاداش این عمل را آمرزش گناهان و سکونت در خانه‌های پاکیزه بهشت جاودان قرار داده است، خداوند عزّ و جلّ فرموده است: {خداوند کسانی را که در راه او

در صفوفی به هم پیوسته که به دیوارهای ریخته شده از سرب می‌ماند جنگ می‌کنند دوست می‌دارد، پس صفوف خود را همچون دیوارهایی از سرب ترتیب دهید، زره پوشیدگان را در جلو و برهنگان را در پشت سر قرار دهید، دندان‌های خود را به هم بفشارید که این کار مقاومت شما را در برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر می‌کند، و بدن خود را در برابر نوک نیزه‌ها پیچ و تاب دهید که این کار تأثیر آنها را در شما کمتر خواهد نمود، چشمان خود را ببندید تا آرامش و قوت قلب شما بیشتر شود، صداها (فریادهای از روی ترس و وحشت) را خاموش کنید که این کار مانع از هم پاشیدگی شما شده و به حال وقار و طمأنینه شما سزاوارتر است، پرچم‌های خود را راست نگاه دارید و از مایل شدن یا افتادن آنها جلوگیری کنید و پرچم‌ها را تنها به دست افراد شجاع خود بسپارید؛ چرا که فقط کسانی می‌توانند از عقبه لشکر محافظت نموده و در هنگام وقوع حوادث سخت از صبر و تحمل برخوردار هستند که اهل حفاظ باشند.

هیچگاه کشته‌ای را مثله نکنید، و چون به عقبه لشکر دشمن رسیدید پرده‌ای را ندرید، و به خانه‌ای داخل نشوید و جز آنچه در لشکر ایشان است از خانه هایشان چیزی برندارید، هیچ زنی را نترسانید و آزار نرسانید حتی اگر نوامیس شما را مورد توهین قرار داده یا امیران و صالحاتان را دشنام دهند، چرا که زنان به لحاظ قوای بدنی، روحی و عقلی ضعیف هستند و ما نیز از قبل دستور داشتیم که دست از آزار زن های مشرک نیز نگه داریم، و در جاهلیت اگر مردی به زنی حمله می‌کرد

نه تنها خود، بلکه پس از وی فرزنداناش نیز مورد سرزنش واقع می‌شدند. و بدانید که اهل حفاظ کسانی هستند که به دور پرچم‌های خود گرد می‌آیند و با حلقه زدن و جنگیدن در اطراف و پیش و پس آنها از سرنگونی پرچم لشکر خویش جلوگیری می‌نمایند و هیچ‌گاه پرچم خود را تنها نمی‌گذارند. خداوند کسی را رحمت کند که برادر هم‌رمز خود را با جانش حمایت کند و مسئولیت مبارزه با هم‌آورد خود را به دوش برادر هم‌رمز خویش نیاندازد تا وی مجبور شود با دو هم‌آورد مبارزه کند و در مقابل، ملامت و سرزنش را برای خود خریده و با پستی از میدان نبرد باز گردد؛ و چرا چنین نباشد؟ که هم‌رمز او با دو نفر جنگیده و این شخص از جنگ دست کشیده و با فرار از برابر هم‌آورد خویش او را به جنگ برادر هم‌رمز خویش فرستاده و تماشاگر این صحنه شده است؛ این کاری است که خداوند متعال بسیار از آن خشمگین می‌گردد، پس خود را در معرض خشم خداوند قرار ندهید که در هر صورت به نزد خداوند باز خواهید گشت و خداوند عزّ و جلّ نیز فرموده است: {بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، هرگز این گریز برای شما سود نمی‌بخشد، و در آن صورت جز اندکی برخوردار نخواهید شد} و به خدا سوگند، اگر از شمشیرهایی که امروز به روی شما کشیده شده است فرار کنید از شمشیرهایی که فردا بر سرتان فرود خواهد آمد فرار نتوانید کرد، پس از صبر و راستی یاری جوئید که پیروزی متعاقب صبر و بردباری نازل می‌گردد، پس در راه خدا با تمام قوا جهاد کنید و هیچ نیرویی جز از

جانب خداوند نیست.⁽¹⁾

[4] موارد جهاد

موارد جهاد که از قرآن کریم و روایات شریف مستفاد می‌گردد و مجوز اقدام به جنگ و استفاده از اسلحه در برابر دشمنان است را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد:

اول: دفاع از اسلام در هنگام بروز خطر برای دین و اساس اسلام، چه این خطر از سوی کافران باشد یا افراد مرتد داخل جامعه اسلامی که قبلاً نیز به این امر اشاره کرده‌ایم.

دوم: دفاع از جان، چه دفاع از جان یک فرد باشد یا دفاع از جماعت مسلمانی باشد که در معرض کشتار و دسیسه‌گری واقع گردیده، یا در حال دفاع از مال و آبروی خود باشند.

شیخ کلینی در همین باره روایتی را از حضرت امام صادق \times نقل کرده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است:

هر کس در راه باز پس گرفتن حق پایمال شده خود کشته شود شهید است.⁽²⁾

و در روایت دیگری در تفسیر عبارت **حق پایمال شده** این گونه آمده

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 71، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 92، ح 8.

است:

در راه حمایت از خانواده خود، مال خود و نظایر اینها کشف شود.⁽¹⁾

سوم: ایستادگی در برابر نظام ستمگر و سرکشی که در سطح کلان، امت را به خطر اندازد؛ به گونه‌ای که در چنین نظامی بی باکانه ارزش‌های انسانی زیر پا نهاده شده و آزادی و کرامت انسانی و حقوق بنیادین وی از او سلب گردد خداوند متعال فرموده است:

{لِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا تَبَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَدْبِجُ
أَنْبَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى
الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ} (2)

فرعون در سرزمین مصر [سر برافراشت، و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت: پسرانشان را سر می‌برید، و زنانشان را برای بهره‌کشی زنده بر جای می‌گذاشت، که وی از فسادکاران بود * و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهمیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

چهارم: رها کردن مظلومان و محرومان از دست سرکشان و ظالمان، چنان که آیه شریفه ذیل بر این نکته دلالت دارد:

{وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 92، ح 9.

2. قصص / 4 - 5.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

وَأَجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا⁽¹⁾ و چرا شما در راه خدا (و در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.

و پیامبر اکرم ' نیز فرمود:

هر کس صدای فریاد مسلمانی را بشنود که می‌گوید: ای مسلمانان به فریادم برسید و به یاری او نشتابد مسلمان نیست.⁽²⁾

پنجم: نبرد کردن با مسلمانانی که سر به شورش و سرکشی برمی‌دارند، چه کسانی که بر حاکم عادل جامع الشرایط بشورند، چنان که در جنگ‌های حضرت امام علی \times بر ضد اصحاب جمل (ناکثین)، معاویه و یاران او (فاسطین)، و خوارج (مارقین) روی داد، و چه جمعیت‌های طغیانگر مسلمانی که به جمعیت مسلمان دیگر حمله کنند؛ آنجا که در مرحله اول واجب است که مسلمانان برای ایجاد صلح و سازش در میان این دو گروه تلاش کنند و در صورتی که جماعت ستمگر دست از کار خود برداشت بر مسلمانان واجب است تا در یاری گروه ستمدیده با گروه ستمگر به جنگ و مبارزه برخیزند و از مصادیق این مبارزه با ستمگری، ایستادن در برابر حاکمان ناحق و جائری است که گاه بر گردن مردم مسلمان سوار می‌شوند و به

1. نساء / 75.

2. کلینی، کافی / 2 / 164، ح 5.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

ناحق بر کرسی حکومت اسلامی تکیه می‌زنند، شاهد این امر نیز موضع حضرت امام حسین \times در برابر یزید بن معاویه است. آن حضرت فرمود:

هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال دانسته، پیمان خدا را شکسته - با سنت رسول خدا مخالفت نموده و در میان بندگان خدا به ظلم و جور عمل می‌نماید، و با کردار و گفتار در برابر وی پرنخیزد، بر خداوند متعال لازم می‌آید که او را به همان جایگاهی در اندازد که آن ظالم را در آن می‌اندازد، آگاه باشید که اینان (بنی امیه) به پیروی از شیطان پای بند شده و پیروی از خداوند رحمان را ترک گفته‌اند، آنان در زمین آشکارا فساد کرده، حدود الهی را تعطیل نموده، اموال عمومی را به نفع خود مورد استفاده قرار داده، حلال خدا را حرام و حلال خدا را حرام نموده‌اند.⁽¹⁾

بدین ترتیب می‌توان دلیل دفاع ائمه اهل بیت \wedge از قیام حضرت زید بن علی بن الحسین \wedge را که از مصادیق این مبارزات بوده است، نیز دریافت؛ که حضرت امام صادق \times در حدیث معتبری در باره او می‌فرماید:

همانا زید دانشمندی راستگو بود، او شما را به سوی خود فرا نخواند، بلکه شما را به طلب رضایت آل محمد \wedge فرا خواند و اگر پیروز می‌گردید حتماً به آن وفا می‌نمود.⁽²⁾

1. تاریخ طبری 3 / 307 چاپ دوم - بیروت، همچنین ر.ک مقرّم، مقتل الحسین .

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 35، ح 1

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8.

و از حضرت امام رضا × وارد است که به مأمون فرمود:

برادرم زید⁽¹⁾ را با زید بن علی مقایسه نکن، چون زید بن علی از دانشمندان آل محمد بود، او برای رضای خدا خشم گرفت و با دشمنان خدا جنگید تا اینکه در راه خدا کشته شد، پدرم موسی بن جعفر ' از پدرش جعفر بن محمد بن علی [^] شنیده است که می فرمود: خداوند عمویم زید را رحمت کند او مردم را به کسب رضایت آل محمد فراخواند و اگر پیروز می شد حتماً به وعده‌ای که داده بود وفا می کرد، او در رابطه با قیام خود با من مشورت کرد و من به او گفتم: ای عمو، اگر می پسندی که تو کشته شده به دار آویخته در مزبله شهر باشی اختیار با تو است.

و امام رضا × فرمودند:

زید بن علی هیچگاه به ناحق ادعای مقامی را نداشت، بلکه او فقط می گفت: من شما را به جلب رضایت آل محمد [^] فرا می خوانم.⁽²⁾

و از اهل بیت [^] روایاتی در تأیید قیام حسین بن علی معروف به صاحب فخ و خاندانش وارد شده است و مصیبت وی را پس از فاجعه کربلا در درجه دوم اهمیت دانسته‌اند.⁽³⁾

و شکی نیست که نظام‌های غیر اسلامی که هم اکنون بر جوامع

1. وی در تاریخ به زیدالنار یا زید آتشین معروف است.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 35، ح 11.

3. مامقانی، تنقیح المقال 1 / شرح حال حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب که به صاحب فخ معروف است.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

اسلامی حکم می‌رانند - گر چه ممکن است حاکمان آنها به ظاهر مسلمان نیز باشند - می‌توانند مصداقی برای عنوان اول یا سوم، چهارم یا پنجم باشند.

و مبارزه مسلحانه و استفاده از سلاح در آن مبارزه تنها در موردی می‌تواند صحیح باشد که دیگر وسایل و روش‌های دعوت و تبلیغ به سوی خدا با حکمت و موعظه حسنه برای ایجاد تغییرات در جامعه فراهم نبوده یا حکومت و حاکم ستمگر برای جلوگیری مسلمانان از تبلیغ رسالت الهی یا تحمیل حکومت غیر الهی بر آنان و سلب آزادی رأی و اختیار از ایشان، به زور متوسل شوند.

البته در هر صورت برای واجب شدن جهاد باید که مسلمانان توان لازم را برای استفاده از وسایل دفاعی داشته باشند، در غیر این صورت باید منتظر فرصت مناسب بمانند.

و جهاد الزاماً باید زیر نظر مجتهد عادل که دارای همه شرایط رهبری سیاسی و شرعی باشد انجام پذیرفته و در غیر این صورت از وجوب ساقط می‌گردد.

[5] مرزبانی در مرزهای اسلام

از دیگر مصادیق جهاد در راه خدا مرزبانی است؛ مرزبانی عبارت است از حفظ حدود و مرزهای مسلمانان، و آمادگی مستمر برای دفاع از جامعه اسلامی در مناطق هم مرز با سرزمین‌های کفار؛ این امر در هنگام بروز خطر حمله کفار به کشور اسلام بر همه مسلمانان واجب است اما در حالتی که خطری از جانب مرزها کشور اسلامی را تهدید نکند واجب نیست، اگر چه فی نفسه در شرع مقدس اسلام کار خوب، پسندیده و مستحبی شمرده می‌شود.⁽¹⁾

در حدیث معتبری از حضرت امام باقر × و حضرت امام صادق × آمده است که فرمودند:

حد اقل مرزبانی سه روز و حد اکثر آن، چهل روز است و چون مرزبانی مؤمنی از چهل روز بیشتر شد، جهاد محسوب می‌شود.⁽²⁾

[6] دیدگاه اسلام در باره جهاد

پس از مرور مختصری که در باره موارد مختلف مسئله جهاد داشتیم می‌توانیم خلاصه‌ای در این رابطه ارائه کنیم که شکل دهنده دیدگاه کلی اسلام در باره جهاد باشد و آن را در چند نکته ذیل می‌توان جمع بندی کرد:

1. حضرت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین / 367، چاپ بیست و هشتم.
2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 19، ح 1.

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

1- جهاد از عبادات مهمی است که حفظ اسلام و جامعه اسلامی و مبارزه با ظلم و فساد و طغیان و دشمنی به آن بستگی داشته، کرامت انسانی و عزت مسلمانان به وسیله آن متحقق می‌گردد.

2- جهاد ابزاری برای انتشار رسالت اسلام در شرایط خاص و به صورت استثنایی است؛ این شرایط در صورتی به وجود می‌آید که همه راه‌های دیگر دعوت و موعظه حسنه بسته شده، ابلاغ رسالت و اقامه حجت بالغه الهی و امکان پایداری در این کار فراهم نبوده و عذری برای کسی باقی نمانده، تنها موانع روحی و جحود مانع از پذیرش حقیقت روشن و آشکار شده باشد و در چنین شرایطی است که برای شکستن این موانع روحی به مقتضای حال، از ابزار جهاد مسلحانه استفاده می‌شود.

3- قاعده کلی در جهاد بر اساس دفاع از خود در برابر دشمنی مستقیم با اسلام و مسلمین یا حمله به وحدت امت اسلام یا نظام اسلامی استوار شده است.

همچنین در برابر خطرات و تهدیداتی که می‌تواند برای اسلام و مسلمانان پیش بیاید و جهاد به عنوان عامل بازدارنده از این تهدیدات است که جهاد بازدارنده است. و هنگامی که نشانه‌هایی از وجود چنین خطراتی در جامعه اسلامی پیدا شد ایجاد آمادگی برای چنین جهادی نیز واجب می‌گردد

4- جهاد با حاکمان منحرف در صورتی واجب می‌گردد که حاکم منحرف برای بازداشتن مسلمانان از ابلاغ رسالت یا تحمیل نظام

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 8

حکومتی غیر اسلامی بر مسلمانان متوسل به زور شده و آزادی رأی و اختیار را از آنان سلب نموده و در عین حال با چنین حاکمی اتمام حجت نیز شده باشد.

5- وجوب جنگ و جهاد به ناچار باید با توان و قدرت همراه بوده مسلمانان بتوانند از این راه به ولو در دراز مدت به هدف خود برسند. وگرنه جهاد فعلاً بر آنها واجب نبوده و لازم است به تهیه توش و توان پرداخته و به انتظار فرصت مناسب باشند و البته از دست دادن این فرصت‌ها و به ناتوانی کشانیدن این قدرت نیز بر آنان جایز نیست.

6- جنگ باید حتماً زیر نظر امام عادل باشد که در عصر و زمان ما مجتهد عادل آگاه است که متصدی امور سیاسی و اجتماعی و با شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه آشنا بوده، شجاع و قادر به اتخاذ مواضع و اقدام مناسب در برابر رویدادها مطابق با حکم شرعی باشد.

با بیان این مباحث در رابطه با عبادات، سخن خود را در بخش چهارم از دایرة المعارف مبارک اهل بیت [^] که آن را به موضوع نقش اهل بیت [^] در بنیانگذاری جماعت صالحان اختصاص داده‌ایم به پایان می‌بریم.

از خداوند متعال می‌خواهم این خدمت کوچک را با کرم بزرگ خود بپذیرد.

همچنین از خداوند متعال می‌خواهم که خطاها و غفلت‌های ما را در این راه ببخشد و این کار را به لطف و کرم خویش خالصانه قرار دهد.

و باز از خداوند می‌خواهم که کار من مورد قبول سروان و پیشوایانم

عبادات های غیر مقید به زمان خاص

اهل بیت عصمت و طهارت محمد و آل پاک و پاکیزه اش خصوصاً
سید و مولایم حضرت بقیه الله قرار گیرد.

* * *

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب و الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین.
ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا، ربنا و لا تحمل علينا إصراً كما حملته
علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به
و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین.

فهرست

ساختار عبادات

پیش درآمد - 7

عبادات و نقش آنها - 9

ویژگی های عبادت در اسلام - 12

شیوه ای کلی - 17

1. عبادت های مقید به زمان خاص - 19

عبادات روزانه - 23

1. نمازهای روزانه، نوافل و شئون - 23

2. تعقیبات نماز - 35

3. قرائت قرآن - 37

4. اوقات فضیلت در روز - 38

5. نمازهای مستحب و نماز ساعت غفلت (غفیله) - 40

عبادات هفتگی - 43

1. روز و شب جمعه - 43

2. دعای روزهای هفته - 44

3. نماز هر یک از روزهای هفته - 44

عبادات ماهانه - 47

1. نماز اول ماه - 47

2. روزه سه روز از ماه - 48

عبادت های سالانه - 51

[1] برنامه ماه های سه گانه - 53

ماه رجب - 53

1. فضیلت ماه رجب - 53

2. اعمال ماه رجب - 55

ماه شعبان - 62

1. فضیلت ماه شعبان - 62

2. اعمال ماه شعبان - 66

ماه رمضان - 72

1. فضیلت ماه رمضان - 72

2. اعمال ماه رمضان - 80

قسمت اول: اعمال مشترک - 80

(1) اعمال مشترک شبانه روز - 80

(2) اعمال مشترک شب های ماه رمضان - 82

(3) اعمال مخصوص سحرهای ماه رمضان - 86

(4) اعمال مشترک روزها - 88

قسمت دوم: اعمال مختص - 89

- (1) اعمال شب و روز اول ماه مبارک رمضان - 89
- (2) اعمال مخصوص به شب های بیض - 91
- (3) اعمال شب قدر - 92
- (4) اعمال دهه آخر ماه رمضان - 92
- (5) اعمال روزها و شب های خاص - 94
- [2] برنامه عبادی حج و دهه اول ذی حجه - 96
 1. اقسام حج - 99
 2. اعمال حج تمتع - 100
 3. ویژگی های حج - 103
 4. ویژگی های دیدگاه اهل بیت [^] در باره حج - 108
 - (1) گستردگی دایره اهمیت - 108
 - (2) گستردگی محتوای عبادی - 110
 - (3) زیارت پیامبر - 111
 - (4) مشخص بودن مواضع عام سیاسی - 115
 - (5) دیدار امام و رهبری اسلامی - 116
 - (6) حج، جهاد ناتوانان - 118
 5. برنامه اعمال موسم حج - 122
 - (1) اعمال همراه با اعمال حج - 123
 - (2) اعمال شب و روز عرفه - 128
- اعمال شب عرفه - 130

اعمال روز عرفه - 130

(3) اعمال دهه اول ذی حجه - 131

(4) اعمال ایام تشریق - 132

2. عبادت های غیر مقید به زمان خاص - 135

نماز - 139

نمازهای مستحب غیر مقید به زمان - 141

1. نماز تطوع - 143

2. نمازهای منسوب به معصومین - 145

(1) نماز پیامبر اکرم - 145

(2) نماز حضرت علی - 146

(3) نماز فاطمه زهرا - 146

3. نماز جعفر طیار - 147

4. نماز حاجت - 151

5. نماز استخاره - 154

6. نماز هدیه - 158

(1) نماز ليله الدفن - 159

(2) نماز فرزند برای والدین - 160

روزه - 163

روزه واجب - 164

روزه مستحب - 165

نکاتی در باره روزه مستحب - 168

دعا - 171

[1] اسباب استجاب دعا - 174

دیگر اسباب استجاب - 180

1. زمان دعا - 180

2. مکان دعا - 181

3. حال دعا کننده - 183

4. کسانی که دعایشان مستجاب نمی شود - 184

[2] توصیه های خاص در زمینه دعا - 185

1. نفرین بر دشمنان - 186

2. مباحله - 189

3. هشدار در موارد اشتباه در دعا - 192

4. به زبان آوردن دعا - 194

[3] جمع بندی نظری مسئله دعا - 197

[4] دعاهاى ماثور - 202

ذکر - 205

[1] اقسام ذکر - 210

1. ذکر به معنی خاص - 211

(1) بسمله - 211

بسمله شعار شیعه - 212

(2) استعاذه - 214

(3) تهلیل - 216

(4) حمد - 218

(5) تسبیح - 219

(6) تکبیر - 221

(7) حوقله - 223

(8) مشیت - 224

(9) استرجاع - 224

2. استغفار - 226

(1) حد استغفار - 231

(2) تعجیل در استغفار - 233

3. صلوات بر محمد و آل محمد - 238

(1) فواید صلوات بر محمد و آل محمد - 240

(2) چگونگی فرستادن صلوات - 242

(3) موارد فرستادن صلوات - 244

[2] دیدگاه کلی در باره موارد ذکر - 248

[3] مواقع ذکر - 250

دیدگاه - 255

[4] پاره ای دیگر از آثار و آداب ذکر - 256

جهاد - 259

- [1] اهمیت و فضیلت جهاد - 264
- [2] اقسام جهاد - 271
- [3] برخی از احکام جهاد - 272
- [4] موارد جهاد - 280
- [5] مرزبانی در مرزهای اسلام - 286
- [6] دیدگاه اسلام در باره جهاد - 286

فهرست - 291